بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
۱۳۳۳۲
۲۰۶۲

۲۰۶۲

كتاب [illegible] [illegible]

١٥٤٤٢

لسان الواعظين

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

بعد از حمد نامتناهی ذات کامل الصفات پادشاهی را که نقش خیرش
بر همه کاینات بی نهایت و نشانهاست و صلوات تام و صلوات و
تحیات متکاثرات متعالی از حد و شمار و بالاتر از حصر و احصار نثار نام نامی
پایه‌داری که سر دفتر دیوان رسالت و منتخب مجموعه رسایل نبوت و دیباچه
کتاب معجزات فصاحت و بلاغت که اشراقات ضمیر وحی پذیرش
چون مهر منیر تابان و هویداست یعنی احمد مختار محمد المصطفی صلی الله علیه
و آله الذی ما اظلت الغبرا تحت الخضرا و درود نامحدود و تحفه حضور مقصود
رفیق السرور سید المطهرین و قدوة المقدسین المعصومین علی الاعلی ذکره فی
الاولین و الآخرین و ایثار ذکر اصحاب عصمت و نقبا مسندنشین درگاه خلافت
یعنی بقیه ائمه الطاهرین المعصومین المقدسین المعصومین صلوات الله و سلامه
علیهم اجمعین الی یوم الدین باد اما بعد چنین گوید این حقیر کثیر التقصیر در صحیفه عرض احوال

این مطیع واقف روزگار فرخنده آثار نواب کامیاب گردون قباب قمر رکاب
خورشید احتجاب سلطان و خاقان آسمان جناب منبع الطاف بی‌حد عنایات سبحانی شاه
عباس الصفوی الموسوی الحسینی الثانی که جانهای جهانیان فدای نام مبارکش باد حاصل کرده بجا
برین بنده داعی محمدتقی الحسینی باطاعت امر بندگان عالیجاه متوجه این درگاه و بنیاد
سابق الالقاب آقایی اداء این وظیفه واجبه که مقصد اصلی از آن رواج حقیقت
مذهب ائمه طاهرین و کساد و رد و ابطال ادیان نقصان آن آخرت باخته دنیا
دوست پرداخته بروجه مرغوب پسندیده و اخصر مرقوم کرده لهذا ملاحظه
مطابقه مراعات الفاظ عربیه از تبانی زیاده و نقصان عوام از جمیع استعمالات
طابق القذة بالقذة مطابقاً بالمقصد و جواهر معانی الفاظ آن را در رشته تحریر کشید به توفیق

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

حمد بیکران مالکی را که گردانیده ما را از جماعتی که اهل نجات و رستگاری اند در آخرت
که ایشان جماعت امامیه اثنی عشریه اند و توفیق داده ما را که ترک کردیم طریقه
گمراهی و گمراه بودن فرقه‌ها و آن طریق ضلالت که ایشان رفته‌اند در شعار طایفه
ناجیه معتزلی و گروه اشاعره که گشته‌اند بین ضلالت و گمراهی مانده‌اند و شکر بیکران مر آن را که
هدایت و راهنمایی کرد ما را بطریق روشن و هویدا که طریقه مرضیه محمدیه است و نگاه
داشت ما را از آنکه متابعت کردیم راهی که اهل بدعت و ضلالت از آن رفته‌اند
مدرسی که ایشان طریق کرده و خوانده که در بیابان حیرت باشند و روی شهر و دیار

خارجیانند که از راه شریعت بیرون رفته‌اند و گوشه گیر شده‌اند که از شاه راه دوازده
خلیفه کناره گرفته‌اند و صلوات بر پیغمبر پاک که فرستاده خداست برسالت
بر همه عالمیان از طایفه جن و آدمیان و تعریف و توصیف آن شه با آنکه
هدایت و رهنمایی را بر وجه اکمل ذات او فرموده و حضرت محمد صلی الله علیه و آله ارشاد
نموده ما را بفطرت مدینه خود و باین که ما را دستمسک ساخت بکتاب الله
و بذریه پیغمبر صلوات الله علیهم که هر که دست ازین دو چیز بدارد در طریق صواب
پایدار و استوار باشد و صلوات بر اهل و آل پیغمبر که سرافراز گشته‌اند که از جناب
الهی نص صریح بامامت هر یک واقع شده و بر ذریه پیغمبر که منصرف خود دارد
همه کرامت و بزرگیهای واقعی را خصوصا برادر خود و پسر عم خود و ولی و متولی
امر خود و کاشف غم خود آن شخصی که متکفل شده از جانب پیغمبر کار شخصی را بی درهم
شکست جمیع بت پرستان را و نصرت داد کرد دین را و غالب
آمد بر شیطان که راه دینی و نیکاری را گرفته و هر که متوجه درگاه او شود
رستگاری دنیا و آخرت نصیب او گردد و هر که روگردان شود از درگاه او
پس از نار و آتش دوزخ مبتلا گردد پس آنچه وارد بر ذهن و خاطر این مؤلف کتاب
نقش گشته چیزهایی است که حضرت الهی عطا کرده و بخشش نموده و عطیه بزرگ هم
که شیعیان و پیروی کنندگان ایشان کرامت شده و مصیبتهای عظیم است که
باین طایفه باطله ناصبیان و خارجیان نازل گشته و من درین کتاب بطریق

امانت

امانت ودیعت نهاده‌ام از آن مضامین محمدیه و هر کسی که بمضمون حق
دادم و یکی که صاحب حق باشند و بجهت دشمنی که با باطل دارم و بجهت کمک که از اهل بطلان
و آن مضمون حق که بود دیده پسر و ام شیعه و [illegible] حق صادق را بطرف میکند
باشند بر شیطان خارجی منافق سیما شیطان خارجی مصنف کتاب نواقض
الروافض که او احداث کرده در تصنیف خود چیزی که لایق و سزاوار ریش او است
واگذارد کرده بفضل خود و آنچه او در این کتاب بزبان آورده و مخالف تمام بوده در
تالیف اهل ایمان بجهت آنکه در باره ازین تصنیف رسیدگی بزرگی نسبت بیگانه [illegible]
مذهب که در حقیقت سگان صاحب نسب اند و بهر خود قسم یاد میکنم که بنا بر اینها
کتاب مذاقی اگر در ازل بهر ذرات ممکنات رسانیده اند شنیده و اجابت
آن دعوت کرده و حق را دیده و بر او حجاب برروی او در کشیده و هیچ اندیشه
نکرده و دل بستن با بجهت درهم و دنیا و آب [illegible] را آلوده و بجهت [illegible] نموده و بجهت اشتهار
و منصب عداوت اهل حق را بخود در دل داشته از جهت منصب باطل تعصب نموده
بجهت مذهب و بجهت مذهب ایشان سلطان جابر را که بجهت خود دانسته [illegible]
بجهت ریا نموده و از خانه مردم بهوای نفس باز دیده و فتوای ایشان دارد [illegible]
و این جماعت را مانع گردیده بمکر و حیل و تاویل نص کتاب الله و سنت پیغمبر نموده
و هستی که از بیشتر نفس خود یافته و برضای خود جعل حرف باطل [illegible] و در میان گفته‌اند
خود تغییر و تبدیل حق را جای داده و هر شخصی که در [illegible] حق بوده از راه باطل [illegible]

نموده و بسیار بوده که دینار اکبر تبدیل کرده و کره که آنرا با حق خرجیه
درم و دینار کنند همیشه مجادل بغیر حق نموده و انسان بطبع [illegible] باد
برخلاف حق سبب یا میکنند و دین خود را بدنیا میفروشند و جای بکار
چنین که از ظالمی بر نفس خود نهند جای بی خواهد بود در آخرت از طریق
مصنف این کتاب معلوم میشود که نفس اماره او حرکت کرده در
بیابان شهوات و گمراه مانده بمکانی بعید افتاده و از شریعت حقیقی
که اگر کسی ندا کند او از آن کوشش این گمراه وادی ضلالت نخواهد رسید
در بار او منع نخواهد داد [illegible] که نفس او بدین بکاری مخلوق گشته که
علی را باطل کند و آبا و کند مذهب صفا بنی امیه را نفس او مخلوق گشته طبیعت
حنفیه بر منحل گشته بجلفت [illegible] و از قدیم [illegible] آمده و زود باشد که
ز نفس [illegible] باشند که بازگشت ایشان بکجا خواهد بود همانا که در رگ کرده و
عاقل که او را باز دارد و ازین ذمیمه باطل پس حال [illegible] آن شد که بکرم او را حق
که هیچ نفس زکیه پاکیزه استماع نداشته باشد از قبول آن و مانع شود هوای نفس
و عصبیت او را از تصدیق و از معانی آن پس باید که قبول کند درین وقت نصیحت
و ترک کند و پرهیز نماید نصیحت را و بعد ازین رجوع نکند بمثل آنچه سابقا از آن رجوع
زیرا که آنچه بر زبان بیان آورده درین کتاب زبانه آتش است در روز حساب
و عار است در اعقاب او و انساب چون مصنف کتاب نواقض آن کتاب را

باسم سلطان تألیف کرده و بنا بر معنی باطل ابن حق مصنف کتاب مصائب النواصب
تصنیف کتاب خود را باسم مبارک [illegible] پس پادشاه دین پناه ظل [illegible] ایزدی محلی گردانید
و آن پادشاه دین پناه سلطان اعظم مالک رقاب امم رافع و بلند کننده اعلام [illegible]
داد انصاف و از بیخ بر کننده بنای ظلم و اعتساف سید و بزرگ سلاطین عجم [illegible] شرف
بزرگی او گویند [illegible] سایه حضرت رب العالمین فی الارضین [illegible] الماء والطین
احیا کننده رسم و طریقه آبا طاهره و اجداد مطهر مبارک [illegible] حضرت [illegible]
شریعت شریفه نبویه شکننده [illegible] طریقه جعفریه پادشاهی که از حشمت قدر رفیع شان
[illegible] از حرکت [illegible] جنبش قوم البنیان بحرکت و تزلزل در آمده و بنای ظلم [illegible]
و قیاصره و [illegible] این تزلزل را [illegible] بنا بر عاقبت [illegible] حال [illegible]
قیامت قامت او [illegible] عظیم پادشاهی که خوف دارد [illegible] شیر [illegible] دل
در بیج آسمان امید دارد بابر کرم او بستان ارزو و در بسیط زمین بساط [illegible]
بود و کرم [illegible] او را عون [illegible] سعادت [illegible]
دولت [illegible] به برکت وجود مقدس او
شرک و کفر [illegible]
بود [illegible] حضرت امام علیه السلام منتظر [illegible] المنصور برهان السلطان بن
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان [illegible]
[illegible] حضرت الله سبحانه و تعالی [illegible] سلطنت [illegible] پادشاهی

بهره‌ور داراد و اعتراض‌شان بر این نام نهاد و در این کتاب خود را بمصائب النواصب مسمی
معانی آن صحیفه‌ها آیاتی است که نازل شده از عالم بالا بر جان نواصب و ترتیب داده‌ام
این کتاب بر چند مقدمه خوب و اشعار کرده با آنکه بحث مخالف مذهب حقیقت در
جهاد است و ذخیره روز حساب است و خدای تعالی توفیق دهنده است و مقدمه
اول در مقدمه اول در بیان وضوح حال مصنف کتاب نواقض است
بوجهی که بیان وصف بوده پوشیده نماند بر کسی آنکه صاحب کتاب نواقض از
پسران دختر سید الشریف علامه است و کاشی از دختران او بوده بجهت آنکه پوشیده
نبوده معایب او در لباس خواهران او و غنا برچیده از او چیزی چند و بهبهانه که تمتع
بهره‌ران او و مادران او زماره حوات و خواهران زنانی او و میر سید شریف جد صاحب
کتاب نواقض از شیعه جهانست و همه ساکنین آن ناحیه امامی اثنا عشری بوده‌اند
و از زمان اول تا این زمان و در کنار تربیت او و نشو و نمای او قطب رازی صاحب
تصنیف محاکمات و شرح مطالع و شمسیه و حاشیه کشاف و قواعد و نقد امامیه در قطب
رازی قواعد علامه را بر مصنف قواعد خوانده و مصنف قواعد حضرت شیخ العلامه
المحقق المدقق الامامیه شیخ جمال الدین مطهر حلی است قدس سره و دلیل بر آنکه حضرت سید
المحققین میر سید شریف علامه صاحب مذهب امامیه بوده وقتیکه از مرخ
بلاد الهند ... الشهداء جملها ... شمرده با آنکه جمیع اهل ... الشهداء از زمان
تا این زمان از جماعت اهل سنت و جماعت بوده‌اند و اهل مولد شریف حضرت

میر سید شریف که استرآباد و جرجانست از زمان سیف الدوله تا حال بر مذهب حقه امامیه
اثنا عشریه راسخ و مستقر بوده‌اند و مع ذلک حضرت علامه در مقام تتبع کلام حضرت
سید مرتضی علیه التحیة والسلام کرده و در انتقال که مناسب بود و تصحیح نیاورد امامی اثنا عشریه
یا کافر و دیگر واسطه نه و پس بنابرین مخالف مذهب امامی و اگر چه سنی باشد کافر خواهد بود
زیرا که واسطه در میان مذهب امامی و کفر منقول نگردیده بود و همچنین چون پیش سیره در میان جمهور
اهل آن ناحیه دیگر در شأن کفار و اهل کتاب نازل گشته نسبت با جماعت مخالف
مذهب خطاب نموده و این نیز دلیلی است واضح بر آنکه حضرت سید شریف از علمای
امامیه اثنا عشریه بوده و دیگر تصریح در خطابه خود نموده که جاهلی که از اهل سنت ...
خلال محبت حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام کرده با بکر شریک گردانیده ...
و مار بجهت آنکه نفع نمیدهد ایشان را هیچ چیز از مراتب ایمان بخدا و رسول و فایده نکرده
در آخرت خوبهای اعمال و افعال ایشان بجهت آنکه مقترن بمحبت امیر المؤمنین نیست چنانکه
برین مضمون روایت صحیحه شاهد گردیده است و اشاره بآن فرموده شیخ فاضل عارف
زین الدین ابو بکر تایبادی در کتاب ابیات بجهت آنکه فرموده و این مضمون را رباعی
گر سنه قلک بود و منزل تو * ور گوهر زرگر سرشته باشد گل تو * چون مهر علی نباشد اندر دل تو
مسکین تو و جهای بی حاصل تو * جد این مقامات قدس سره تصریح کرده با آنکه اجماع اهل سنت
بطریقی که مزبور گشت و اخلفه در کره و شیعیان این ... اشاره فرموده با آنچه خوب آمده در این کتاب
... سلطنت ... که داخل شده در مذهب سلطان خصوصا خلیفه ثانی با اعتقاد باطل ...

سنی کرده شان ایشان را بطریق نظم گفته شد و باین مضمون که کار ابلیس گمراه کردن است مردم را تو ای عمر
گمراه کرده ابلیس را و باز مرید و تمیسی که گفته شد حکایتی است که منقول است که اهل جمعی بعد
از آنکه شنیده که حضرت میر سید شریف این آیات خوانده در حال مخاطب با جماعت
در مقام اعتراض باشند حضرت سید شریف در جواب فرموده که مقصد از این
آیات در حال مخاطب از روی تکفیر جماعت نبوده و قصه متعلق باین گشته بر جماعتی
باین حیله از شکایت جماعت متفرق شده و باین سبب مذکور خنده کرده طبیعه ایشان و حق بیت
نکرده آنقدر شده در حال ارباب تعصب و طریقه سلوک ایشان در محاورات مخاطبات
می توان یافت طریقه سلوک که حضرت سید شریف علامه در خطبه علوم که ترجیح میکند
الحسیاقت کلام را بیان و اشاره در بیان کلیمن که از مثل حدیث و مخاطبه ثقلی باقی است
با امام [illegible] نموده [illegible] بلکه قدس سره و در بعضی از کتب مصنفه خود مثل شرح مواقف که
موافق مذهب مخالف حق [illegible] از جهت جاه و مال یا تحیا احتراز از مذهب حق امامیه
تقیه بوده و ظاهر و ترجیح است که هر یک از ایشان که بفطرت طبیعه خود باقی باشند چون
خود را بظاهر اظهار مذهب مخالف و در باطن بخلاف آن مذهب حق امامیه معتقد بوده
و از مطالعه کتاب سر العالمین [illegible] غزالی [illegible] آنچه گفته شد ظاهر و مستحضر گردد و حضرت علامه
حلی در منهاج الکرامه تصریح فرموده باین عبارت که من کان [illegible] یکی از محققین علما کرامت
حقیقت مذهب امامیه و مذهب غیر امامیه با وجود اطلاع و اختیار مذهب غیر امامیه
از کتب علمیه [illegible] و مدارس در باب این نظام

بمذ

بمذهب حق بوده [illegible] میکند و اعتقاد خود را بمذهب حق کالی دانند و حضرت علامه حکایت
که بعضی از جماعت [illegible] و دیدم که در وقت وفات وصیت نمودند که ایشان
بطریق شعار مؤمنین کفن بود و من کند و متوجه او در مشهد امام موسی کاظم علیه الصلوة و السلام
قرار داده بودند و طلب شهادت از تحتی نموده بودند که ایشان بر دین و مذهب حق
امامیه اثنا عشری بوده اند و ملا میر محمد بن خلف قدس حضرت میر سید شریف چون از تقیه
احتراز [illegible] باقی بوده او را در طلب جاه و مال نبوده و دانسته که دنیا فانی محل عبور است
[illegible] اظهار و انتساب مذاهب امامیه نموده اند و در زمان حیات خلیفه خود [illegible]
[illegible] بوده اند و مضمون خطبه کتاب متوسط که او تصنیف کرده و ترجیح میکند امری که شاه
حال [illegible] خارجی تشیع او [illegible] که در [illegible] خطبه این کتاب مشرح شده [illegible]
تقدم صحابه [illegible] تقیه حرام [illegible] است که [illegible] خطبه خود ترجیح نموده و حضرت
حضرت میر محمد [illegible] در زمان حضرت خاقان [illegible] قدس سره [illegible] شاه اسمعیل
[illegible] المذهب [illegible] الفرقة الناجیة الامامیه و مقام [illegible] مذهب [illegible] ظاهر
[illegible] و بعضی شیخ الاسلام [illegible] که [illegible] ریاست این قوم [illegible]
[illegible] مذهب [illegible] ضلالت [illegible] یکی از ایام
[illegible] حضرت شیخ [illegible] التعالی شیخ عبد العال [illegible] نمایید [illegible]
کرده اند [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] میر [illegible]

فرد از شیعه بلکه از اخبار از قبیل عوام خود بجهت تعصب این قوم انکار دارند از راه صواب و با بیت

واقع شده و همچنین والد شریف او که در زمان دولت خاقان جنت‌جایگاه یکی از سپاه السلطان العادل

ظل الله فی زمان شاه جنت بارگاه خود و پس از انتقال شاه طهماسب بهادرخان انار الله برهانه

بعضی از قاضیان به سبب بعضی امور وزیر بود [illegible] و در تحقیق [illegible] و تقیه [illegible]

حق و میشه‌های اهل ایمان و ماحی مذهب آل عثمان بود تا آنکه [illegible] و تعظیم [illegible]

و بعد از این صاحب کتاب نواقض [illegible] اسلام و اسلاف [illegible]

[illegible] نماید و [illegible] مذهب [illegible]

کرامت [illegible] است که آباء و اجداد [illegible] از بزرگان [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] کلام مجید [illegible] آوردیم [illegible]

آباء و اجداد و [illegible] صاحب کتاب مصائب النواصب

بهمت [illegible] تحریر آورده [illegible] که این مرد مؤلف نواقض خود [illegible] جماعت [illegible]

که [illegible] مذهب [illegible] چون [illegible] فضائل [illegible] مذهب شهرت تمام [illegible]

[illegible] فرمان [illegible] شاه اسمعیل ثانی رسیده [illegible] استجلاب قلوب مخالفین [illegible]

تسخیر مملکت ایشان [illegible] آن شاه [illegible]

بشاه [illegible] طالب [illegible] اهل حق [illegible]

و که [illegible] ساخت [illegible] ابن الحاجب [illegible]

و [illegible] شاه اسمعیل [illegible]

بلکه بسیار عوام و فضلا و مصالح طلب این بسبب بود که مجلس ایشان واقع شده تا آنکه بعد از فوت

شاه اسمعیل [illegible] و اطلاق [illegible] ساختند و چون حقیقت احوال

معلوم شده بود که از کتاب این [illegible] و بجهت حب جاه و منصب بوده لهذا

در باب [illegible] جماعت اهل سنت و جماعت

[illegible] و محل این [illegible] قبول [illegible]

[illegible] بطایفه مخالفین که از تابعین مذهب شافعی بوده‌اند [illegible]

[illegible] این [illegible] استجلاب منفعت [illegible] آل عثمان بوده تا آنکه او را

[illegible] قاضی [illegible] مناسب حال او [illegible] که در زمان

شاه اسمعیل ثانی [illegible] مذهب شافعی [illegible] مسئله [illegible]

سؤال کرد [illegible] مذهب حنفی [illegible] مذهب [illegible]

[illegible] شد سکوت [illegible] اختیار [illegible] این کلام [illegible]

[illegible] حاصل آنکه [illegible]

[illegible] مصنف [illegible] مؤلف نواقض [illegible]

خیال [illegible] مذهب شافعی [illegible]

[illegible] مصنف کتاب [illegible]

[illegible] صاحب نواقض شده [illegible] کلمات [illegible]

[illegible] مسلم

گرچه روابط ... شرعیه و ... که مفید باشد منوط و مربوط است اگر لفظ به عبارات شریعت
محفوظ باشد و مع ذلک اشتغال آن خفی است که شیخ ... معنی بیان نموده علم ... و اما نحو
ازهار ... عبارات شریعت ... [illegible] ... تحقیق
معنی ایمان و اسلام و اختلاف ... صاحب ... نقل کرده که اختلاف کرده اند
جمعی که منسوب به علمای اسلام اند در معنی اسلام و ایمان معتزلی ... عقیده آنست که ایمان
مرکب است از اعتقاد به جنان و اقرار به لسان و عمل به ارکان و این مذهب مردود است به آیات
و روایات چون که حضرت جناب مقدس آلهی در چندین موضع ایمان را توصیف کرده که متعلق
جنان است چنانچه میفرماید **اولئک کتب فی قلوبهم الایمان** و در موضع دیگر میفرماید
وقلبه مطمئن بالایمان و در موضع دیگر میفرماید **فمن شرح الله صدره للاسلام**
و همچنین در مواضع متعدده ... و اما نزد محققین اهل سنت و جماعت مجرد تصدیق است
به آنچه پیغمبر اخبار فرموده و اگر به وجه تفصیل معلوم شده باشد آن را به همان وجه تصدیق باید کرد
و اگر مجمل معلوم گشته باشد به وجه مجمل و دلیل بر این مدعا آنست که در لغت عرب ایمان
تصدیق است و ... معروف آنست که استعمال لفظ به حقیقت معنی لغوی باشد نقل ... مجاز
و اگر نقل واقع میبود ... منقول میشد و همچنین حضرت مصطفی در جواب حضرت جبرئیل امین
فرموده اند که **ان تؤمن بالله وملائکته وکتبه ورسله والیوم الآخر** یعنی ایمان
آنست که اعتقاد کنی به خدا و رسول و ملائکه مقربین و کتب نازل شده ... و روز جزا
... معلوم میشود که تصدیق ... یعنی آنچه حضرت پیغمبر خبر داده ...

واقع شود و ... در میانه چنانچه مذکور شد خلاف شده که اقرار به زبان شرط است به جهت اجرای
احکام شریعت از طهارت و نجاست و قبول ... و شهادت و امثال آن یا معنی ... ایمان
متحقق میشود و اگر چه تلفظ به زبان واقع نشود و جمعی دیگر از اهل سنت بر آنند که اقرار ...
شرط صحت است یعنی بدون تلفظ به زبان ایمان حقیقی واقع نمیشود چنانچه ... تصدیق ...
جمعی گروه که اقرار به زبان نکرده ... خلاف که مذکور شد ... اختلافی دیگر در میان اهل علم
واقع گشته که اسلام و ایمان یکیست یا دیگر اسلام خبری است مغایر ایمان بعضی از جماعت
اشعری ... که اسلام خضوع و انقیاد است که ... ذهب محمدی صلوات الله علیه
... واقع شود ... حقیقت تصدیق است به اصل مذهب و احکام آن و ایمان ...
تصدیق است پس ... معنی ایشان ... این مذهب است ... حضرت
ومن یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه یعنی هر که اختیار کند غیر از اسلام دینی
پس ... به آن ... اعتبار ... ایمان غیر اسلام باشد پس اعتبار ایمان مقبول جناب
مقدس آلهی ... پس ... ایمان ... اسلام باشد به قبول حضرت آلهی ... و همچنین آیات
... است که ... و بعضی دیگر گفته اند که اسلام و ایمان
... عبارت ... وجود ... معنی ... آیات
... ایمان از اسلام ... اول ... قول حضرت آلهی **قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولکن**
قولوا اسلمنا که معنی آن ... که اعتقاد ظاهری کرده ایم که اسلام عبارت از
... انقیاد باطنی ... واقع نشده ... ایمان ... ایشان شده ... اعتقاد ظاهری و باطنی ...

که معنی اسلام شرعی است بدینه ایمان نیز در شرع خواهد بود و پس اسلام شرعی مشترک نمی‌شود زیرا
شرعی مجملا صاحب مواقف ادعا نموده که باتفاق اهل سنت و جماعت است آنکه مسلم غیر مؤمن
نمی‌باشد و بمعنی متفق علیه و دلیل قرآن نیز ظاهر میشود چنانچه آیهٔ **فاخرجنا من کان فیها من**
المؤمنین فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین دال بر آنست که اسلام و ایمان یکیست
و متعرض وجه دلالت بر مطلب گشته و رجوع کرده بمطالعات سلیقهٔ ناظر و ظاهر که خیال او
این باشد که سیاق کلام دلالت میکند بر آنکه باقی ماندن مؤمنین که عین بیت و جماعت
مسلمین است چه آنکه شده که معنی هر دو واحد است بعد از تمهید این مقدمه و ذکر که
من عجیب و هم از جهالت رفته که با وجود اتفاق اهل سنت و دلالت آیهٔ شریفه بر اتحاد
ایمان و اسلام بچه دلیل متمسک شده‌اند و گفته‌اند که ایمان اخص مطلق است از اسلام
یعنی ایمان اعتقاد به پیغمبر است و اسلام اعتقاد بخدا و به پیغمبر است پس
او شرط شئ آخر و این قول محدث بی دلیل صحیح نیست و مع ذلک به جماعت رفته‌اند
تبدل ایمان بمعنی در زمان پیغمبر تکلیف ایمان بمعنی باشد و در زمان وفات پیغمبر تکلیف
بمعنی دیگر باشد زیرا که در زمان حیات حضرت مکلف نبوده‌اند باعتقاد به خدا و
ندانی الکل اعتقاد بائمه معصومین که او جزو ایمان باشد لازم می‌آید اختلاف در حقیقت
ایمان در دو زمان و این ظاهر البطلان است پس اختلاف در معنی ایمان و اسلام چنانکه
معتقد اهل رفض است موجب مخالفت باتفاق اهل سنت است و عدم موافقت ظاهر
قرآن و سنت قطعی است و در شرع بی دلیل و این جهت ناشی شده تا تحقیق

دو صاحب المواقف بود و صاحب مصابیح المواهب متوجه و دیگر مراد شده او را
در باب اختصاص این مذهب بمعتزله را حال آنکه ملا سعد الدین در شرح عقاید تصریح کرده که
ایمان تصدیق است بجنان و عمل ارکان بطریقی که ذکر شده نزد جمهور متکلمین و محدثین و فقها
پس ما چه قدر بحث درین مذهب داریم و آیه حصه بزرگان مذهب او خواهد بود و لیکن ملا سعد الدین
او مراد خود درین امر بیان نموده و قایل شده که مذهب جمهور متکلمین است و او از محققین
در جمهور است با وجود این معنی بخطاهای که بعدم صحت مذهب مرکب ایمان کرده و داله بر نفی
دستعمل بآیات قرآنی گشته دلالت بر مطلب نمیکند و حاصل آنچه متعرض گشته آنست که
مثلا ایمان در آیات قرآنی بمعنی اصل تصدیق است موافق معنی لغوی و کلام جماعت
متکلمین که ایمان در شرع منقول است و آن مرکب از اعتقاد و عمل است مخالف اول
دیگر که دلالت میکند بر آنکه مراد تصدیق است مثل آیه کتب ایمان در جنان و امثال آن
مراد کتابت صورت ایمان مرکب است و بیان حقیقت ایمان درین مکان مثل آنست که گوئیم
فلان شخص در دل خود نوشته ملازمت فلانرا و اینجا لازم نمی‌آید که معنی ملازمت
نوشته در دل باشد بلکه صورت ملازمت در دل نوشته شده و جواب دیگر آنکه
مثلا ایمان مثل لفظ آب است که اطلاق آن بر جاری است و بر جزء کل پس اگر تصدیق قلبی
ایمان باشد منافات ندارد که مجموع مرکب نیز ایمان باشد مثل قرآن که آیه‌ای را از آن
قرآن میگویند و مجموع آیات را نیز قرآن میگویند و جواب دیگر آنکه اطلاق ایمان بر تصدیق
قلبی از باب تسمیهٔ شئ باشرف اجزای آن شئ است و این طور اطلاقات در کلام بلغا شایع و متعارف است

اطلاق

[illegible] باقی بر ظهور باشد و اما در حال [illegible] بالظلم ایمان باقی [illegible]

[illegible] شده [illegible] کتاب [illegible] آن [illegible]

[illegible]

موصوف [illegible]

[illegible] و همچنین [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] شده [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible] علوم [illegible] شده [illegible]

حقیقت [illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible] کرد ایمان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مستور [illegible] است [illegible]

[illegible] دین [illegible]

[illegible] مخلوقات [illegible]

مختلف شده بقول حضرت الهی [illegible] اینکه تقریر آن

این وجه پیشتر که حضرت الهی منع کرده است ایشان را از ارباب اسلام آوردن

دست نهادن و فرموده که [illegible] در ایمان آوردن شما یعنی آن اسلام

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] موسوم [illegible] داشته [illegible]

[illegible] نمود و اشعار کرد با سلام و فرموده که اگر ایمان واقعی

می داشتند باز داشته بودند ایشان را [illegible] آنچه صاحب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] که اسلام [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] است یعنی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ظاهر کلام [illegible]

و از وجوب [illegible] ... صاحب [illegible] که [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] مطلب [illegible] تصدیق [illegible]

[illegible] مطالبه [illegible] و تحصیل [illegible]

[illegible] فرموده

بیکی معروف مخصوص در آن زمان واجب

هرگاه در زمان حیات حضرت رسالت [illegible] تحقق شود واجب

[illegible]

[illegible] مطلب [illegible]

مطلب [illegible]

[illegible] مسلک [illegible]

[illegible] است که قابل [illegible] بیان [illegible]

[illegible] وجوب [illegible]

[illegible] که ملتزم [illegible]

و هیچ [illegible] معقول [illegible]

[illegible]

حضرت [illegible] صلوات الله و سلامه علیه که حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] ... موجودات ... [illegible] ... حدیث [illegible]

[illegible] ... مسائل ... [illegible]

[illegible] ... شده ... [illegible]

[illegible] ... معلوم شده ... [illegible]

[illegible] ... شده ... [illegible]

[illegible] ... شده ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... مقام ... [illegible] ... است که ... [illegible]

[illegible] ... بعض ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... مسائل ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... مسائل ... [illegible]

[illegible] ... بر حمل کلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... اگر ... [illegible]

[illegible] ... دیگران ... [illegible]

[illegible] ... احادیث ... [illegible]

معلوم شود ... [illegible] ... شاهد ... [illegible]

[illegible] ... جواب ... [illegible]

[illegible] ... مستفاد ... [illegible]

[illegible] ... روایت ... [illegible]

[illegible] ... محقق طوسی ... [illegible]

[illegible] ... مذهب ... [illegible]

[illegible] ... مذهب ... اختلاف ... [illegible]

[illegible] ... محقق معلوم شود که ... [illegible]

[illegible] ... صاحب ... [illegible]

[illegible] ... عصمت ... [illegible]

[illegible] ... متشابهات ... [illegible]

[illegible] ... اسلام ... کلام ... [illegible]

[illegible] ... شیخ ... [illegible]

[illegible] ... تمهید مقدمه ... [illegible]

[illegible] ... عالم است

[illegible] ... عصمت ... [illegible]

... کیفیت ... حاصل ... [illegible] ... بالاعتبار ... [illegible]

و بعضی ... که ... بخلاف شیخ ... است ... [illegible]

... مسایل ... حضرت ... [illegible]

شیخ ... فروع بسیار از مسایل یکی بنابر ثبوت این ... [illegible]

نظر باین دارد که ... بسبب ... نقل شده ... [illegible]

تمام بیان کرده و نقل نموده که در عالم امکان زیاده از این ... اختیار ... [illegible]

و بالجمله چون مسئله ... از مسایل دینی ... ثبوت و لا ثبوت ... نقل آن

... اینجا نیست و اگر کسی سؤال کند که بعضی ... [illegible]

... [illegible] ... کیفیت ... [illegible]

وجوب و عدم ... در قول معصوم است ... اقوال ائمه صلوات الله علیهم اجمعین

... جواب اینست که چون ... اعتقاد ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... کلام معصوم علیه الصلاة و السلام ... [illegible]

... [illegible]

نیست که حدوث و وجوب ... مختار است یعنی فعل او باراده و اختیار است

ذهنی

ذهنی و در خارج ... وجود ... [illegible]

... صدور فعل امکانی باشد چنانچه مذهب متکلمین است ... [illegible]

نسبت صدور فعل او وجوبی باشد چنانچه مذهب حکیم است و این گفتگو ... [illegible]

... بیان شد ... بعضی مسایل ... [illegible]

... [illegible]

... مسایلی است ... [illegible]

... [illegible]

... کتاب ... صاحب کتاب ... [illegible]

... [illegible] ... خلاف ... مسایل

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... معلوم شد که ... [illegible]

... مسایل ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

کما هو موجود باید ذات [illegible] ذات مقدس حضرت حق را امکان [illegible]
[illegible] می کرده باشد [illegible] احتمال [illegible] دیگری [illegible]
[illegible] است و بنا برین توحید بحسب امکان و بحسب وجود ظاهر نشده و جمعی دیگر تقدیر
[illegible] کرده اند [illegible] که [illegible] ممکن الا ذات حق و احد [illegible]
[illegible] چنان [illegible] که انحصار امکان در ذات [illegible]
[illegible] نیست پس توحید بحسب وجود ظاهر نشده و حضرت شیخ شهید [illegible]
شیخ [illegible] نقل فرموده که معنی کلمه توحید نیست [illegible] موجود الا حق
[illegible] و برین تقدیر چیزی تقدیر نمی باید کرد چرا که اصل [illegible] الا الله [illegible] آورده
[illegible] است و الا [illegible] است و دیگر خبری تقدیر نمیتوان کرد [illegible]
موجود است [illegible] و دیگر نقل فرموده که [illegible] کلمه طیبه بحسب وضع
شرع [illegible] نفی امکان و سلب وجود در غیر ذات مقدس حضرت الهی
و بنا برین چون سلب مطلقا [illegible] ما سوای معبود [illegible] توحید [illegible]
[illegible] و آنچه [illegible] نیست که [illegible] کلمه طیبه [illegible]
[illegible] چنانچه [illegible] است که [illegible]
[illegible] موجود است [illegible] موجود [illegible] است [illegible]
[illegible] کافی است در توحید [illegible]
[illegible] موجود حقیقی است و [illegible] معبود [illegible] که کلمه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] بیک خطوط
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] که [illegible] آن
[illegible] است که [illegible]
[illegible] است که اتفاق [illegible]
[illegible] است و آن جناب [illegible] است که [illegible]
[illegible] تنها [illegible]
[illegible] تسبیح و سلام [illegible]
[illegible] است [illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] موضع [illegible]
[illegible] نیست و [illegible] چنانچه سابقا مذکور شد از
[illegible] است [illegible] است [illegible] آن [illegible]
[illegible] است [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] شهود
[illegible] حال کرده [illegible] توضیح این مسئله که [illegible]
[illegible] است [illegible] تطویل [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] مسائل مختلف [illegible]
[illegible] قایل [illegible]
[illegible] این مسئله [illegible]
[illegible] معتزله است پس اصل این مسئله مشترک [illegible]
[illegible] اقوال ایشان باشد و حقیقت [illegible] نیست که
[illegible] برین مذهب [illegible] که فاعل هیچ است [illegible]
[illegible] و در این مذهب [illegible] چون لازم می آید چرا که [illegible] تکلیف
[illegible] مراتب [illegible]
[illegible] چون ملاحظه [illegible]
[illegible] قابل شده اند [illegible]
[illegible] حاصل است [illegible] تکالیف و ثواب
عقاب [illegible]
[illegible] شده [illegible] که این [illegible] مذهب جبری
است و در حقیقت این مذهب [illegible] جبری نیست [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible] و [illegible]
[illegible] دیده اند [illegible]
[illegible] که این [illegible] آمده اند و در مقام [illegible]
[illegible] کلام ایشان [illegible] و گفته اند [illegible]
[illegible] است که در حقیقت [illegible] و مقام [illegible]
[illegible]
[illegible] حقیقت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] این باب [illegible] که [illegible] اهل [illegible]
دو هستند که از جانب [illegible] شیطانی ظاهر [illegible] الصاف [illegible] در باب [illegible]
[illegible] یعنی [illegible] معلوم [illegible]
[illegible] عاصی [illegible]
[illegible] جل [illegible] و ظاهر است که [illegible]
[illegible] صفات [illegible] در اصل [illegible] باب [illegible]
انصاف [illegible] معلوم شد که [illegible] صلی الله علیه [illegible]
[illegible] از جهت [illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب [illegible] خارج [illegible]
[illegible] معلوم [illegible] محبت حضرت [illegible]
[illegible] واقف [illegible] نمی تواند [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] در [illegible] حضور [illegible]
[illegible] صحبت [illegible]
[illegible] صحبت [illegible]
[illegible] حضور [illegible] طریق [illegible]

[illegible] از [illegible] پای [illegible] آن [illegible]
[illegible] پیش [illegible] ضلال و هلاکت [illegible]
[illegible] عاقل [illegible] است که این صحبت [illegible] زیادتی [illegible]
[illegible] صحبت حضرت [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] چون [illegible] سبب [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] نافع [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] و صدق [illegible] مقام [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] طریق [illegible]
[illegible] که [illegible] مستقیمین [illegible]
[illegible] تمام می شود [illegible] قدری [illegible]
[illegible] حضور حضرت [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] مشغول کردیم

نیز کمال علم و حلم و شجاعت و کمال حسن و جمال و [illegible]

[illegible]

[illegible]

و حال آنکه ... مشکل ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] واقع این مطالب که [illegible]

مطابق [illegible]

در [illegible] کلام مذکور [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

صلوات الله علیه امر کرده حضرت رسول [illegible] اهل بیت و حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] اهل بیت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] معنی ممنوع بودن [illegible]

[illegible]

... صلوات الله علیه و علی آله الاطهار ... [illegible]

[illegible]

امثال او [illegible] محال است دیگر [illegible]
[illegible] مقال است [illegible]
[illegible]
[illegible] سبب [illegible]
چنانچه [illegible]
[illegible] ایمان [illegible] اهل البیت
[illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] چنین کرده اند که [illegible]
[illegible]
[illegible] ذوالفقار کرده [illegible]
[illegible] اجتهاد [illegible] اجتهاد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] کلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه [illegible] وسلم [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

سنی شد علام بسوی الله رفت و قلعه دیوی امین ... نقل کرده ... عاشق
شافعی المذهب بود که بهشت معنی مشروع ... شیخ ...
شعائر ... و مشهور ... اند ... حلم و رفق ...
معتقدین ... بود نسبت ... مشهور و غیره ...
کلام مصنف ... مقام ... چند ... نقل ...
واقع شوده این مسئله ... قول ... مقام ...
... خلق ... علیه ... مقام ... نسبت ...
... مقصود ... بهشت ... وصول ...
نقل او ... اسلام ... کرامات ...
... بحیث ... با اشتمال ...
در جزوی ... کلام ... بهشت ...
مشتبهات ... خلاف ... قراین ... بواقعه ...
کثرت ... اطلاع بحقیقت ...
الفاظ ... در بیان اهل ... حقایق ...
... توحید ...
و تحقیق ... اغراض و اختلاف ...
... فرموده ...

و جمهور

... مقام ... وصل ...
... بود ... محققین ... ابو القاسم ...
و ... جنید ...
... قول ...
... محمد بن حسین ...
... شنیدم ... الانس ...
... قرب ...
... الطبقات الانام
... متعلق ...
... اسلام ...
... شهادت ...
... صحت ...
... مقام و حکایت کرده ...
... بیان ...
... مختلف ... اشکال
... حق ...
... چند ...

جز این بحث که گذشت [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

علم آنحضرت صلوات الله علیه و آله [illegible]

بطرف اسلام [illegible] تقیه [illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ایشان [illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

قوله تعالی فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک

فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر [illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

گفته که حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] بحضرت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و قاست بن عباس حضر مجلس آمد حضرت علی علیه السلام این شکی و بعد از وفات
سبب ان سکین سقیفه و غضب ربع بنی هاشم الحقیقی گفتگو بسیار و درمیان ند
از عبد سبب حضرت امیر المومنین که خلافت بی کرامت بعد بود و در این
دو نفصل و در اسلام سوابق بسیار دارند شان و قدر عرب و بعد
و حضور او و روقتی کرم او عباس گفت و او ثابت نشد بنی هاشم را
کدورت عجب نبی بهشت و از او ارکان و توجه کنم پس اختلاف گفته
در نود و پس بعد اسلام و حضور و گفت ای صحابه بعد از رحلت ای عباس
در علی بن ابی طالب بود و انتخاب شد که بسبب ابنای الاعظم و ربیعه
خشیه از قریش و دست کرد و او را وکیل مسلمین کرد و وی را از سیر
پس گفت حضرت علی والا ابا او را اگر اهل الخلافة و اهل بیتانا و ایانا و
اسند بعد ابا بکر را کار خلافت بهشت بیعت او را مشتاق ایام
شما را امید و در ... شد کلام صاحب ...
مصنف کتاب ... صاحب ... این کلام صاحب ...
اما این ... که بود ... برکت ... نیست ...
... بهشت ... بعد از ...
... سقف ... مقام ... حاجت دنیا ...
... حال که ... و ... بهشت ... صاحب ...

الغي

[illegible] حقیقت او وصف صحبت او با نور و رب و رحمت معلوم تا سبب ...
و سیر او بود و رعایت منصف عدل الی اخر السعادة اعتقاد ... و ...
... بود ... و ... بسوزن ... پس ... بود ... ی ... حال ...
... در ... برهند ... که ... شد ... اصول او ... و ... سبب
... گشته ... امر او ... سبب ... شد ... بیان ...
این ... که ... حضرت علی ... صحابه ... و ...
... حضرت علی بن ابی طالب ... و جمیع ... و ...
... و ... و ... که ... بود ...
... حضرت ... جانب ... حضرت
... بعد ... حضرت علی ...
... بعد از ... و ...
... و اتفاق ... که ... اسلام ... حضرت ...
... از قبیل عبارت ... تا ...
پس ... اسلام ... و ...
... فلق ... پس ... اتفاق
یعنی ... که ... از ... مردمان ...

و اعتقاد کرد [illegible] خلافت [illegible] حضرت علی علیه السلام [illegible] بیعت
[illegible] خلفای [illegible]
[illegible] رجوع [illegible]
[illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] حضرت علی [illegible]
[illegible] تقریر [illegible] صدیق بوده [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
علی [illegible]
صاحب [illegible] بیعت

[illegible] خلفای [illegible] علی [illegible]
[illegible] خلافت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] للفقراء [illegible]
[illegible] المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم [illegible] اولئک هم الصادقون
[illegible] والذین تبوؤ الدار والایمان من
قبلهم یحبون من هاجر الیهم ولا یجدون فی صدورهم حاجة مما
اوتوا ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة ومن یوق شح نفسه فاولئک
هم المفلحون والذین جاؤ من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا
بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم صاحب [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] رضی الله [illegible]
[illegible]
[illegible] اموال خود [illegible] ابوبکر الصدیق [illegible]

[illegible] کاهی که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حاجت بود [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب کتاب [illegible]

بیانی [illegible] که [illegible]

معلوم نباشد [illegible] حضرت رسول

صلوات الله وسلامه علیه [illegible] کرده

که [illegible] اتفاق کرده این مال را [illegible] قبل هجرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] صلی الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] فتوحات

[illegible] هجرت [illegible]

رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] آنحضرت حضرت خدیجه [illegible] آنحضرت بود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

مادر [illegible] حضرت ابوطالب [illegible] واقع شود [illegible]
پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از ازدواج با حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] والله [illegible] بعد [illegible]
[illegible] حضرت رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول الله [illegible]
[illegible]
حضرت علی بن ابی طالب [illegible]
[illegible]
[illegible] علیکم [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در باب نفاق [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

امام مالک بن انس آمده و این روایت که مع انیت ... در سال
بیست یعنی از آنچه کشف حسب این مقدمه که مع حضرت بعضی از صحابه
و مهاجرین و انصار ... امکان سوء ظن بعضی متمسک شده و صاحب ... اتفاق بر تقدیم
و مدح ایشان کرده مثل ... کتاب ... مسلم که ... بر ... ذکر
مهاجرین و انصار ... که ... متمسک شده و تقیه و ... بعضی ... در
غضب ... معنی ... و ... حضرت ... هست ...
بسیار ... عدم فهم ... حسب ... و ... صحابه ... تجربه ...
چنانکه ... استغفار کنند آنچه مبادرت نموده و ... بعضی معنی
و مستحق ... در ... عمل ... حسب ... عبادت اصنام ... اعتقاد
ذکر بیان ... مرتب ... حسب ... جمیع
است ... الاحادیث التی ذکرها صاحب الفواتح ... تمام ...
و روایت ... صاحب ... از طریق جمهور در احوال صحابه ...
و ... صاحب کتاب ... که ... بجز
تقدیم کرده ... احادیث ...
... و ... ثابت ... عائشه
و ... مستند ...

تنخ

واقع شده و دل ... در بعضی ... معروف ...
از جمله احادیث ... اهانت ... مثل ...
بی فایده ... از آن احادیث که سبب ...
به مقام ... وصول ... طالب ...
... الاستشهاد یعنی وقتی ...
... یعنی که ...
... حدیث ... سیم ...
... یعنی ...
... حدیث ...
... حضرت ...
... حدیث ...
...
... حدیث ...
...
... حدیث ... که ذکر کرده ...
... حدیث ... مخالف ...
... و ... حکایت ... الکرخی ...

باعتبار تقدم زمانی بر [illegible] حضرت محمد صلوات الله علیه فضل انبیاء متقدم بود

و همچنین [illegible] بوده حال [illegible] این اعتقاد

پس بنا برین [illegible] باعتبار تقدم زمانی [illegible] واجب است که [illegible]

اعتبار [illegible] نظر و تمیز عقلی در [illegible] حقیقی هست [illegible]

از احوال که رسیده باشد [illegible] صاحب [illegible]

متاخر [illegible] محل متقدم [illegible] تعالی [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه بود [illegible] بعد از آن [illegible]

قرن [illegible] ملوک بنی امیه [illegible]

سید [illegible] اهل بیت [illegible] حضرت علی [illegible]

[illegible] و احکام [illegible] و اعمال [illegible]

شان [illegible]

[illegible]

[illegible] غالب [illegible]

[illegible]

[illegible] اهل [illegible]

[illegible] اهل [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

لابد

طریق [illegible] مشاهده [illegible]

[illegible]

[illegible] متقدم [illegible] خلقت [illegible] متقدم [illegible]

[illegible] متقدم و تقدم خلقت [illegible]

[illegible] موجب [illegible]

[illegible] معنی [illegible] گفته میشود [illegible]

[illegible] اتفاد [illegible]

[illegible] معنی را

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] نظر [illegible]

[illegible] موصوف [illegible] نظر

[illegible] قابل [illegible]

[illegible] رسول الله [illegible]

[illegible] موصوف [illegible]

[illegible] معانی

[illegible] المستقیم [illegible] مستقیم [illegible]

[illegible] اخلاق [illegible]

[illegible] مطلوب [illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible] توفیق [illegible]

[illegible] تفصیل [illegible]

[illegible] کمال [illegible] توفیق

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] توفیق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

مقتضی سببیه و بعضی بر آن مقدور شده مقدور باقی مانی بعد قدرت حق است
و مشیت او و مشیئت حق نیست پس مثل آنکه بعضی بیرون از اسلام گفتند و بعضی از ایشان
پس و نیز آنکه کسی نیز بر بعضی واجب موجود از عیب پاک است و بعضی اثبات
به دیگری که شریک بنده و وجود خلق خود در آن حضرت عقل حق است
حیث لاظهار افعال بنده را مخلوق حق مسبوق و اقرب نیست
که حضرت حق جل و علا فرموده که و یک مقرون سبب هر سبب لطف جایی هست
در مستند این ارضی به استنباط سبب تا به دیگری نسبت تقرب باشد
این نسبت زمان جواز خود و محل پیشینی و هر واجب که مقدم در خود
نه مخلوق شده و فعل بنده و صفات سبب مقدمه و فعل خود مسند بنده
مثل آنکه سبب آن است فعل آن در عقد و احکام بنی تعلق اسباب
سببیت معنی که سبب این اثر باشد و این فعل سبب و نسبت
هر آنکه مدعی دعا سبب دیگر که معنی کاملی که در حضرت پیغمبر فضل
احکامی که سبب بود در مخلوق میشوند و نیز حقیقی سبب در آن
سبب نیست بخیری که طلب کنند و در حد اهل معنی و نفس است و اللّه
تحمد اللّه اجود درین مسئله بیان شود و فتح و جامعه اعلم عند
از عمر بن الخطاب که او نقل کرده از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود که ای

۱۱۷

ما هوم در هشتم سکوم من کتاب این کتاب گفته است صاحب
که بحجود در انجا از کمال ادم است ظاهر است در کمال سبب حق تعالی
این قول خالی نیست که حضرت رسول صلی فرموده به ما هر خود و عیز ایشان خطاب
فرموده باین قول فرموده با صحاب دون عیز هم باکه سبب غیر اصحاب
است پس گر فرموده باشد این قول را با اصحاب غیر اصحاب گفته باشد
این قول را با صحابه دون عیز هم سکوم بیان که مستقیم و منقول است
که مجموعه حضرت با صحابه خود که اصحاب مثل نجوم اند بهر کدام که اقتدا کنید هدایت
یافتید و مجال این کلام ظاهر است زیرا که کسی پوشیده نیست که
این قول را حضرت نبی فرموده بغیر صحابه گفته میشود مر ایشان را ابطال
صحابه بغیر معروف جمیع صحابه است با آنکه این حدیث که تخصیص اصحاب خود
نسبت نمی کرده پس در این کلام مقبول نخواهد بود از شما و اگر بعضی
در حق بعضی روایت کرده خلاف واقع است بلکه روایت نکرده است که عمر
و ابو بکر می بود که بعضی بر حضرت رسول در موارد ایمه مذکور شده
ایشان نقل میکرد و هر چون نیست مستثنی از آن تخصیصات و نقل ایشان

۱۰۳ بر حمل است و حال ایشان که بر مسلم و بیم کرده است
حید صحابه چنانکه در حکم مخالف مذهب است نیست کرده نقل کرده که
صحابه بسیار در کرده در حق اکثر بعضی نقل کرده سبب و می رسد

[illegible] گذشته شد [illegible] بیگو [illegible] جماعتی از آنها
صحابه که بوده [illegible] جمیع [illegible] بوده [illegible] که جمیع
صحابه کرده بوده [illegible] مهتدی بوده در این [illegible] از لزوم تناقض [illegible]
[illegible] که مخفی نیست [illegible] و همچنین گفته [illegible]
[illegible] جماعت [illegible] میان [illegible] علی
علی [illegible] جماعت مهتدین بوده و همچنین جماعت [illegible] حضرت امیر المؤمنین
بوده [illegible] باطل [illegible] اهل هدایت [illegible] تناقض
ظاهر [illegible] بیت [illegible] فرض [illegible] باطل
[illegible] حضرت
امیر المؤمنین [illegible] مهتدین [illegible]
قابل [illegible] مهتدی [illegible]
مهتدی [illegible] ظاهر [illegible] اگر ظاهر [illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] روایت کرده [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] اگر [illegible] گفت [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] بهشت [illegible]
[illegible] مهتدی [illegible] رسول الله [illegible]

[illegible]

٥٠
[illegible] مذهب [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] تناقض [illegible] قول [illegible]
[illegible] تناقض [illegible]
[illegible] قول [illegible] حدیث [illegible]
[illegible] قول [illegible] صحابه [illegible] مجتهدین [illegible]
[illegible] قول [illegible]
[illegible] مذهب [illegible]
[illegible] مجتهد [illegible]
[illegible] مذهب [illegible] حدیث [illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] روایت کرده [illegible]
[illegible] تفسیر و توضیح [illegible]
[illegible] روایت کرده [illegible] حدیث [illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible] علیه و سلم [illegible] حدیث [illegible]

و بعد معلوم شد که حدیث ... [illegible] در وقت ... بعضی [illegible] ... حدیث ... [illegible]
در [illegible] این حدیث واقع شده و محققین اهل [illegible] ... [illegible] ... و ذکر ...
حافظ زین الدین عراقی که ... [illegible] ... که این حدیث ... [illegible] ... رسول الله محمد
بکمال ... این حدیث ... مشهور ... علماء ... [illegible] ... اسلام
شارح شفا ... این کلام ... [illegible] ... اهل ... [illegible] ... فضل
اهل ... [illegible] ... حضرت رسول الله ... [illegible]
داخل ... [illegible] ... [illegible]
کرد ... [illegible] ... تحقیق ... [illegible]
کتاب ... [illegible] ... حال ... [illegible]
چون ... [illegible] ... حال ... [illegible]
اعمال ... [illegible] ... بیان ... [illegible]
... [illegible] ... بیان ... [illegible]
... [illegible] ... بیان ... [illegible]
... [illegible] ... اول ... [illegible]
... [illegible] ... اگر معلوم ... [illegible]
... [illegible] ... بعد از آن ... [illegible]
... [illegible] ... صلی الله علیه ... [illegible]

میکند

... [illegible] ... طریق ...
... [illegible] ... موجب ... [illegible]
... [illegible] ... کسی که ... [illegible]
و ... [illegible] ... کرده ... [illegible]
کرده ... [illegible] ... کرده ... [illegible]
... [illegible] ... مخالفت ... [illegible]
و ... [illegible] ... واقع شده ... [illegible]
... [illegible] ... موضوع ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... اگر ... [illegible]
... [illegible] ... ایشان ... [illegible]
... [illegible] ... تحقیق ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... ایشان ... [illegible]
... [illegible] ... رای ایشان ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... اگر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] التحلیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روایت کرده‌اند [illegible] رسول گفت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] المغضوب علیهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] تحت الشجره یعنی داخل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ابوبکر و سعید [illegible] نقل شود [illegible] پس [illegible] اصحاب

[illegible] است که [illegible] و [illegible] است [illegible] وقتی [illegible]

[illegible] که [illegible] نشان [illegible] که حضرت [illegible]

[illegible] سبیل [illegible] ابوبکر [illegible]

کسی است که [illegible] و بعضی [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] عجیب است که نقل [illegible]

[illegible] واقع [illegible] است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] سبیل [illegible] و صحیح اعتقاد

حضرت [illegible] شد [illegible]

[illegible] که حضرت [illegible] نبود [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] در [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] صحیح [illegible]

[illegible] عنکبوت [illegible] غار [illegible]

[illegible] شود [illegible]

[illegible] حضرت پیغمبر [illegible]

[illegible]

[illegible] آن [illegible] و [illegible]

[illegible] است [illegible] و ظاهر [illegible]

[illegible] است [illegible] حال [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] که حضرت [illegible]

[illegible] است [illegible] و [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible]

[illegible] که او [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

[illegible] غار [illegible]

[illegible] نیز [illegible] است [illegible]

[illegible] پس [illegible]

[illegible] غار [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible]

در اطلاق نسبت [illegible] و [illegible] ظاهر نسبت [illegible]
به [illegible] کلام [illegible] [illegible] شود [illegible]
نسبت [illegible] [illegible] سبیل [illegible] قول [illegible] مستند [illegible]
[illegible] طریق [illegible] [illegible]
[illegible] قوی [illegible] نسبت [illegible] مستند [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
که [illegible] نسبت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت شیخ [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ضعف [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] رسول [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] مقام [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دیگر

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ظاهر نسبت [illegible] دلالت [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] نسبت [illegible]
[illegible] [illegible] نسبت [illegible] کلام [illegible]
[illegible] کلام [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] نسبت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] نسبت [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible] قوی [illegible]
[illegible] [illegible] دلالت [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] [illegible] کلام [illegible]

[illegible] ... استقلال ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... علی بن ابی طالب ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... والله ... [illegible]

[illegible]

[illegible] صحیح است [illegible]
جمیع [illegible]
موافق [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] جمیع صحابه [illegible]
[illegible]
[illegible] چنانچه [illegible]
صحابه [illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible]
اگر [illegible]
[illegible]
[illegible] چنانچه [illegible]

[illegible]
[illegible] اهل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و دیگر به علامت [illegible] مستقل شد [illegible]

[illegible] علیهم السلام [illegible]

[illegible] محبوبی [illegible]

[illegible]

[illegible]

میان اهل اسلام [illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible]

[illegible] این مقام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

وان [illegible]

[illegible]

[illegible] امیر المؤمنین علی [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

حضرت [illegible] اسلام [illegible]

[illegible]

اهل اسلام [illegible] تابع [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible]

حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

اسلام [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

دانسته باشند و نموده اند بنا بر سبب خشیت علی [illegible] مردم [illegible]
[illegible] قدر اسلام شده و تقدیری در ایشان [illegible] بیعت امیرالمؤمنین
[illegible] قدم [illegible] مستلزم بیعت کردن اسلام [illegible]
[illegible] صحابه [illegible] اسلام و مسلمان باشد بلکه شک بیعت [illegible]
[illegible] و تشبیه [illegible] اسلام [illegible] و بیعت [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] دولت [illegible] از این جهت [illegible]
[illegible] بودی [illegible] منسوب [illegible]
[illegible] بیان [illegible] امیرالمؤمنین علی [illegible]
[illegible] خلافت [illegible]
[illegible] حقاق [illegible] قدم [illegible] عظیم [illegible]
[illegible] در خدمت حضرت رسول [illegible]
[illegible] بلکه [illegible]
[illegible] اتفاق [illegible] کلام حضرت [illegible]
[illegible] بیعت صریح [illegible]
[illegible] بخلافت ابی بکر و عمر و عثمان دلیل رضای [illegible]
بوده و هرکه [illegible] رسول [illegible]

دوم د

[illegible] کلام [illegible] امام [illegible]
[illegible] ظاهر است [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] اتفاق جمیع [illegible] استدلال آنحضرت [illegible]
امام [illegible] خلاف اتفاق [illegible] تابع [illegible]
[illegible] بیعت [illegible] هرگاه [illegible]
[illegible] اتفاق [illegible] مخالفت [illegible]
[illegible] قول [illegible]
[illegible] قدم [illegible]
[illegible] چنانچه [illegible]
[illegible] طرق [illegible] مهاجرین
[illegible] استدلال [illegible]
[illegible]
[illegible] بیعت بلکه بودن بعضی از ایشان از مهاجرین و انصار
[illegible] بیعت [illegible] مهاجرین و انصار
[illegible] ظاهر [illegible] کتب تواریخ
[illegible]
[illegible] ابی بکر و عمر [illegible]

دیگر در معنی چون بیان [illegible] که [illegible] فتح شد [illegible]
[illegible] بعضی گریزان و بعضی جلا و تجاهل تجاهلت ابی بکر
بیعت [illegible] مذکور [illegible] احقاق حق [illegible]
بیستی که [illegible] از اصل بیعت [illegible] هاشم و [illegible]
[illegible] و سلمان [illegible] که علم [illegible] بود [illegible]
[illegible] چه محل بود [illegible] از رسول [illegible]
[illegible] پس [illegible] کردن [illegible]
[illegible]
[illegible] خلافت [illegible]
[illegible]
[illegible] مخالفین [illegible]
با ابی بکر [illegible]
[illegible] مهاجرین و انصار [illegible]
بیعت [illegible]
[illegible] ابی بکر [illegible]
[illegible] مهاجرین [illegible] انصار [illegible]
[illegible]

[illegible] خلافت [illegible]
از جواب عاجز [illegible] اختیار کرده [illegible]
[illegible] قدرت بر جواب [illegible]
[illegible] در معرض خلافت [illegible]
[illegible]
[illegible] گفته [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] عمر [illegible]
[illegible] این کلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انصار [illegible]
[illegible] اطاعت [illegible] رسول [illegible]
[illegible]
[illegible] عالم [illegible]
[illegible] کتاب [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] روایت [illegible]

[illegible] میخوانند که [illegible] بعد از وفات [illegible]

[illegible] جاه [illegible] گشته [illegible] فراموش کرد [illegible]

[illegible] فرمودند خلافت [illegible]

و این کلام غزالی [illegible] بآن [illegible]

که غزالی در [illegible] این کلمات در زمان اوان [illegible]

[illegible] اما اصل [illegible] غزالی با وجود نهایت فطانت [illegible]

[illegible] علوم اگر [illegible]

[illegible] سیم [illegible] عدم

قابلیت خلفای ثلاثه را از برای امامت [illegible]

[illegible] عصمت [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] عدم قابلیت [illegible]

[illegible] اجماع [illegible]

[illegible] دلیل قطعی [illegible] و از جمله آن دلیل

دلیلیست که [illegible] ذکر میشود [illegible]

ظالم [illegible] قابلیت [illegible]

و [illegible] والظالمون هم الظالمون [illegible]

[illegible]

[illegible] ظلم [illegible] استعداد [illegible] ظلم [illegible]

خلفای [illegible] چون [illegible] باتفاق [illegible] بصفت کفر بوده اند

[illegible] صادق [illegible] دلیل [illegible]

حضرت ابراهیم علیه الصلوة والسلام [illegible] العالمین

[illegible] سؤال و باتفاق [illegible] امامت [illegible]

[illegible] چون [illegible]

[illegible] قابلیت [illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible]

[illegible] قول [illegible] ظالم [illegible] موضوع [illegible]

ظالم [illegible] موضوع [illegible]

ظالم [illegible]

[illegible] عدم قابلیت ظلم [illegible]

[illegible] سؤال حضرت ابراهیم [illegible] طلب امامت [illegible]

[illegible] جمیع اوقات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بوده و اگر جواب حق بشنوند [illegible]

در بعضی اوقات سؤال کرده بودند [illegible] جواب [illegible]

حضرت خلیل [illegible]

سائل [illegible]

مذکور [illegible] علم [illegible] جمیع [illegible]

بشرط آنکه سؤال [illegible]

و پس سؤال از برای [illegible]

جواب [illegible] بعدم قابلیت [illegible]

[illegible]

[illegible] کلام [illegible]

و اگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بگو

[illegible]

[illegible]

[illegible] اصحاب [illegible]

[illegible] قرآن و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امیرالمؤمنین علی [illegible]

[illegible] ... خلافت [illegible] و این معنی را [illegible]

[illegible] چون شارح مقاصد [illegible] و اکثری ذکر کرده‌اند [illegible]

[illegible] بجای [illegible]

در خلافت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] قول [illegible]

[illegible] قول [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] بمقام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] ظاهری [illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible]

[illegible] ظاهری [illegible]

[illegible] چنانچه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible] ظاهری [illegible]

[illegible] بمقام [illegible] کلام [illegible]

[illegible]

[illegible] عبادت ظاهری [illegible]

در مقام [illegible] امیر المؤمنین علی [illegible] ابی بکر

[illegible] دلیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چنانچه [illegible]

ظهور را و بسبب [illegible] بن جبلان [illegible] تصحیح امری [illegible]

داری چند [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] لازم است که [illegible]

بر آنحضرت [illegible] از علمای شافعیه [illegible]

حقیقت خلافت خلفای ثلاثه آنحضرت [illegible]

[illegible] تقدیم مفضول بر فاضل [illegible]

مثل ابن ابی الحدید که [illegible]

[illegible] خصوصا [illegible]

امیر المؤمنین علی علیه السلام که موافق اخبار ایشان صاحب [illegible]

علم لدنی بوده و [illegible]

[illegible] این نسبت که تصدیق قلبی و اتیان [illegible] النبی و کمال و فضل [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] بکمال علم و دانش و [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] صحیح خود نقل کرده از جمله [illegible]

که [illegible] حضرت امام [illegible] محمد حسین بن علی [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] و حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] صحابه [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] علمای [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] امام حسین [illegible]

[illegible] سبب [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] بود [illegible]

[illegible] قول علمای [illegible]

[illegible] حسین [illegible]

[illegible] بیان [illegible]

[illegible] صحابه [illegible]

[illegible] علی علیه السلام [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

خلافت [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible] لازم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خلفای ثلاثه [illegible]
[illegible] استدلال [illegible]
[illegible] خلافت داشته باشد [illegible]
[illegible] عدالت [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] عدالت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] خلافت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] صحبت [illegible] در [illegible]

[illegible]

[illegible] کار [illegible] ابن [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] سعد بن عباده [illegible] حق [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] سعد بن عباده [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] حضرت عبد الله [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] صحبت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] آن حضرت [illegible]

حضرت امیر [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible]

[illegible] صحبت [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] جمعیت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

گدای علم مکه را که بقول اهل سنت منظوم نمایند ... تقویت آنحضرت ...

وبعد از الحاح عباس بقول جواب داد گدای علم بجا از ... آید مخصوص ...

پیغمبر است چه آنحضرت مرا وصیت کرده که ... جهت اتفاق ...

مشغول ... تا مردم ... حضرت خود و ... شده ...

مشغول باشی تا وقتی که ... بعد ... کشیده ... قرآن و ...

بدان توجه کرده ... منحصر شد ... بعد ... خلافت ... شد ...

معاویه فرق بسیار بود ... بعقل ... خواهد بود و بودن

آنحضرت در مدینه ... خلافت ... علیهم السلام

... ایشان ... بعد ... مدینه ...

... آنحضرت ... مدینه ... و اگر ... و ...

... واقع ... آنحضرت ...

قبل از قوت اسلام از مکه و مدینه ... حرام بوده ... و دوست ...

... و ... که از مدینه بیرون رفت ...

که بودن در ... جایز ... و ... کرد ... او که ...

... او تا زمان ... در مدینه بود و بعد از ... او ... شود ...

... مدینه ... بعد از آنکه ... بسیار ... شنیده ...

و حاصل آنکه بودن حضرت ... مرقوم شود ... قول ... آن حضرت ...

دینه

... آنست ... جواب خواهد بود ... آنحضرت ... علیه ... نقلی

... بسیار ... مثال ... احتمال ... دلال ...

کمال ... حکمت ... پوشیده باشد و ...

علم ... که ... اهل سنت ... اطلاع

... کتاب ... پوشیده ...

... کتاب ... جواب ...

... نقل

جواب ... تعلق ... سنیه ... است ...

آن ... است که ... حضرت ... علی علیه السلام

... باتفاق ... واقع شده ... آنحضرت ... و جماعات ...

... است که آنحضرت ... خلافت ...

... که ... حضرت ... ایشان ... مسلمانان ...

... حضرت ... نقل ...

... کتب ... نقل کرده

... حضرت ...

... آنحضرت ... حال ...

... اسلام ... حضرت ...

... اسلام نبوده ... که بعضی از اهل ...

آنحضرت را ابی پیوسته خدمت بود و در بیان چون وقتی [illegible] علاج [illegible] بغداد
[illegible] مشتمل [illegible] بیچ [illegible] بلکه [illegible] [illegible] تنبیه [illegible]
[illegible] [illegible] فرمود [illegible] این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شد
[illegible] [illegible] [illegible] بهشت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اصحاب [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اتباع [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آنحضرت سؤال کرد [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] آنحضرت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] آنحضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
حضرت امام حسین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] احتمال [illegible] تقیه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
تقیه [illegible] [illegible] [illegible] تقیه [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تقیه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت
امیر المؤمنین را [illegible] تقیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تقیه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] تقیه [illegible] [illegible] تقیه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت
[illegible] ابوبکر و عمر احتمال تقیه [illegible] چون [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تقیه واجب [illegible] لازم
[illegible] حسین بن علی علیهما السلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

منقول کردند که حضرت او را ... قول ... [illegible]
مستحب نشده که جماعت ... مومنان ... با وجود [illegible]
ضعف ... داشته ... بیعت ... [illegible]
آنحضرت با وجود کثرت ... قبایل ... خلافت ایشان [illegible]
مسلمانان ... و اگر گوئی ... [illegible] آنحضرت
... چنانچه ... [illegible]
... گوییم ... قول ... صحیح ... [illegible]
... [illegible] آنحضرت ... [illegible]
... [illegible] اهل مدینه ... [illegible]
که تخلف آنحضرت ظاهر شد بلکه آنحضرت ... [illegible]
داشت ... [illegible] آنحضرت ... [illegible]
... [illegible] آنحضرت ... [illegible]
ممکن نیست ... حضرت چون ... امامت ... [illegible]
... [illegible]
چون متحقق شد ... [illegible]
متابعت ... کردند ... اجماع ... [illegible]
... [illegible] صاحب ... [illegible]

و اگر گوییم که بیعت مومنان ... ممنوع است و دعوای ... [illegible]
... [illegible] بیعت ... [illegible]
حضرت ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] بیعت ... [illegible]
... [illegible]
... حضرت ... [illegible]
اقتدای ... حضرت ... [illegible]
... [illegible]
... امامت ... حضرت ... [illegible]
... حضرت ... صحیح ... [illegible]
... آنحضرت ... [illegible]
... اسلام ... [illegible]
... امامت ... [illegible]
... حضرت ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

چون بعد [illegible] در کتاب [illegible]

[illegible] آنحضرت بوده [illegible]

[illegible] تفضیل شیخین [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] عثمان [illegible]

دیگر خلاف [illegible]

با آنحضرت [illegible] خلافت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

زمانی که [illegible] آنحضرت [illegible]

باشد [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] زمان خلافت [illegible]

[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible]

خلافت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

آنحضرت [illegible] خلافت عثمان

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] ایام خلافت [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

عثمان [illegible] خلافت [illegible]

واجب [illegible] حضرت امیرالمؤمنین علی [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکمت [illegible]
[illegible] حضرت جعفر صادق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حکمت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
یعنی [illegible] حضرت امیر [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

چون [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]
بحضرت [illegible]
[illegible] حضرت امیر [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مشایخ علمای [illegible] نقل کرده [illegible]
و صحبت [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از حسن صنایع [illegible] هیچ [illegible]
فرزند او کشته بود [illegible] عقل [illegible] این نام [illegible]
جهت [illegible] فرزندی [illegible] واقع شده بود [illegible]
و نقض [illegible] این نقل [illegible]
[illegible]
[illegible] دلالت [illegible]
نقض [illegible]
[illegible]
و این مقصود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دلیل ششم [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت امیر [illegible] حضرت [illegible]

بعضها

چنانکه [illegible]
[illegible] دلالت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] کلام
[illegible]
[illegible]
[illegible] کلام [illegible] انصاف [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آنحضرت اولاد [illegible]
[illegible]

و ما از حسن و قبح ... نیست ... اسپ ... بست ... تشبیه

کثرت و ادراک ... این سبب تشبیه می‌شود ... کثرت از هر ... که ... بود

وجود سبب تشبیه وجود باشد و ... مستحسن است که کثرت ... تشبیه

مقصود ... که ... کثرت ... نسبت ... تشبیه

کثرت ... باشد ... دهقان ... [illegible]

حال ... مطلوب ... شده ... هم این ... [illegible]

تشبیه ... [illegible]

... معلوم ... که ... [illegible]

... کثرت ... سبب ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

دهقان

دهقان ... [illegible]

... [illegible]

... و اگر ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

حاصل است صاحب [illegible] رسول [illegible] صحبت آنحضرت [illegible]
[illegible] است [illegible] هیچ قسم [illegible]
[illegible] صحبت [illegible]
[illegible]
[illegible] شیعی [illegible] صاحب
[illegible] شیعی [illegible]
[illegible]
نقل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کامل [illegible] المطهر [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] مقام [illegible] عجیب [illegible]
[illegible] معصوم باشد [illegible]
[illegible] این کلام [illegible] ظاهر است [illegible]
[illegible] شهادت [illegible] علم [illegible]
[illegible] اعمال [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] ظاهر است [illegible] حکم [illegible] شهادت [illegible]
[illegible]
[illegible] معصوم باشد ظاهر است که احتیاج [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] شهادت [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
قتل [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] عصمت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حدیث مشهور است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible]

[illegible] کثرت [illegible] علمای [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible] گفت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ملک متعال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] جلال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] خلافت حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] اصحاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امیرالمومنین [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت علی بن ابی طالب [illegible] رسول [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت فاطمه [illegible]

[illegible] حضرت امیر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

رسول الله [illegible] حضرت امیر [illegible]

[illegible]

[illegible] علی بن ابی طالب [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امیر [illegible]

و جهت آنکه حق [illegible] [illegible] و این حدیث [illegible] و کرامی [illegible] بگیرد

شود که [illegible] ظلم [illegible] از ظالم [illegible] و هرگاه از کسی بر ایشان

ظلم [illegible] خصوص [illegible] سبحانه و تعالی است که [illegible] آل محمد [illegible] ایشان

[illegible] حقوق [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و دیگر [illegible] [illegible] که آنحضرت [illegible]

[illegible] [illegible] مطلب [illegible] [illegible]

آنحضرت [illegible] [illegible] [illegible] و مردم [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] [illegible]

آن [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] غصب [illegible] بود

[illegible] غصب [illegible] گفت که [illegible] آنحضرت

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] کرده [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آیت [illegible]

ایشان [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] دلیل [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خلاف ظاهر است [illegible] وراثت مال است [illegible]

[illegible] [illegible] و در این آیت چون قرینه [illegible]

حاصل [illegible] [illegible] [illegible]

الآیه [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] میراث [illegible]

[illegible] [illegible] مال است [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

حضرت [illegible] بن [illegible] کرده [illegible] حضرت [illegible] بن [illegible]

خاص [illegible] بلکه [illegible] حضرت [illegible] دشمن [illegible] شده [illegible]

جهت [illegible] موالی [illegible] است و دیگر [illegible]

ال فاطمه علیها السلام لازم آید که آنحضرت [illegible] خطبه که [illegible] غصب فدک مجلس [illegible]

[illegible] آن مجلس [illegible] میگوید که [illegible]

[illegible] میراث [illegible] این [illegible] صحت [illegible]

قرآنی [illegible] دلالت بر میراث بردن وراث پیغمبر میکند [illegible]

[illegible] تخصیص [illegible] که تخصیص [illegible] قطعی [illegible]

[illegible] اسلامیست تخصیص [illegible] که قطعی [illegible] داشت

و [illegible] حدیث [illegible] جماعتی [illegible]

[illegible] رسول [illegible] ثابت [illegible] حجت [illegible]

[illegible] حدیث [illegible] آنحضرت [illegible]

که این [illegible] آنحضرت [illegible] صحت [illegible]

[illegible] آنچه [illegible] در زمان حیات خود [illegible]

[illegible] حدیث [illegible] صدقات [illegible] فدک [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] صدقات کردن [illegible] غصب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام [illegible]

فدک

ما [illegible] حضرت [illegible] علی [illegible]

[illegible] طلب [illegible] حضرت [illegible] علیها [illegible]

[illegible] که دعوای [illegible] میکرد [illegible]

[illegible] بیان [illegible] تسلیم [illegible] ابوبکر [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] چون [illegible] حضرت فاطمه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] ابوبکر [illegible] این [illegible] حضرت رسول [illegible]

[illegible] ابو العاص [illegible] زینب [illegible]

شد [illegible] بود [illegible] حضرت پیغمبر از مسلمانان [illegible]

[illegible] ابوبکر [illegible]

[illegible] پیغمبر [illegible] حسین [illegible]

[illegible] است [illegible] که میان مسلمین [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] از مسلمانان آنحضرت [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در این مقام [illegible] است [illegible] که [illegible] سادات [illegible]

[illegible] حضرت فاطمه [illegible] چرا که [illegible]

از قبیل صدقات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صحت [illegible]

[illegible]

دعا [illegible] محسن [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت فاطمه [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت فاطمه [illegible] از مسلمانان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مکان وقف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بن حسین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علی بن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مجلس [illegible]

[illegible]

حضرت صادق علیه السلام [illegible] که مادام [illegible] از گفتگو [illegible]

البته از جانب حق تعالی بروح القدس مؤید [illegible]

[illegible]

آن [illegible] حضرت داود [illegible] آمده بود [illegible] هیچیک [illegible] نتوان گفت [illegible]

[illegible]

[illegible]

هیچکدام [illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تقریرش [illegible] است که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible]

فرزندی را تفسیر فاتحه بر جزئیت بسمله از فاتحه رود که چون اهل بیت [illegible]
[illegible] ایشان با حوال [illegible] است [illegible] را ترک بسمله
[illegible] پس این [illegible] است برانکه بسمله جز [illegible] است [illegible]
شافعی بر حسب بعض معتقدات خود [illegible] است چنانکه [illegible]
رساله تفضیل مذهب الشافعی بقید نقل درآورده که چون شافعی با ابوحنیفه در مسئله
وقف وصلاح را فرادی و اقامت خلاف نموده ابو یوسف خواسته که با شافعی
مصاحبه در حضور مالک در مدینه بحث نماید شافعی بجهت انتقام محل بحث اولاد
بلال حبشی را طلب نموده از فصول اذان و اقامت استفسار نموده ایشان
[illegible] روایت [illegible]
[illegible] اقامت فرادی [illegible]
[illegible] بلال [illegible]
[illegible] رسول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وقت دلالت بر [illegible]

[illegible] اهل [illegible]
[illegible]
بهم نرسیده است ششم آنکه صاحب مشارق الحدیث از پیغمبر روایت کرده
[illegible] اگر [illegible] خواهد [illegible] استبعاد [illegible]
این مذهب [illegible] است [illegible] انشاء الله [illegible]
[illegible] تسلیم [illegible] شده باشد [illegible] شرب خمر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حق تعالی [illegible]
[illegible] آخرت [illegible]
چرا که این شرب خمر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] نقل [illegible]

[illegible]

[illegible] جهاد [illegible]

[illegible] جهاد [illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جهات [illegible]

[illegible] جماعات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امامت [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] تحقیق میشود که [illegible] مستحق [illegible] و چون [illegible]

[illegible] مستضعف [illegible] مستضعف [illegible]

[illegible] ظلمت [illegible] امامت آنحضرت [illegible]

آنحضرت [illegible] ضعیف [illegible] ضعف [illegible] آنحضرت [illegible] خروج [illegible]

[illegible] در میان ایشان [illegible] زین العابدین [illegible]

[illegible] مسجد [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] اعتقادات [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] روز قیامت خصم ایشان باشد حضرت امیر المؤمنین علی

[illegible] کلام [illegible] بسیار است [illegible]

[illegible] اجماع [illegible]

[illegible] معلومیت [illegible]

اهل اسلام [illegible] لشکر اسلام [illegible]

[illegible] حضرت امیر [illegible]

[illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

حضرت [illegible] محمد [illegible] چرا که نیست [illegible] باشد که با سلام پس [illegible]
پس [illegible] آنحضرت [illegible] اسلام [illegible] سبب [illegible] بوده باشد
[illegible] آنحضرت [illegible] بود [illegible] است [illegible] خلفاء [illegible]
[illegible] اسلام به حضرت [illegible] حضرت [illegible]
واجب بودی لیکن چنین نیست چرا که واجب بودی آنحضرت ترک [illegible]
[illegible] خلفای [illegible] دیگر [illegible] مدینه در [illegible]
[illegible] خلفا منصوص بود و ظاهر است که مهاجرت در وقتی واجب است که
[illegible] باشد چنانکه [illegible] آیه است و [illegible] حال آنحضرت [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] مناقب آنحضرت [illegible] میان مردم [illegible] تمام
[illegible] حضرت [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آن [illegible] خلفای گذشته [illegible] اظهار مخالفت [illegible]
[illegible] مهاجرت نماید چرا که ایشان [illegible] اگر آنحضرت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] حضرت خروج کند و ایشان [illegible] اصل [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] سلام [illegible]
و جماعات ایشان داخل بوده [illegible] ایشان [illegible] باشد [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] باشد [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] است [illegible] عصمت [illegible]
[illegible] با آنچه پیشتر گذشت منافات و با آنچه سابق [illegible] بود موافقت
[illegible] این اضطراب در کلام این ناتمام دلیل است بر غایت حماقت که
[illegible] این چنین مطالب را [illegible] ورق [illegible]
نقیض [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] که [illegible] عدم مهاجرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] جمعیت [illegible] از [illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible] حضرت امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible] که [illegible] عصمت آنحضرت [illegible]
[illegible] نسبت [illegible]
[illegible] امثال [illegible] والمطاردات [illegible]
[illegible] خالد بن الولید [illegible] بر تقدیری که نسبت
[illegible] باشد [illegible] حضرت [illegible] چنانکه [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] حکایت
[illegible] تفصیل است [illegible] ناظر

[illegible] در کلام مجید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان نیز او را دوست [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیعت [illegible] بیعت [illegible] حضرت [illegible]

و [illegible] دیگر [illegible] کار [illegible] است [illegible]

[illegible] اصل [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] اصحاب خود [illegible] بیعت [illegible]

[illegible] قتال ایشان [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] گفته [illegible]

را اطاعت [illegible] لازم [illegible]

[illegible] دلالت بر حقیقت آن [illegible] داشته باشد [illegible]

[illegible] مترتب [illegible] چنانچه اگر [illegible]

[illegible] اطاعت [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible] اطاعت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] چنانکه [illegible] بوده [illegible]

[illegible] مسلمان [illegible]

[illegible] پس [illegible]

[illegible] حاصل [illegible] بیعت [illegible]

[illegible] مذهب [illegible] حضرت امیر [illegible]

[illegible] اصحاب بیعت [illegible] بود [illegible]

[illegible] شد [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] بیعت [illegible]

[illegible] بیعت [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] عدم ارتداد ایشان [illegible]

[illegible] این جواب [illegible] شیعه [illegible] مطلب [illegible]

[illegible] صحابه [illegible] مطلب خود

[illegible] پانزدهم [illegible] دلیل پانزدهم

[illegible] خواجه نصیر الدین محمد طوسی [illegible]

[illegible] مذهب شیعه [illegible] ملا جلال دوانی در شرح عقاید عضدیه [illegible]

[illegible] بیعت [illegible] مذهب [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] چنانکه [illegible]

سلوک کرده [illegible] نصیر الدین محمد طوسی [illegible] حقیقت

[illegible] و آخر [illegible] رسالت که [illegible] گفته است [illegible]

[illegible] ما بوده باشند یا کیفیت [illegible] است که شده که [illegible]

در اصول [illegible] مخالف [illegible] بعد [illegible] مثل [illegible]

[illegible] است [illegible] شیعه معتقدند که [illegible]

[illegible] صورت [illegible] بودند [illegible] باشند [illegible]

[illegible] کسب [illegible] و جهت [illegible]

موجودات مثل اصوات و طعوم و روایح [illegible] و نحو [illegible]

در پیشانی [illegible] و مسئله استثنا و ممکنات [illegible]

صفات ذات واجب و رزق [illegible] قضا و مثل [illegible] اعتقاد

اعتقاد [illegible] و دیگری [illegible] از جمله [illegible]

کلام [illegible] صاحب [illegible] مثل [illegible] خالق [illegible]

حسن و قبح [illegible] کتاب نهایة الوصول [illegible] این مسئله [illegible]

[illegible] و مبنای قواعد اسلام است و جمیع [illegible] عقلیه [illegible]

قول [illegible] مخالفت [illegible] جمیع طوایف [illegible]

[illegible] مبنای [illegible] اسلام است [illegible] چنان باشد [illegible]

[illegible] مذهب [illegible] است که مخالف [illegible] شیعه [illegible]

[illegible]

مخالفت [illegible] چنان [illegible] و در جای دیگر [illegible]

[illegible] است مخالفت اشاعره [illegible] شیعه [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] است [illegible]

[illegible] کتب [illegible] اشاعره [illegible] مخالف

[illegible] ذکر کرده [illegible] که [illegible]

[illegible] چنان [illegible] است [illegible] کلام [illegible]

[illegible] است که [illegible] طوایف [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible] است [illegible] حسن [illegible]

[illegible] است که صاحب [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] حسن [illegible]

[illegible] دلایل است [illegible]

[illegible] جمیع [illegible]

[illegible] صفات [illegible] دلیل [illegible] روایت [illegible]

[illegible] کلام صاحب [illegible]

در تقریر این دلیل [illegible] این کتاب تحقیق [illegible]

[illegible] است [illegible] کلام [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] است که [illegible]

[illegible] باشد

از [illegible] متکلم خواهد بود و این کلام بشارتیست مصنف کتاب را [illegible]

[illegible] اصحاب والله اعلم بالصواب [illegible]

صاحب نواقض بر مذهب اهل حق دارد و باعتقاد خود ابطال این مذهب نموده

نموده و این چند مرتبه است بر چند طایفه طایفه اولی صاحب نواقض

میگوید که اگر چه [illegible] اهل این مذهب [illegible] آنست که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از جمله شرایط ایمان (?) [illegible]

[illegible] در این باب (?) [illegible]

[illegible] ترجیح (?) [illegible] و اعتزال (?) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عبد الرحمن بن [illegible]

[illegible]

اصحاب [illegible] اختلاف کنند [illegible] داشت که [illegible]

[illegible] است که [illegible] صحیح [illegible]

[illegible]

[illegible] نسبت [illegible] حاصل است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اوقات [illegible]

[illegible] اکثر اطلاق میشود [illegible] کلام [illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible] سلف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این [illegible] تحصیل کثیری از علمای اهل سنت و جماعت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حلال [illegible] صدق

[illegible] و درین [illegible]

[illegible] ذکر [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] گشته [illegible]

[illegible]

[illegible] مباحث [illegible]

[illegible] الرحمان [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] باشد **و تانیث انکه** [illegible] در باب [illegible] میکند [illegible]

نصیحت [illegible] اولی است [illegible]

[illegible]

و ثالث انکه [illegible]

[illegible] در کتب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اوست [illegible] که [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible]

[illegible] صحیح [illegible]

[illegible] کتب [illegible]

[illegible]

... [illegible] ... موجب رسیده ... [illegible] ... سطر اسنان [illegible]

بن ساعت [illegible] شده [illegible] دا مستقیمان [illegible] حدیث [illegible]

در حق [illegible] مقام جواد برای [illegible]

[illegible] که صاحب نواقض [illegible] و دیگرکای [illegible]

[illegible] بطول دیگر سلف و مردم است [illegible]

[illegible] حدیث [illegible] شخص شد که [illegible] دو بکر و عمر [illegible]

دو خول [illegible] تحصیل چیزی [illegible] وصیت [illegible]

[illegible] عمر و غصب خلافت کرد [illegible]

[illegible] عمر [illegible] صحیح است [illegible]

[illegible] چنانچه قبل از این در حدیث [illegible] از برای عمر [illegible] شده [illegible]

[illegible] صاحب نواقض [illegible] ایشان در غصب خلافت

[illegible] پیغمبر [illegible] که مردم [illegible] که خلافت [illegible]

چون می‌توانستند که از برای اولاد خود [illegible] خلافت [illegible]

قسمی که [illegible] صاحب نواقض [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] ذکر [illegible] است [illegible]

[illegible] که آنچه [illegible] در کتاب [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] کتاب است [illegible] اوقع [illegible]

کردند

چون حسن بن [illegible] که کینه [illegible] ملاحده [illegible] امامیه [illegible] شد در [illegible]

[illegible] این مقالات [illegible] نموده [illegible]

[illegible] در تصانیف [illegible] مذهب خلاف [illegible]

[illegible] که هیچ [illegible] کتب [illegible] داشته [illegible] افتراست

اما اگر نسبت قول [illegible] محض افتراست و صاحب نواقض

[illegible] نسبت [illegible] بیان باشد

[illegible] صاحب نواقض در شرح کتاب [illegible] ذکر کرده [illegible]

[illegible] کتابی [illegible] کتابش [illegible] بعضی

[illegible] بنظر رسیده

[illegible] مذهب

[illegible] است که [illegible] صاحب نواقض [illegible] استشهاد

[illegible] استشهاد [illegible] است [illegible] که [illegible]

[illegible] صاحب نواقض [illegible] است چنانچه مذکور است

[illegible] صاحب نواقض [illegible] مذهب [illegible]

[illegible] است [illegible]

باب [illegible] مطاعنات صاحب نواقض [illegible]

[illegible] مشهور [illegible] عادت [illegible] مجموع [illegible]

مسلمین ست و [illegible] باشد به تصحیح [illegible] و تقیه در قول بر دیگری کرده
بدین جهت بر تضعیف و تحریف است و بلکه در مطبع کثیف و صحیفه مختص است
ست [illegible] صاحب نواقض میگوید که [illegible] خوارست
ال بر وجوب تقیه است چنانچه بعض [illegible]
تفسیر نموده [illegible] بعض اکثر تقیه میکنند و معاملات ایشان در این مسئله
مثل بر معاملات کسانی است که در رساله تقیه ذکر کرده است
میلازم می آید که در زمان پیغمبر اعتماد و وثوق نماند کار است که
این از تدبیر [illegible] خود حاصل شده خلاف تقیه ادا میکند چنانچه
امیرالمؤمنین علی در حینی که معاویه را از امارت بصره عزل میکرد فرزند او حسن
بوی رسانید که معاویه را بر امارت خود بگذار تا از جهال اهل بیعت نباشد و فساد
ننماید آنحضرت فرمود که هرچه خدا خواهد چنان خواهد شد و هرچه تو لازم است
هرگز راضی نشوم نمیدانم چه بجایی است که کسی باز نسبت ترک تقیه چنان
ناصبی الحال تصریح به امامت ایشان است دیگر چنان نسبت تقیه با ایشان
نمیباید کرد اگر راست باشد کسی که از ایشان تبرا کند [illegible] بود
صاحب نواقض [illegible] چند وجه منظور است [illegible] علمای اهل
وجوب تقیه در [illegible] بلکه [illegible]
وجوب نموده [illegible] در تقیه [illegible] این روش

مخصوص اصحاب ما نیست بلکه مردان مسلمین ایشان [illegible] معصوم
اگر ز تقیه نیز محض احادیث ائمه و فتاوی علمای ما نیست بلکه دلایل آن از آیات
قرآن و آثار پیغمبران و سلف نیز بسیار است چون آیت ولا تلقوا بایدیکم
[illegible] که دال است بر آنکه هرگاه [illegible] باشد اخفای آن
واجب است و چون [illegible] دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible] خود را نگه دارند و [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] ایشان [illegible]
که هرگاه [illegible] خود میتوانند گرفت و اظهار [illegible]
نمیکرد و چون آیت [illegible]
[illegible] سیاق دلالت میکند بر آنکه
آنحضرت [illegible] والله
[illegible] شده و اظهار هیچ امر [illegible]
[illegible] حضرت
[illegible]
[illegible] و چون
پیغمبر [illegible] آنحضرت [illegible]

میسر تقیه بلکه واجب است وچون حدیثی مشهور که [illegible] گفت که اگر قوم
[illegible] العهد بجاهلیت نمی بودند البته میفرمودم که خانه کعبه را خراب کردند آنچه [illegible]
[illegible] داخل [illegible] و میان [illegible] که حضرت ابراهیم بنا کرده بود [illegible]
بجانب غرب [illegible] صحت این حدیث در میان ایشان [illegible]
وچون کلامی که بخاری از حسن بصری نقل کرده که التقیة باقیة [illegible]
[illegible] واجب باشد وچون نقل [illegible]
قاضی [illegible] که ابراهیم نخعی [illegible] در جواب شخصی که [illegible]
[illegible] گفت که من نماز ظهر را در خانه خود کرده [illegible] تقیه [illegible] وچون حکایت
[illegible] تاریخ خلفا [illegible]
[illegible]
[illegible] تقیه جواب داده اند وچون نقل صاحب کشاف در تفسیر آیه
لا ینال عهدی الظالمین از ابی حنیفه [illegible]
[illegible] از جهت تقیه [illegible]
[illegible]
[illegible] ازینجا معلوم میشود که [illegible] فتوی [illegible]
[illegible] تقیه و در کتب [illegible] صحابه [illegible] ابن
مسعود [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] پس ظاهر است که [illegible] خوف
و تقیه [illegible] است و بواسطه [illegible]
[illegible] ابی حنیفه [illegible] که طلاق مکره صحیح نیست [illegible]
[illegible] ابی حنیفه
[illegible] تقیه [illegible]
[illegible] استعمال کردن معاریض از کلام [illegible]
[illegible] ابو اللیث فقیه در کتاب بستان خود در باب معاریض کلام گفت
[illegible] روایت واقع شده از عمر بن الخطاب که گفته است که در معاریض کلام فراخی
[illegible] کلامی هست که مردی [illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کلام

[illegible] جمیع علامات [illegible] حسن و قبح [illegible] کفش [illegible]
[illegible] شود [illegible] واجب است عقلا [illegible]
اذن داده است [illegible] از جهت پرسیدن [illegible] علما [illegible] از جهت تقیه است چنانکه
[illegible] مجلس چهارم گفته [illegible]
[illegible] علامات [illegible]
[illegible] است [illegible] چنانکه [illegible] است [illegible]
پنجم آنکه این چیزی که ذکر کرده است از عزل کردن معاویه [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] واجب است [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نیست [illegible]
[illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] بحکم

داد ایشان [illegible] علیه السلام است [illegible]
نیست [illegible] آنحضرت علیه السلام [illegible]
[illegible] حضرت علیه السلام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
ایشان [illegible]
[illegible] کتاب [illegible]
کتاب [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] کتاب است [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] است [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] حکم [illegible]
امیر المؤمنین [illegible] کلام امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible] ظاهر [illegible] است [illegible]
[illegible] دریای [illegible]
[illegible] هشام بن الحکم [illegible] اصحاب است [illegible]
[illegible] هارون الرشید [illegible] روایت کرده اند که هارون الرشید [illegible]

تکلم و یحیی هشام بن الحکم با جمعی به بحث و ... هارون الرشید مرا گفت که هشام بن الحکم با جماعه

بن ربیعه حاضر سازند و خود در موضعی که کلام ایشان را بشنید نشست و قوم را بنشاند

و یحیی زمان در پیش ایشان یحیی عبدالله بن یزید که با هشام ... که هشام جواب داد که

خوارج ... امامت ... ولایت ... ولایت و عداوت

شرکت داشته با اعتقاد ... ایشان انحراف ... به طریقه تکفیر

آن شخص و لعن و سب او را پیش گرفتند و اجماعی را که اول با ایشان بوده‌اند تخلف

کرده مخالفت شان ... اجماع سابق ... و انصاف ... مخالفت لاحق ضرر

به سبب آنچه گفته‌اند ... سابقه ایشان از برای ... منقول است و شهادتی که ... صادر

شهادت بر آن قائم است نمایند در موضع قبول نیست هشام چون کلام تمام کرد یحیی

بن خالد گفت که مراد خلیفه آن بود که بحث تو با عبدالله بن یزید بطول کشید تا از هر گونه

حرفی مذکور شد ... هر یک ... کرد و هشام گفت من نیز این را دریافتم

طول بحث ممکن است که کلام به جایی کشد که نهایت دقت بهم رساند و به یکی از

متخاصمین ... و این بود که حرف آخر را اول ... خواهد داد ... علت

جهل ... عرض کردم که خلیفه امر فرماید و خصم نزد خلیفه ... شی

که ... حکم ... به هر یک ... انصاف ...

عثمان ... و ... این شروط قبول کرده ...

گفت که ... رضا ... میان ما و تو حکم باشد عبدالله ... هشام

تفویض بود

تفویض بود و هشام جواب داد که مرا اعتقاد آنست که این حکم از اهل این

دین از اهل این تواند بود چرا که بر هر معتقد به علم به یکی باشد و همچنین خارج از هر دو دین

به جهت آنکه او مأمون نیست بلکه بر هر دو ظلم خواهد کرد و ناچار باید که کسی از اهل این دو دین و یکی

از اهل دین تو ... باشد و او حکم باشد عبدالله راضی شد و هشام ... هشام رو

به یحیی کرد و گفت یک حاجتی دارم ... در این وقت ...

حرکت ... روش پیش ... رسید گفت که ...

که داشت که ... مناظره ... الزام داده ...

یحیی رو به هشام کرد و گفت که خلیفه را مطلب آنست که این قول ... که داشته باشد

به دانش بنمایی ... پس ... که از چه ... الزام ... هشام جواب داد که

چون ... بر حضرت امیر ... رضای ... نیست پس ... رضای

... اگر ... باشد ابطال قول خود ... امیرالمؤمنین ...

و اگر ... هشام چون کلام ... خلیفه

... طایفه ششم صاحب ...

... طایفه است که ...

... امیرالمؤمنین ... اثبات ...

عبارت ... صحیح ... تمام است که ...

... اگر کسی ... عثمان ... حضرت رسول ...

صاحب کریم که تزویج در زمانی واقع شد که [illegible] ظاهر مخالف اسلام و [illegible]
کتاب وی [illegible] سید [illegible] بود اگر یکی که حضرت امیر مؤمنین چرا ام کلثوم را به عمر تزویج
نمود با وجود ظهور فسق او کریم [illegible] تقیه بود و [illegible] اعلم [illegible] تقیه در امر [illegible]
بود که از آنحضرت واقع شده و حضرت صادق علیه السلام این [illegible] کرده که این
فرجی بود که از ما غصب شد [illegible] کلام ایشان و ظاهر است که [illegible] قول
لا [illegible] که [illegible] آیه تطهیر [illegible] و جنین جنبی [illegible] مراتب [illegible]
[illegible] متعدد [illegible] بالایشان واقع شده باشد که [illegible] باب [illegible]
[illegible] که دختر [illegible] و [illegible] مصطفی [illegible]
شد [illegible] روایت [illegible]
که [illegible] این قول [illegible] آنکه حضرت
[illegible] حضرت امیر مؤمنین [illegible] آنحضرت [illegible]
من [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] تفصیل [illegible] دقیق [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] سید مرتضی [illegible]
داشت که [illegible] غیر [illegible]
[illegible] بشنوید [illegible]

برون آ

بیرون آمد [illegible] که صاحب [illegible] ظاهر [illegible] چهارم آنکه
[illegible] سید مرتضی علم الهدی [illegible] بوده است [illegible]
آن [illegible]
[illegible] تزویج [illegible]
و کار [illegible] بوده [illegible]
حسنه [illegible] روایت [illegible] از حضرت صادق علیه السلام [illegible]
چرا که غصب فرج [illegible] که عمر [illegible] است که [illegible] حضرت
امیر مؤمنین و حسین و ام کلثوم [illegible]
آن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کلام سید مرتضی [illegible]
[illegible] صحبت [illegible]
[illegible] تزویج حضرت [illegible] تفصیل
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] تزویج [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]

وجود اصول را اختیار نموده و در رساله عباسیه [illegible] چند صفحه [illegible]
رنج بسیار برده و در همین کتاب بیان کرده ایم که مسموع نبود که حال نقیضه نکاح کسی کرد
حال خبیث [illegible] شرعا جایز شده و حصر [illegible] که چون احکام شرع منصوص [illegible]
[illegible] نقل [illegible] است پس هرکافی که دلیل [illegible] برخلاف [illegible]
حرف [illegible] حیثیت [illegible]
[illegible] نکاح یهود و نصاری [illegible]
اگر مراد جواز عقلی است قبول داریم ضرری ندارد و اگر جواز شرعی مراد است گوئیم حرمت
ازدواج یهود و نصاری [illegible] است و حرمت نکاح کسی که بظاهر اسلام داشته باشد
اما بحسب باطن [illegible] بسبب اعتقاد فاسد [illegible]
[illegible]
[illegible] یهود و نصاری [illegible]
یهود و نصاری [illegible] نکاح ایشان را جایز میدانند [illegible]
[illegible] کلام سید مرتضی و صاحب کتاب استغاثه میگوید که [illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین دختر خود [illegible]
ساکت [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
آنحضرت فرموده که این اول فرجی بود که [illegible] غصب شد [illegible]
[illegible] عباس [illegible] و حضرت [illegible]

آنحضرت

آنحضرت [illegible] عباس [illegible] در غضب شد و گفت [illegible]
[illegible] عباس [illegible] حضرت امیر [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
عباس [illegible]
[illegible] عباس حسب الاشاره [illegible]
[illegible] خطبه [illegible]
اصحاب رسول [illegible] و احسان [illegible] مطلع نیست و [illegible]
واجب شد اگر [illegible] خلیفه [illegible]
[illegible] خلیفه رسول [illegible]
و [illegible] نیست [illegible]
عباس [illegible] که آنچه [illegible] حضرت امیر [illegible] عباس [illegible]
حضرت امیر [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] عباس گفت [illegible] دختر خود را [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] عباس [illegible]
بشارت [illegible] عباس [illegible] امیرالمؤمنین
[illegible] اصحاب حدیث [illegible] روایت [illegible]
[illegible] عباس [illegible] واقع شده [illegible]

اهل سنت و جماعت علما در صحت این روایت ... [illegible] ... آن می‌نماید که
در روایت حضرت صادق علیه السلام دلالت دارد و بعضی علما عبارت حضرت
شاه ولایت را چنین معنی [illegible] که در عصر آنحضرت بجهت خلافت
بعضی احوال کرده [illegible] که آنحضرت چون جانب [illegible] رسول او بعضی
چاره غیر آن نداشت هرچند که [illegible] مروی نیست چرا که [illegible] وصیت رسول بر
حضرت واجب بود و مخالفت آن حرام بود [illegible] مخالفت [illegible] اسلام داشت
چرا که در آن وقت [illegible] اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب [illegible] در این باب [illegible]
ایشان حضرت امیر المؤمنین علی [illegible] ام کلثوم
[illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible]
ایشان [illegible] در کتاب خود [illegible] عمر [illegible] ام کلثوم [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام [illegible] ام کلثوم
[illegible] آنحضرت [illegible] ام کلثوم [illegible]

کلثوم را

که شوهر او اهل سنت باشد و چون ام کلثوم را بعمر داد [illegible] برداشت
و بعضی [illegible] جواب از روایت این خبر در مقام اعتقاد در آمده و میگویند که
خبر نقل [illegible] باعتبار [illegible] حضرت امیر [illegible]
نکرده و صاحب کتاب استیعاب در شرح حال ام کلثوم روایت کرده که
چون عمر او را از حضرت امیر خواستگاری نمود آنحضرت [illegible]
[illegible] عمر [illegible] دیگر [illegible] حضرت امیر [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] ام کلثوم را [illegible] عمر [illegible]
[illegible] حاضر [illegible] ساخته [illegible]
[illegible] بعضی روایت ایشان
در این باب در رسائل ظاهر است که [illegible]
[illegible] ثابت بلکه [illegible] انساب [illegible]
[illegible]
این [illegible] حضرت امیر [illegible] اسلام
[illegible]
[illegible] در کتب ایشان [illegible] عایشه [illegible]
حضرت رسول [illegible] عثمان [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]

... از عمان [illegible] و رسانیدن کف دستان [illegible] مانند [illegible]
که حضرت [illegible] حسب الاذعان [illegible] آن [illegible]
بوده و اخلاق حمیده و صفات حمیده آنحضرت [illegible] و دختر [illegible]
[illegible] نماید و قول [illegible] در حضرت [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] است [illegible] است اما [illegible] که شیطان [illegible]
[illegible] شبهه [illegible] چشم [illegible]
[illegible] و برادران [illegible] صاحب [illegible] میگوید که
[illegible] قول رجعت است [illegible] از [illegible]
ایشان بود و [illegible] فقه و حدیث است [illegible] میگوید که [illegible]
اعتقاد رجعت [illegible] که [illegible] رجعت [illegible]
[illegible] قول جمیع علمای [illegible] است [illegible] رجعت
رجعت است که [illegible] بعد از ظهور امام آل محمد [illegible] حضرت [illegible]
باشد [illegible] انتقام واقع شد [illegible] و [illegible]
در مسائل [illegible] آیات [illegible] میگوید که [illegible]
[illegible] در این مقام [illegible] میگوید که آن رجعت [illegible]
سبب [illegible] خشک [illegible] خشک شدن [illegible] رجعت سبب
آن [illegible] واقع شد [illegible] میگویند که [illegible] رجعت

خشک بود [illegible] ایشان سبز شود و این [illegible] جمعی از اهل [illegible]
اگر کسی گوید که قول رجعت [illegible] تکذیب ایشان [illegible] داده و چرا [illegible]
که [illegible] رجعت [illegible] بود [illegible] حدیث [illegible]
جواب گوییم که [illegible] است [illegible] و شاید که [illegible] رجعت [illegible]
[illegible] خاطر [illegible] خاطر [illegible]
[illegible] کلام [illegible] بعضی [illegible] است که [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible]
و [illegible] است [illegible] و [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] که [illegible] صفت [illegible]
[illegible] حسن بن [illegible] که [illegible]
استغفار و دعای خیر [illegible] از [illegible]
خود [illegible] کار [illegible] خود [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] رجعت [illegible]
[illegible] تمام [illegible] و [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] صحبت [illegible]
[illegible] میگوید که خلاف [illegible] ایشان [illegible] است که [illegible] ایشان

[illegible] ایشان است چون
[illegible] مذهب
زمان رجعت خواه [illegible] شده خواه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت مهدی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] جواب حق است [illegible]
[illegible]
و چون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اصحاب حدیث [illegible]

میر ... ماجوم صاحب ... محمد ... [illegible] ... وقایع

صاحب و اقل مشارکت ایشان نسبت که ... جماعت ...

جواب ما نیز خواهد بود و گویا که تشنیعاتی که در انتقام از او صدور یافته بخیال

آن بوده که جمیع اهل سنت بر مذهب او نیستند و از اینجا شخص ... مصراع ...

... کیش خواهد داد ... را با او خواندن بهتر است که بر شیعه با آنکه چه پیشوا و کر

حسبنا ... نص ... اهل بیت رسول خود را در بعضی اوقات قبول

[illegible]

[illegible] ... اهل بیت ...

[illegible]

[illegible] ... است که ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و ... حضرت ... علیه السلم ... [illegible]

... [illegible]

[illegible] ... شد ...

[illegible] ... قتل شده ... [illegible]

اجرای حد برو کرده او را از گناه پاک ساخته دعا میکرد ... تخفیف

بودن حد و قصاص از برای عذاب بر تقدیر تسلیم فایده میدهد چرا که عذاب ...

مراد حدیث ... [illegible] ... دنیا ...

[illegible] ... حاصل ... [illegible]

غیر متناهی ... [illegible]

... صاحب کتاب فردوس ... [illegible]

... [illegible] ... گشته‌اند

... امام مظلوم معصوم ... [illegible] ... آتش

و جزای آن شقی ... عذاب اهل دنیا و شک نیست ...

اهل دنیا ... غیر متناهی ... غیر متناهی ...

... قبول قسمت میکند ... ضعف و ثلث و غیر ذلک

... [illegible] ... امام مظلوم غیر متناهی

... کسی که ... [illegible]

امام معصوم ... [illegible] ... قتل آن معصوم واجب

شده باشد ... غیر متناهی ... عذاب ... سایر ظالم

خواهش ... [illegible]

لکن ... کیفیت ... شدت و حدت و آلام و انتقام اهل ...

بعقاب ... لوازم آن میدید ... و همچنین سنت ... علما و ...

این مقام است ماجرایی که در مجلس منصور عباسی میان سوار قاضی و سید اسمعیل

حمیری رحمه الله ... روایت چنین کرده اند که این سید ... قاضی

... سید ... قرآن ...

و بدین سبب قاضی ... تمام یافت ... قاضی

در مجلس منصور خلیفه حاضر شده دید که سید این ... منصور ...

ان الله الذی لا شئ یشبهه آتاک الملک للدنیا والدین آتاکه الله

ملکا لا زوال له حتی ینادی الیوم صاحب الیمین وصاحب الصاد ...

وصاحب الترک ... علی الیمین و منصور ... تا قصیده تمام شد چون

قصیده تمام ... قاضی گفت ... امیر المؤمنین ... زمان اسمعیل ...

... احسان ... حاجب ...

... طریق ...

سید ... ساخت ... مدح و ثنای تو صادق

... این ... لاحظ ...

این کلمات بر زبان جاری ... خلیفه ... ایران ...

... سبب ...

... قاضی ... کار ... ذم

سلم

و نیز ... قرآنی است و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله [illegible] ... نیز
[illegible] چنانچه در حدیث یحشر المتکبرین فی صورة الذر یوم القیمة [illegible]
روز قیامت بصورت مور [illegible] و در حدیث [illegible] فی بنی اسرائیل [illegible]
مثلا حتی الخسف والمسخ والقذف [illegible] در بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] است [illegible] تا خسف و مسخ و قذف [illegible] یکی از صحابه
[illegible] که [illegible] که مسخ [illegible] تعالی [illegible]
[illegible] است [illegible] بصورت [illegible] که [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] احادیث [illegible] است [illegible] آنست که [illegible]
[illegible] و [illegible] شود [illegible]
[illegible] بصورت [illegible] و [illegible] مقالات
[illegible] که یکی [illegible] است [illegible]
[illegible] که [illegible] بصورت [illegible]
[illegible] گفت [illegible] است ابو حنیفه گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible] گفت [illegible]
بصورت [illegible] سگ [illegible] سلیم [illegible]
و گفت صاحب [illegible] علیها [illegible]
[illegible] است [illegible] اهل البیت

جمهور علما [illegible] اند که [illegible] با علما [illegible]
[illegible] است [illegible] که اجماع
[illegible] است که [illegible] در تفضیل علی علیه السلام
[illegible] و [illegible] در ترجیح [illegible] در شرح [illegible]
[illegible] در مواقف و در شرح مقاصد و عقاید نسفی و شرح [illegible]
[illegible] و انعقاد اجماع بر آنکه [illegible] افضل [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] که [illegible] و [illegible] گشته
[illegible] است اجماع قطعی [illegible]
[illegible] است [illegible] کلام [illegible] آنست که [illegible] ترجیح
[illegible] است [illegible] ترجیح [illegible]
[illegible] و دلیل ایشان [illegible] مطلب [illegible]
[illegible] که [illegible] جماعت [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] علیه [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] و صلوات [illegible] ترجیح [illegible]
[illegible] صلوات [illegible] من حیث الولایه [illegible] انبیا [illegible]
من حیث الولایه و [illegible] و از اصحاب متالهین [illegible] المحقق [illegible]

حیدر بن علی الآملی در کتاب موسوم بجامع الاسرار و منبع الانوار … کرده
شیخ کامل شیخ محیی الدین اعرابی در فص عزیزی و فص شیثی از کتاب فصوص الحکم
آنکه ذکر اجماع غیر فرقه امامیه حجت بر ایشان نیست و چه اعتبار و اعتنا بر اجماعی که
یکی از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که خزان علم نبی و معدن اسرار
الهی اند در آن داخل نباشد وجه پنجم آنکه سخن صاحب المواقف محض حرفی مجرد
استبعادی است بل اظهار محض و اقامت دلیلی آنکه فرقه ناجیه هیچ دلایل متعدد
برین مطلب ذکر کرده اند اول از آنجمله است قول سبحانه و تعالی وَأَنْفُسَنَا
… چه جمیع مفسرین … که … نفس درین مقام امیر مؤمنان و صاحب
مسلمانان علی بن ابی طالب علیه السلام … تغایر ذوات بحالت پس
باقی نماند مساوات در مواضع امکان مساوات که صفات نفس و مساوی فضل
… صفات نفس … که صاحب … علیه …
… که … تساوی جمیع صفات … متحقق میشد که
… صفات … صفت … علیه السلام … حاصل نیست …
وجواب این سخن از طرف شیعه … که … بعد از ان بحث کرده
بر تقدیر تسلیم آنکه … صفات … مساوی باشند … مطلب …
جایز است که … فضل …
… شده …

ظاهر

… پیست … صحاب …
… آنکه … سال …
ظاهر است که این … صفات … که …
… اشیم … کاملست …
… امیر المؤمنین علیه السلام … صلوات الله علیهم …
… صلوات الله علیهم …
… خصوصیت …
… صلی الله علیه و آله …
…
… بر رضای تعالی … کلام …
… دلیل …
…
بنابر تسلیم قول آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله افضل از امیر المؤمنین علی علیه السلام است
… افضل … انبیا …
… انبیا … کمالات …
…
… اگر …

[illegible] مرتبه [illegible] و بعضی [illegible] باین مرتبه رسیده [illegible]

[illegible] جاری [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] علما [illegible] کامل [illegible]

[illegible] علما است [illegible] که [illegible]

علیهم الفضل [illegible] علما [illegible] افضل از [illegible] علما است که [illegible]

[illegible] شده [illegible] حدیثی هست که [illegible]

مطلب خوارزم است که از مشاهیر اهل سنت است و حدیث این است من اراد

ان ینظر الی آدم فی علمه والی نوح فی فهمه والی یحیی بن زکریا فی زهده والی موسی بن عمران

فی بطشه فلینظر الی علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی کسی که [illegible] داشته باشد

[illegible] علم آدم و فهم نوح و زهد یحیی و بطش موسی [illegible] علم و فهم و زهد و بطش [illegible]

[illegible] علیه السلام کند [illegible] ایشانست باین [illegible]

[illegible] که [illegible] آدم [illegible] نوح [illegible]

[illegible] عیسی [illegible] علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible]

[illegible] انبیا [illegible] که [illegible] کسی [illegible]

در غیر آن [illegible] مرتبه [illegible] مجموع این صفات [illegible]

[illegible] کسب [illegible] مجموع این صفات کمال [illegible]

از هر یک [illegible] باشد **اما مقدمه چهارم آنکه** بسبب [illegible]

بود [illegible] ایشان [illegible] که ترجیح [illegible] هر یک [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] که [illegible] بسبب [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] که [illegible] ایشان [illegible] اگر چه

[illegible] که مقالات و کمالات صاحب [illegible] فضل [illegible]

[illegible] کلام [illegible] و چیزی که [illegible] است [illegible]

[illegible] حاصل [illegible]

و غیر ایشان [illegible] مثل مولانا امیر المؤمنین علی والحسن والحسین علیهم السلام از جناب

جناب مقدس [illegible] ثابت [illegible] ایشان [illegible] رسول الله محمد المصطفی صلی الله

علیه و آله [illegible] است [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] کمالات [illegible]

[illegible] اولیا [illegible] آنچه [illegible]

واجب و لازم است [illegible] اولیای [illegible] فیض [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] افضل [illegible]

[illegible] بسبب [illegible] است [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] علیهم السلام

[illegible] است [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] است [illegible] باشد [illegible]

و تمام مقام او و مشاهده معارج او و مطلع جمیع مقامات شهودیه و احوال ملکوتیه او
باشد از بس که قاصر از کمال حسی و ناقص از اطلاع بر حقایق مقامات کمالیه
[illegible] کامل [illegible] کامل [illegible] شهودیه جمیعه [illegible] ولی از مشاهده [illegible]
[illegible] کامل بسبب انعکاس مرآت [illegible] صورت [illegible] که مستعد قبول انعکاس [illegible]
[illegible] عقل خواهد بود از جهت [illegible] مشاهده [illegible] اقوی الاطلاع از
نبی محجوب از مشاهدات جهت [illegible] که [illegible] از اولیا حاوی مقامات اولی العزم
گردد بسبب ملاحظه احوال محمدیه و بدین جهت اکمل سایر انبیا خواهد بود حتی اولی العزم
و این سخن در نهایت ظهور است [illegible] که سابق درین مقدمه ساختیم [illegible]
[illegible] آنچه [illegible] بواسطه و [illegible] آن [illegible]
[illegible] پس چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله صاحب [illegible]
و اولیا او از جهت او مشاهده [illegible] و معارف مساوی خواهند بود [illegible]
با حسب [illegible] انعکاسی که حاصل است از مرآت نبی نسبت بمرآت مشاهدات ولی
و حال آنکه پیغمبر اکمل از پیغمبران اولی العزم است پس مشاهده و مقابل [illegible] بسبب استعداد
[illegible] که منعکس است بدان شعاع مرآت نبی همچنین اکمل است بواسطه [illegible] پس حال
هر یک از اولیا مثل حال نبی خواهد بود در مشاهدات نبی مقامات اولی العزم [illegible]
نبی از مقامات اولی العزم بسبب مشاهده مقامات خویش که شامل و جامع مقامات
اولی العزم است [illegible] خصوصیه [illegible]

شخصی

شخصی محتاج در وصول بسوی مقامات شهودیه بیک واسطه که واصل سازد
واسطه آن شخص بمقامات شهودیه که هر چند بسبب آن واسطه مشاهدات
حاصل [illegible] گردد [illegible] باشد مشاهدات [illegible] اکمل و افضل باشد
از شخصی که احتیاج بدین واسطه داشته بلکه آن شخص با شهود مقامات [illegible]
باستعداد ذات خویش باشد بدون احتیاج بکسی که متصل او شود و اینها
[illegible] صحیح است تفضیل شخصی که بمرتبه و مقام نبوت بجهت انجذاب رسیده
بر شخصی که بمقام نبوت رسیده [illegible] از آن مرتبه باشد جواب داده شده
[illegible] تفصیل نیست [illegible] کل در احتیاج بسوی مشاهدات
الهیه [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] صلی الله علیه و آله مقامات کل
انبیاست [illegible] اختصاصی شده است
[illegible] قطب محمدی است [illegible]
[illegible] مشاهدات [illegible] نسبت [illegible] نسبت [illegible]
[illegible] قطب محمدی [illegible]
[illegible] مقامات حاصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بیان [illegible] پس مانده است [illegible] اطلاق [illegible]

[illegible] بیان [illegible] موجب اطلاق [illegible]

[illegible] سبب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که مجموع انبیا [illegible]

[illegible] است [illegible] سبب [illegible]

پس بدین سبب [illegible] مقامات [illegible] پس [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] است [illegible] صوری [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] باعتبار [illegible]

عقل کل [illegible] عقل [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible] باعتبار [illegible] اجمال و تفصیل [illegible]

[illegible] مقام [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] وحی [illegible] ظاهر [illegible] است [illegible] عقل [illegible]

[illegible]

عالم [illegible] سیات عالم [illegible] است [illegible]

[illegible] سبب [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] جناب [illegible] از ما سوا است و بدین جهت

[illegible] انسان [illegible] وحی منزل بتوسط ملائکه بسبب [illegible]

[illegible] پس انبیا علیهم السلام [illegible] حوادث [illegible]

[illegible] ایشان بجمیع اخلاق [illegible] اخلاق [illegible]

[illegible] اخلاق [illegible]

[illegible] الاخلاق [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان را [illegible] تشبه تام [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان علیهم السلام [illegible] علیه السلام [illegible] علیهم السلام

باعتبار [illegible] ایشان [illegible] مقامات [illegible]

پس [illegible] ایشان را [illegible] بکمالات حقیقیه [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] است [illegible] علیه السلام [illegible] مقامات [illegible]

[illegible] مقامات [illegible] مقامات

بود و احکام خود [illegible] درست پس ثبت [illegible] بطریق برین [illegible] که عارف حق
ایشان [illegible] سعادت و نجات [illegible] که واجب بسبب قول پیغمبر صلی
علیه و آله الصلوات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة کسی که بمیرد و نشناسد امام
زمان خود را مرده است بمردن اهل جاهلیت تمام شد کلام بعض علما رحمه الله
و در نقل این فایده دیگر است و آن [illegible] آنچه بیست که دیگری صاحب [illegible]
خود از علمای امامیه که ایشان از درک مقامات و شوق مراتب [illegible] نیست و [illegible]
تحقیق نیست بعد از تامل درین مقدمات عالیه و [illegible] کشته شود که وارد می آید بر
قول بعض علما که خاتمیت پیغمبر صلی الله علیه و آله مانع است از اطلاق اسم نبوت بر
اوصیا و آل علیهم السلام [illegible] لازم می آید که بوده باشند بعض [illegible]
صلی الله علیه و آله و لیکن [illegible] اطلاق [illegible] و [illegible]
ظاهر البطلان است دیگر آنکه نیست نبوت عبارت از مجرد کمالات مخصوصه
تا [illegible] کسی [illegible] حاصلت [illegible] بدون [illegible] بلکه نبوت عبارت است از
حقیقت رسالت از حق سبحانه و تعالی با اظهار معجزه و در امام این معتبر نیست [illegible]
که [illegible] کشته [illegible] قابل نیستیم که [illegible] است [illegible]
و حال آنکه [illegible] و تحقیق معنی [illegible] است [illegible]
کمالات [illegible] اطلاق اسم [illegible]
بایشان [illegible] مراتب ایشان [illegible] مرتبه نبوت

است

است از آنکه [illegible] مفهوم [illegible] آنچه [illegible] شده است [illegible]
ما [illegible] شرح [illegible] معجزه [illegible] انسانیت [illegible]
[illegible] صفات [illegible] و کمالاتی که [illegible] حقیقت [illegible]
اطلاق [illegible] است [illegible] نبوت [illegible] ظاهر است که دعوای نبوت و اظهار
معجزه [illegible] حقیقت نبوت [illegible] از جمله صفات [illegible] بلکه
[illegible] علامات حقیقه [illegible] این [illegible]
[illegible] لازم است [illegible] که حقیقت نبوت [illegible] است که [illegible] باشد
با آن حالت دعوای نبوت و اظهار معجزه و این حالت [illegible] حاصلست [illegible]
[illegible] صلوات الله و سلامه علیهم [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] علیهم السلام [illegible]
[illegible] از جمیع [illegible] و خلاف [illegible]
[illegible] کتب احادیث [illegible]
[illegible] و عصی آدم ربه فغوی و قول حق سبحانه و تعالی
و قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغدا حیث
شئتما و لا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین فازلهما الشیطان عنها
[illegible] و قوله سبحانه و تعالی و ذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت

سبحانک انی کنت من الظالمین و قول حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] پس [illegible] آیات سابقه [illegible]
[illegible] الیه [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول علیه السلام [illegible] خلافت [illegible]
[illegible] جماعت [illegible] امثال این [illegible]
[illegible] و این [illegible]
[illegible] علامت [illegible]
علامت [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] حدیث [illegible] متواتر است [illegible]
[illegible] تغییر میکنند [illegible]
[illegible] بیان [illegible]
[illegible] کلام [illegible]
[illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] گفت یا رسول الله [illegible]
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت [illegible] جبرئیل [illegible]
سبحانه و تعالی [illegible] اصحاب [illegible]

سبب این قضیه [illegible] پس چه شنود که سبب [illegible] این رسالت طرف
[illegible] پس جبرئیل علیه السلام عروج نمود و جواب پیغمبر صلی الله
علیه و آله عرض کرد بعد از این مرتبه دیگر حق سبحانه و تعالی جبرئیل را امر به نزول
[illegible] فرمود و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله را آنچه اول مرتبه گفته بود باز
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] مرتبه اول پس نوبت دیگر جبرئیل علیه السلام
عروج کرد [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] وحی الهی
[illegible] بر رسول صلی الله علیه و آله [illegible] نازل شد و این آیه یا ایها
الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت
رسالته والله یعصمک من الناس پس چون جبرئیل [illegible] این آیه
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که چون حق سبحانه و تعالی ضامن نگاهداشتن
من شد از شر این جماعت [illegible] باشد که ابلاغ رسالت نمایم پس امر کرد [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] بیان [illegible]
[illegible] گفت ای مردمان [illegible]
[illegible] رسول [illegible] خلافت [illegible]
کسی که من مولای او یم بعد از من علی مولای اوست خدایا دوست دار کسی که علی
را دوست دارد و دشمن باش کسی که علی را دشمن باشد [illegible] ذکر کرده [illegible]
[illegible] پس چون [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله خطبه

گفت عمر علیه ما یلیق علیه السلام و اول شیعت گویان او و این جماعت که گفتند
حرمت مال او ای پیر ابی طالب کردیدی او مرتضی مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه
انکار دیب ابلیس تامل کنی بی من که آنجا پیداست مخالفت مشتق تر ازین دو شکل
این جماعت هیچ که پیغمبر صلی الله علیه و آله کرد دست کتاب در ترتیب عمل اکرم
پس با ابو بکر و بعضی که این جمله فاجره ثابت کرد و در حجت پیغمبر صلی الله علیه و آله عایت
خوف و نهایت جبن و حال آنکه ایشان قایلند بانکه پیغمبر صلی الله علیه خوف و ترس
اصلا نداشته در اوایل بعثت با قلت اعوان و انصار و کثرت مشرکین کفار
و جمعیت اصنام و اوثان جاهلیت که مرد برد ایشان هیچ چیز باد شاهی و سلاح
بر کردن آنچه ایشان کردند از قتل و غارت و خراب زراعت که تشنیع که سبحان الله است
در قوت قلب و اعاظم شجعان پس [illegible] ایشان شد و از حسین علی عظمی که در
که چون که در لعنت حسین با همه در زمان بر بالای منبر از جبن و ترس [illegible]
در سالت و طلب اسلام و پیشوای قتال اعدا و منافقین و اما بیانی که قوای او شود
سبب آن زوال شفا و در و حس آن انست که دل دشمن از اوان اهل ضلال
و هیچ کمال و شأن ایشان نقل مجمل کلام ایشان انست بان سبب که در او باشد
که در قرآن بسیار [illegible] و کسی که راه اعدای او و جدال [illegible] سازد
علی محمد لعنة الله شدید لا و عقیر میگوید و از بن تحقیق در جمله نظر است
و حصه انکار عصمت انبیا مطلقا چنانچه ظاهر است از سیاق کلام و کتاب

ملایم مسایل است ... هر که احدی از ایشان منکر عصمت ایشان نیست ...
... بسیار علما ... زمان سنت چه خلاف نیست در میان مسلمانان که از حق
... سنت و در صد و در صحابه ... کبار با آنکه این خلاف مرجحیت که پیدا
... خلاف این خلاف ... ... سبب که آنچه ذکر کرده است
سالی آنچه نیست که قرار کرده است ... زعم عصمت را ولیها الهادی
... انکار او در قلوب اهل عصمت ... ... بیان آنکه آنچه ذکر کرده است
... استعمال آن ... احادیث بر صدور معاصی از انبیا علیهم السلام و از آیات
... بعد او ... و در بسیاری که این آیات و احادیث را تحامل تاویلات است که حکم
... علما کلام ... و در کتبی که در این باب تالیف نموده اند و اجل و اشرف
... کتاب ... است که از جمله مصنفات سید ... مولانا المرتضی علم الهدی
است قدس سره ... و جواب گفته است قدس سره ... که آن
... است که ... از جمله آنها یکی است که تحقیق آن که
... است و ... تفسیر کبیر ... آن جهالت که بنی اسرائیل در نهایت
... موسی علیه السلام ... هرون علیه السلام ... عیسی
... موسی علیه السلام ... صلح ... پس چون وعده ...
... الهی شب و تمام کرد ... شب دیگر ... از جهت موسی ...
... چنانچه ... موسی ... قوم آنچه ... دیدند که ...

بیش چون ... دنیویت داخود را تحقیق ... پرسید ... علیه السلام که سنت
که در تقلب ایشان کلامهای اصل شبهت بوس گفت ... تعلق بوس ...
... این ... در بیان جهت که قوم کان ... [illegible] ...
امام ... پیغمبر ... اختیار ما این جواب ... از جمله متشابهات خطب
... است که ... از ... اختلافات ... اهل سنت ... این جواب
... احتجاج بر صاحب ... اضطراب ... اگر ... اختلاف ...
بر ... است ... کتاب ... الاسباب ... توجیه ...
... [illegible] ...
... بحث ... صداقت است که هر کار ... صدیق ...
... [illegible] ... صاحب ...
علیه ... که ... بطرائف ... عرب ... بوده ...
... بلکه ... است که ... عرب که ...
در مجلس ... بیان ... نسبت ... شان ... که ... کردیم
باشند انکار ... توجیه کرده ... و از جمله ... است حمل آن
... که ... است ... علیهم السلام ...
... بر ... بحسب ... بر ... که ...
... و حال ... بر ... است ... و حال آنکه ... بر ... است ... خطاب

الامر

... ولات ... کلمات ... ظاهر ... صواب است ... اگر ... اول ...
... ضعیف ... است ... حمل ... ظاهر ...
آن کلام ... حال ... که ... کلام ... شیخ
... توجیه ... ست قایل هستند ...
... علیهم السلام که ... تعظیم ... چنین ... کلمات ... صاحب
... خصیت ... کلام ... مقام ... که صاحب
... کلمات ... است ... بعضی ... کتب ... ضعیف
... است ... وجوب عصمت وجود تقیه
... که این ... صحیح ... است ... ایشان است امام شد
کلام ... است ... که ... صاحب
... اما ... تقیه ... که ... طریق ...
... عصمت ... امام ... که ... تطهیر
... حق ... فصل ... [illegible]
... معصوم ... صدق ... واجب ... بود ...
بودن با معصوم ... معصوم ... الله ... صلوات الله علیهم اجمعین چنانچه ...
امامیه است ... جهت ... امام ... ثابت ...
... امام ... تسلسل است ... بر تقدیر عدم عصمت ... احتیاج ...

و از جهت حفظ شریعت و عدم وثوق پس اگر بر امام خطا جایز باشد امام نیز محتاج خواهد بود به امام دیگر و همچنین الی غیر النهایه و لازم آید تسلسل پس طرف دیگر یعنی عدم عصمت باطل خواهد بود و تحقیق این کرده و گروه که بیحاجت نشانه نا ساخته است وجوب وجود موجب عدم لزوم تسلسل است نشان داده ایم نفی جلیس است و عصمت قطع تسلسل خواهد بود دلیل دیگر تقریرش آنست که امت مامورند باتباع امام مطلق پس اگر از امام معصیت صادر شود لازم می آید که امت مامور باشند بفعل معصیت و این قبیح است عقلاً و دلیل ثانی نیست بر اینکه صدور قبیح از حکیم علی الاطلاق ممتنع است پس لازم آمد که امام باید معصوم باشد دلیل دیگر بیانش چنین است که اگر معصیت از امام صادر شود واجب است انکار او و مکروه لازم می آید سقوط نهی از منکر و اگر واجب است انکار نمیند لازم می آید تنفر طباع از امام پس فایده نصب امام که اتباع است منتفی خواهد شد دلیل دیگر بعینه دلیل اول بر عصمت امام آنست که امام حافظ شریعت است از خلل باین معنی که تقویت امور شرعیه و اجرای احکام شرع مبین در میانه جمیع است بر او لازم است و هر کس که حافظ شرع باشد بایشان معصوم است پس باید پیاسس نتیج این شود و هر بود که امام لازم است که معصوم باشد دلیل صوری کمه ما بیان این ضمن گمانی امر در امامت معتبر است چنانچه سابقاً مفصلاً مذکور شد و دلیل کبری آنکه کسی حافظ شرع باشد بمعنی که مذکور شد ناچار است که از زیادت و نقصان یا تغییر احکام الهی بسبب سهو و نقصان اگر محتاج

مخفی

قصد او در آن عمل و نه خواهد بود پس چیزی هست از آن قول مثل خود به حد کرده است که ما است که جمیع خلایق بسوی هم و هر رسانیده پس باید او امامت طرف خود باشد که کسی مفروض کنید این طریق که بدلیل کویت معتقد است که عصمت در شروط ثابت نمیگشته اند تعیین که کجهت حفظ شریعت پس ناچار باید که معصوم باشد تا اینکه بیان شد احکام و از زیاده و نقصان همچنین این بحث بر دلیلی که سابقاً مذکور شد و او واجب است از این جهت که اگر معصیتی صادر شود و لازم می آید که محل و اوده لهذا ساقط کرده و فایده اجتهاد و رطب شود یا لازم آید که حکم امر معروف و نهی از منکر ساقط کرده و این مردود است بما علمت که عدم عصمت شرط اجتهاد نیست چنانکه سابقاً در اول فرع مقرر شد و جواب میگوییم که مجتهد حافظ شرع نیست در میان جمیع خلایق بلکه حافظ شریعت در میان مقلدین خود پس واجب نیست که بر او باشد زیاده و نقصان بسبیل قطع و جزم بلکه بهمان اندکه اجتهاد او ثابت شده حسن ظن است بعصمت او کافی نیست و از جهت که شرط کرده اند عدالت را در مجتهد و ضمیمه کرده اند اجتهاد را دست از مرتبه امامت حاصل میشود بسبب اجتهاد هر چند که مسطور است در کتب اصول کافی نیست در عمل کردن بقول مجتهد حسن ظن است پس که ممکن است ثبوت عدالت مجتهد و با کرده اجتهاد او زیادی و حاصل شده باشد چنانکه تقرر به و در محل خلاف مرتبه

است زیرا که ریاست ریاست عامه است حسب [illegible] بر آن است که
این مرتبه ریاست عامه حاصل نمیشود و از برای احدی مگر بجهت امین [illegible]
[illegible] زیاده و نقصان در احکام شرع [illegible] این ریاست [illegible]
[illegible] مستقل [illegible] چنانچه [illegible] ثابت [illegible] که صاحب [illegible]
[illegible] معصوم باشد [illegible] است که [illegible]
[illegible] امام معصوم [illegible]
دلیل حقیقت است که در خوردن گوشت [illegible] واقع شده در حالت [illegible]
[illegible] تحلیل احکام شرعیه [illegible] مستحق [illegible] است
[illegible] و تقلید که جایز است [illegible] اصل شرع آن اجتهاد و تقلید است که
[illegible] حضور امام که حافظ [illegible] باشد از اینجهت که در وقت حضور نبی یا امام
که معصوم باشد [illegible] مجتهد [illegible]
اشتباه داشته باشند و اعلام کردن هر یک از نبی یا امام [illegible]
[illegible] نبی یا امام که ممکن باشد رجوع [illegible]
[illegible] احکام از مسائل حلال و حرام [illegible] مجتهد [illegible]
[illegible] صحت آن [illegible]
است [illegible] واقع [illegible] باشد [illegible] و حال [illegible]
امام [illegible] و [illegible] است [illegible]

[illegible] که مذهب امامیه حق [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] است [illegible] استثنا [illegible]
که مذهب امامیه حق [illegible] است [illegible]
[illegible] امامیه [illegible] است که جایز [illegible]
[illegible] امام
[illegible]
[illegible] کلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] باشد [illegible] بجا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

دعوی کردن [illegible] گناه [illegible] است جواب میگوییم که [illegible] [illegible] [illegible] است که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اگر کسی [illegible] که این [illegible] حالت نبوت و امامت واقع نشود و اما اینکه پیش از نبوت و امامت از ایشان گناه صادر نشود نیز [illegible] از آنچه گفتیم که ممکن است که احکام [illegible] سبب [illegible] شود [illegible] این وقت چیزی [illegible] مقتضی [illegible] باشد جواب میگوییم که [illegible] از ایشان استحقاق عقاب و مذمت [illegible] [illegible] است و این [illegible] تحقیق است و از این جهت است [illegible] [illegible] صادر شده باشد [illegible]

[illegible] باشد که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عقاب و مذمت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کلام [illegible] از نفایس مباحث است و اما بحث چهارم در عصمت [illegible] اگر سوال کنی از حدیث [illegible] که متواتر [illegible] است تا آخر [illegible] [illegible] شده است [illegible] از این جهت که

خدای تعالی جاری کرده است بر زبان قلم این حقیر پس اگر چه وصف ثابت
پس وصف کرده است حدیث غدیر را بمتواتر بودن بدون اینکه سبقت
کلام او مقتضی ذکر این وصف بوده باشد بدون اینکه سیاق کلام او مقتضی ذکر
این وصف بوده باشد لیکن خطا کرده است در احتمال سؤال این حدیث
داعی که او مأمون بوده باشد در بیان این حدیث بواسطه اینکه مأمون بودن [illegible]
و بس پس میگوییم که مضمون حدیث بر وجهی که متواتر و متفق علیه است در طریقی که
مشهور است نزد امامیه و بعض طرق اصحاب ثابت که چون [illegible]
مراجعت کرد [illegible] از حجة الوداع [illegible] تعالی [illegible]
[illegible] آیه [illegible] علیه وسلم [illegible] وقت ظهر [illegible]
ساربان در آن وقت متعارف بود [illegible] بارگیری تا این جایی که [illegible]
اسب بیاری [illegible] پس امر کرد حضرت رسالت
بجمع نمودن پالانهای شتر و بالای آن منبر ساختند در حالتی که مشغول خطبه [illegible]
بیان کرد حضرت در خطبه [illegible] خدای تعالی این آیه را [illegible] که بلغ
ما انزل الیک من ربک [illegible] این خطبه [illegible]
شده بود پس دست علی علیه السلام را گرفت و گفت آیا من سزاوارتر نیستم [illegible] از نفسهای
شما همگی گفتند بلی یا رسول الله پس حضرت گفت کسی را که من مولا بودم [illegible] علی مولای
[illegible] دوست دار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن [illegible]

علی را دشمن دارد و یاری ده کسی را که علی را یاری دهد و فرو گذار کسی را که علی را فرو گذارد
و حق را با علی دار هر جا که باشد و هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد
[illegible] الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت
لکم الاسلام دینا پس گفت حضرت [illegible] بکامل کردانیدن دین و تمام
کردن نعمت و راضی بودن خدای برسالت من و ولایت علی بعد از من
و نقل شده است از طریق ما از عبدالله بن عباس و زید بن علی بن [illegible]
علیه السلام که در وقت توجه حضرت بحج وحی باو رسید که [illegible] مسائل رسالت
و ولایت علی کند پس توقف حضرت تا غدیر خم از جهة مصالح [illegible]
حضرت که میترسید [illegible] اشتمال امر بکنند و اعتقاد بولایت [illegible]
کنند و چون مراجعت کرد و بغدیر خم نزول کرد وحی نازل شد بطریق امر
و بیان فوری که متضمن [illegible] قول خدای تعالی که یا ایها
الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک [illegible] بود وجوب فوری
آنچیزی را که سابق بر تو نازل کرده بودیم [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] اعتبار
اینکه در [illegible] بسبب [illegible] پس اگر این فعل [illegible]
پس تو تضییع رسالت [illegible] خدای تعالی [illegible]
خاطر [illegible] این آیه [illegible] والله یعصمک من الناس [illegible]
[illegible] اصحاب باشد که خطاب خدای تعالی

احضرت در آخر عمر بعد از آنکه تبلیغ جمیع احکام دین از اسلام و نماز و زکوة
و حج و جهاد و غیر اینها کرده باشد با یکدیگر وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
و همچنین نزول بعد غدیر خم در وقتی که متعارف نبود نزول کردن و بالا رفتن حضرت
بر منبر از پالانهای شتر و قول آنحضرت در حق امیرالمؤمنین کسی که من مولای اویم
پس علی مولای او است و دعا کردن به وجهی که سابقا مذکور شد غیر اینها که
از برای امری عظیم جلیل القدر مثل نصب کردن علی از برای امامت دلیل واضح
اظهار محبت او بود و خصوصا با قول حضرت که آیا من نیستم اولی به شما از نفسهای
شما با وقوع این صدر از پیغمبر [illegible] نازل شدن این دو آیه با جواز است که مراد از مولی
مثل او دوست مسلمانان باشد نه امام و صاحب اختیار اینها از معانی لغویه مولی که کلام
حضرت که من کنت مولاه فعلی مولاه معنی نیست که [illegible] بضعف در حقوق
مردمان [illegible] ایشان است بعد از من [illegible] بالفعل [illegible]
این نیست پس بعد از آن حدیث چنانکه مذکور شد و تقریر حجیت این حدیث
[illegible] که توضیح داده ام [illegible] کسی [illegible] که قدح در این حدیث کند که [illegible] کسی
انکار این حدیث نمیکند مگر کسی که [illegible] باشد [illegible]
مکرر به تقریح در طرق حدیث دیگر به تأویلات که عقل حکم به بطلان آن میکند
[illegible] نیست که باطل را رواج دهند بلکه باطل سازند باطل حق
مناسب این مقام است قول تعالی یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ و چگونه قدح کند عامه در حدیث
غدیر و حال آنکه از حد تواتر گذشته است و طرق آن را جماعتی از علمای ایشان ذکر
کرده است شیخ عماد الدین ابن کثیر شامی در تاریخ کبیر در ذکر احوال
محمد بن جریر طبری شافعی که دیدم کتابی که تألیف محمد بن جریر طبری بود که جمع کرده بود در آن
کتاب طرق حدیث غدیر خم را در دو مجلد و کتاب دیگر دیدم که جمع کرده بود در آن
طرق حدیث طیر را و نقل شده است از ابی المعالی جوینی که تعجب میکرد و میگفت
و میگفت که من یک جلد کتاب در بغداد در دست صحافی دیدم و در آن
کتاب روایات این حدیث بود و نوشته بود بر آن که جلد بیست و هشتم
از طرق من کنت مولاه فعلی مولاه [illegible] است و از ابو جعفر بن شهرآشوب
که گفت من دیدم با علی [illegible] همدانی که میگفت روایت کرده ام این
حدیث را [illegible] و در اینجا طریق دیدم [illegible] نزد مردمان چند [illegible]
شده [illegible] تألیف [illegible] خاتم المحدثین اهل سنت و جماعت شیخ محمد
جزری [illegible] اثبات کرده [illegible] رسایل [illegible] از این حدیث [illegible]
[illegible]
از اخبار [illegible] تصنیف کرده اند در این خبر [illegible] جمعی از محققین
[illegible] پس [illegible] حدیث [illegible] آن [illegible]
[illegible] روایت کرده [illegible] اصحاب [illegible] کرده [illegible]

آنچه چند مرتبه در تمهید تذکره گذشته است و روایت کرده اند در خطبهٔ آنحضرت
در این روز بعضی از این حدیث و تتمهٔ آن است پس خطبه در چند جا بر بعضی حسرت
و تاکید و مشتمل بر ستاییدن از مخالفت این مرد و چند جا بر کسی [illegible]
این گروه بود که در صدد [illegible] حدیث اصلاح و [illegible] در آید و این [illegible]
از این خبر [illegible] و از آنچه روایت شده است از خلیفهٔ دوم که گفته است
غضب کرد رسول خدا [illegible] امام پس گفت کسی که من مولای او بودم پس علی مولای او است
بار خدایا دوست دار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن دار کسی را که علی را
دشمن دارد و [illegible] کسی که علی را [illegible] و یاری کن کسی که علی را یاری کند
بار خدایا تو گواه [illegible] پس گفت عمر [illegible] در پهلوی من
جوانی خوش بوی خوش روی نشسته بود [illegible] گفت که ای [illegible]
عقد کرد رسول خدا از برای شما عقدی که [illegible] این عهد [illegible]
گرفت که [illegible] اگر کسی از دین بیرون [illegible] پس [illegible]
ای عمر [illegible] این عقد [illegible] این عهد [illegible] گفت که من [illegible]
که [illegible] علی [illegible] خوش بوی [illegible] در پهلوی من بود [illegible] گفت
رسول گفت آیا [illegible] آن که [illegible] رسول [illegible] گفت ای عمر آن مرد از
[illegible] جبرئیل بود [illegible] عهد و پیمان [illegible]
[illegible] که این عهد را بشکند [illegible]

[illegible] بشارت باد مر ترا مبارک باد
[illegible] صباح کردی مولای من و مولای هر مومن و مومنه [illegible]
[illegible] است که [illegible] مخالفت [illegible]
آنچه [illegible] شده [illegible]
[illegible] بسیار است پس مخالفت [illegible]
[illegible] کلام شیخ مفید [illegible] خلاف است [illegible]
[illegible] کلام شیخ [illegible] است [illegible]
[illegible] و نقصان [illegible] شده [illegible]
[illegible] ذکر کرده است [illegible] ساخته است [illegible]
[illegible] مشغول شده است [illegible]
[illegible] است [illegible] گفتیم هست [illegible]
[illegible] رسول [illegible] است [illegible]
[illegible] امیر المومنین علی علیه السلام چرا که آنحضرت
[illegible] بسیار کشته بود [illegible]
[illegible]
[illegible] علی علیه السلام [illegible] تصریح کرده است
[illegible] رسول خدا [illegible]

در روز ... که مجمع شده دست علی علیه السلام گرفت و گفت که
من کنت مولاه فهذا علی مولاه ... پس شایع شد این کلام و در شهرها مشهور گردید
پس حارث بن نعمان فهری ... بشنید پس به نزد رسول خدا آمد و از شتر فرود
آمد نزد حضرت رسول ... در وقتی که آنحضرت در میان اصحاب نشسته بود
گفت ای محمد ... ما را به شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله و نماز کردن
پنج وقت و روزه گرفتن ماه رمضان و زکوة مال دادن و حج کردن پس اینها را از تو
قبول کردیم و تو راضی نشدی [illegible] پسر عم خود را ... بر ما تفضیل دادی
و گفتی که هر کس که من مولای اویم علی مولای او است پس آنحضرت فرمود که من این
به فرمان خدا کردم پس حارث چون این بشنید برگشت و به شتر خود سوار گردید و گفت
بار خدایا اگر آنچه محمد میگوید حق است سنگی از آسمان بر ما بباران یا عذاب دیگر بفرست
هنوز کلام او تمام نشده بود که سنگی از آسمان بر فرقش آمد که از دبرش
بیرون رفت و این آیه نازل شد سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ
لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ و این روایت را ... که از علمای
جمهور است در تفسیر خود ذکر کرده است و بعضی از شافعیه در کتاب فصول المهمة
فی مناقب الائمة نیز روایت کرده است و بعد از اینها علامات اکراه و عدم
بیعت ابی بکر [illegible] چنانچه روایت ابن ابی الحدید که از علمای اهل سنت است
در شرح نهج البلاغه [illegible] دلالت میکند [illegible] فضایل علی [illegible]

در خلافت ... ابی بکر ... اهتمام ... بسیار ... حتی ...
در ... بیعت ... روایت ... بیعت ...
و ... چون ... وفات یافت ... حزن و اندوه بسیار ...
... چه حالت ... ابوبکر و عمر ...
... جماعتی بودند ... دست ... مسلمانان ...
... بیعت ... ابوبکر را چنانچه مردم دیگر بیعت کرده اند و
... بیعت ... ابن ... شد
... حضرت امیر المؤمنین ... آنحضرت مشغول ... رسول ...
... آنحضرت ... چنانچه ... الم
أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ
... بیعت ... باشم ...
... اکراه ... باشد که ... مهاجرین ...
... بر سر مسلمانان ... باشد که ...
... بیعت ... مردم ... شده است وَأَمَّا بَحْثُ هَشْتُم
... جناب ... ساختیم
... تشنیع و ملامت ...
طایفه ... صاحب ... حکم ...

الثالث

رسول است [illegible] و از جمله علما رجال شیعه است در کتاب رجال خود از حضرت
صادق نقل کرده که آنحضرت فرمود که من نمیشناسم از اصحاب رسول خدا
بعد از وفات آنحضرت مگر سه نفر یا چهار نفر پس کسیکه مقداد و حذیفه و سلمان و ابوذر
باشند و غیر ایشان از حضرت سوال کرد که از حال عمار آنحضرت فرمود که در
حال مایل از حق بود اما ثانیا رجوع نمود پس کسیکه [illegible] آنچیزیرا که از وی ظاهر شده
در شان جماعتی که در قرآن مجید بایشان شده [illegible] تجاره [illegible] کما قال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الایه و آیات که دلالت میکرد بر [illegible] صحابه [illegible] کرده
شده اگر حال چنین باشد که از این طایفه [illegible]
و [illegible] همین امور در هیچ جا نقل نشده [illegible]
بیست سال در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] بعد از [illegible]
[illegible] این جماعت [illegible] رسول خدا
[illegible] آنحضرت بعد از فوت او بیک روز [illegible]
باقی نمانده و تاویل نموده اند محکمات قرآن کریم را بآنچه احتمال عقلی ندارد و آنکه
میتوان گفت که اگر جماعت از جمله [illegible] بوده اند چرا [illegible] ممالک عظیمه
[illegible] مساکن [illegible] اقوام خود [illegible]

الکی [illegible]

[illegible] طایفه [illegible]
این طایفه را طاعت جهل و گمراهی [illegible] رسول [illegible]
[illegible] خدای تعالی فضل و [illegible]
حکم کند [illegible] قول خدای تعالی [illegible]
[illegible] آنچه گفتی [illegible] از اصحاب [illegible]
است [illegible] از مشاهیر اصحاب بوده
[illegible] در خدمت حضرت [illegible]
[illegible] پس [illegible] جواب ثانی [illegible]
[illegible] آیات [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible]
[illegible] بعد از وفات رسول [illegible]
[illegible] حضرت موسی در حیات آنحضرت
[illegible] بنی اسرائیل [illegible] اطاعت [illegible]
[illegible] حضرت موسی [illegible]
[illegible] حضرت موسی [illegible]
[illegible]

وحالت سعید با صلاح حال منزجا بود و دعا که تیمنا بمحمد [illegible]
[illegible] منتهی نماید در شان [illegible]
[illegible] نازل شده است و حسن [illegible] که از پیغمبر روایت شده که [illegible]
امم سابقه در بیان است حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة و قصت دلالت
[illegible] گذکر شد که این طایفه اشتغال بتحصیل سبل [illegible]
و اشتراک [illegible] شریعت خود [illegible] اشارت شریعت مصطفوی [illegible]
[illegible] بعضی از شعار اسلام باشند [illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] باشند **طایفه هفتم** صاحب [illegible]
[illegible] است که [illegible]
بعضی آیات قرآنی [illegible] چنانچه در سوره الم نشرح [illegible]
[illegible] از کلام [illegible]
[illegible] دلالت [illegible]
صاحب بصیرت [illegible] است که [illegible] این [illegible] است
[illegible]
[illegible] است [illegible]

[illegible] قرائت که [illegible] حضرت [illegible] است [illegible]
این قرآن که جامع [illegible] است موافق است و [illegible] این [illegible]
[illegible] و الم نشرح [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] این [illegible]
[illegible] آیات و سوره [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] است [illegible]
[illegible] چنانچه شیخ [illegible]
[illegible]
[illegible] بر خلاف [illegible] این قول [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد لیکن [illegible] خلاف است

بچه نقل میر و و حمد و ایت محکم تر و داستن استسقا و تجبی داد و نگه
طرایف محکم آنچه : ست که صاحب کتاب طرایف از صحاح اهل سنت
و جماعت نقل نموده و این کتاب چون در کتابخانهٔ صاحب نواقض
با عتراف خود بشش موجود است باید که مطالعه نموده حسد ذکر کریمه ما
نجکم آیه قلیلا و لیبکوا کثیرا بنماید **پسیم آنکه** آنچه از فروع اما نیقل
شده معارض است با اتفاق حنفیه در انکار سوره الم کیف و لایلاف
چه ایشان زبرهان قاطعند ما سیتم من بعد ما تبیّن له الهدی و لم یجد الی الهدی
طایفه هشتم صاحب نواقض میگوید که از جملهٔ عجایبات روافض آنست که
در معتبرات کتب این طایفه شخصی از توابع هشام و حول از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام نقل کرده است که روزی در خدمت آنحضرت بودم جیالدام
دو جامه در آنحضرت آورد گفت یا ابن رسول الله جان من بی فرماد
در مین استعمال بخلعت این دو جامه جبه و مرحلی پس بر عمر رضی الله خطاب کردم
و در جامه دیگر جبه و حریط لاالاّ ادامه کشیدم و اندشامیده ام و این دو جامه
هر که هر که جامه مبارک در ستر دو حق نزد آنحضرت رسید آنکس بسر رسید بودم
آن جامه که بر عمر علیه اللعنه تمام شده دارا حتی رسوا شده جامه دیگر من ابده
است این فرا بست که اهل سنت کرده و دیگر نقل است که بیشتر سید و حسه
بوده و مگر و سگر بیعت است و اگر در حساب صادق بی بوده به چیزی باب

ذکر

ذکر کنند اسم آن زن بی را که این حدیث را اعادهٔ کور است و عدم ذکر بعضه
و السنت بر تلبیس و افترا است **طایفه دهم** صاحب نواقض ذکر کرده است که
از جملهٔ عجایبات امامیه آنکه علامهٔ حلی در شرحی که بر تجرید نوشته است نقل نموده که
علما امامیه اختلاف نموده اند که غیر از نه معشر پیغمبر مرتکب اسلام آیا داخل جنت
و جمیع سعدا خلد اند یا نه و معتقد تعلیلی آنست که ممکن خواهند شد داخل
جنت و از این گفت نقل نموده که اوا در قولیه آنست که خروج ایشان ممکن
است و دخول جنت ممکن نیست بلکه مقرر این طایفه است **ایضا** صاحب
نواقض میگوید که شیخ شهید در مقاصد در کری ذکر نموده که سهو شکل خشماعه است
این بل که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که اگر کسی امری را که مشهود است
دو که اند جیری را که در است و یعنی میگوید که اگر میس که وصف است
آن وست است این که الجنة التی بها کوفی السماء و ما بعض تحت بطاعة
علیها شده و اکثر اهل اسلام را زنا میبین که محلّه ایرا و باشد لازم آید که اکثر مع
و حال دست و این مخالف نص حکمت جواب آنکه طبعی و تبع بصورت
لازم نیست که صفت جنت محصوص باشد است که صفت است در علیه اهل دخول باشد
و مشارکت امم سابقه با این طایفهٔ ناجیه باشد لکن از امم سابقه آن جماعتی که طریق
انقیاد و فرمان برداری نسبت به رسل خود رعایت نموده اند مشارکت خواهند
داشت در اسلام من اتبع الهدی **طایفه یازدهم** صاحب نواقض

میگوید که در حرامات قوی [illegible] منقول انکار کتب صحاح جسته است که نزد اهل سنت
در میان علما و مجتهدین و محدثین اهل اسلام و اکثر علما ذکر کرده‌اند که صحیح‌ترین کتب
کتاب [illegible] صحیح مسلم [illegible] و صحیح محمد بن اسمعیل بخاری است که متفق علیه‌اند
متفق علیه [illegible] صاحب علما که به حد مجتهدین است در کتاب خود آورده است
نموده که کلام است [illegible] متفق علیه صحیحین است و متفق علیه [illegible] حدیث
در کتاب آن حدیث است که صحابی مشهور به روایت آن از نبی روایت کند و دو
راوی دیگر از او روایت کنند که در ثقه و اعتماد ایشان [illegible] روایت کنند تا آخر شیخ
بخاری و مسلم بن حجاج از احد [illegible] روایت کنند و احادیث متفق علیه بشرط ایشان [illegible]
قریب به ده هزار میشود که معمول مجتهدین و علما کاملین است بدون تفتیش و تفحص
و جرح و تعدیل از روایت و توقف ایشان بر اسانید صحیحه این دو کتاب و از جمله
کرامات و دلیل صحت این دو کتاب [illegible] رسیده که هر مریض که به قصد استشفا
قرائت صحیحین نماید صحت می‌یابد و همین معنی دلیل صحیح است بر صحت صحیحین [illegible]
طایفه بسیاری [illegible] صحیحین [illegible] اهل سلام [illegible]
[illegible]
[illegible] که جامع آن [illegible] است [illegible]
محمد بن یعقوب کلینی است [illegible]
[illegible] و چهارم [illegible] است و منقول است [illegible]

[illegible]

از این طایفه که مسائلی که [illegible] مشکل آن را داشته مرقوم نموده‌اند و در [illegible] اشکال
در حقیقت [illegible] نموده‌اند و روزی دیگر که [illegible] جواب [illegible] مسئله
مرقوم [illegible] حضرت صاحب [illegible] این نوع [illegible]
[illegible] احکام [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] کتب [illegible]
فصل کلام آنکه معتقد این طایفه آنست که [illegible] کتب [illegible]
علما متاخرین ایشان صحیح [illegible] کتاب مشتمل است بر احادیث [illegible]
[illegible]
[illegible] صحیح [illegible] کتاب مشتمل است بر احادیث صحیحه [illegible]
[illegible]
و کمال حماقت اهل [illegible] در مقامات [illegible] احادیث [illegible] کتب صحاح [illegible]
از جمله [illegible] است [illegible] کتاب [illegible] صحاح از قبیل [illegible]
[illegible] مقبول است که از اهل سنت باشند [illegible]
[illegible] ایشانست [illegible] صحاح
[illegible] مشهور است [illegible]
[illegible] صحیح بخاری است [illegible]
[illegible] کتب [illegible]

غلات و عدم تمیز میان مذهب و خطا [illegible] که شارح کتاب [illegible]
[illegible] بجای دیگر نقل نموده که حدیث [illegible] است [illegible]
و باین قدر اکتفا کرده که در تشابه اصناف بنهایت [illegible] و این [illegible]
علمای زمان و اشیاء از ان غلات اخراج فرموده کسی را که اندک [illegible]
بیکی باشد و همین [illegible] ملاحظه [illegible] عصبیت [illegible]
[illegible] نظر شده [illegible] بیش کرده اظهر من الشمس است که [illegible]
از غلات و عاقبت و عدم قوت تمیز ایشان اعتماد و اشاره احادیث
موضوع [illegible] احادیث صحیح [illegible] گرفته [illegible]
[illegible] تسلیم میکنیم [illegible] صحت [illegible] شده [illegible]
[illegible] احادیث [illegible] علیهم [illegible] اظهر من الشمس است
[illegible] کتب [illegible]
صاحب بصیرت کامل اظهر من الشمس است که حقیقت احادیث او [illegible]
[illegible] است لکن [illegible] عصبیت و عناد [illegible]
[illegible] اصناف [illegible] آب [illegible] جهل و عناد گرفته لهذا [illegible]
[illegible]
[illegible] رضوان الله علیهم [illegible] و این [illegible]
[illegible] روایت مشهور است که کتاب محاسن که حال آن [illegible]

فلن

محمد بن خالد برقی است و دیگر [illegible] محمد بن [illegible]
[illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] عصبیت [illegible]
[illegible] مجسمه [illegible]
[illegible] صلوات الله علیهم اجمعین [illegible]
[illegible] قلب و عناد است [illegible] بزرگی [illegible]
[illegible] ظاهر [illegible]
آنچه ذکر [illegible] مشکلات مسائل [illegible] است
لکن نسبت [illegible] شیخ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رضوان الله علیهم [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] عصبیت و عناد
[illegible]
[illegible]
[illegible]

سر ... مطلب شیخ جلیل ... مرقوم نموده ... دکلا حضرت صاحب ...
داشته و در آنجا استفتاهای بسیار نموده و در جواب دستخط ایشان مرقوم نموده که
سندهای ... مطلب ... ملک جلیل ... داشت ... و ...
... است ... در ... که ... و ... بر ...
... که ... صاحب ... حضرت
صاحب حضرات ... علما ... منشأ آنکه حکم مذهب ...
اهل اسلام موجب حکم کتب حضرات است و حکم کتب گذاشت
اتفاق اهل اسلام ... کتب ... است ... مسلم
و روایت این احادیث ذاتست که جاهل ... ضعیف ... تمیز صحیح
امتیاز میان احادیث صحیح و ضعیف بلکه علما ... در بعضی کتب
... اقسام حدیث را صحیح و ... و ... مشهور و ضعیف ... ذکر کرده ...
... میان اقسام خمسه از کتب رجال معتبر نموده ... صاحب ...
در آخر کتاب تهذیب قاعده کلی ذکر نموده که بسیاری آن امتیاز میان اقسام
... میسر است ... میان اقسام خمسه ... میسر است ... میان
... نیست که ... حدیث ... ضعیف ...
... تصنیف ... علامه ... در ... مسائل
... ذکر ... احادیث ضعیفه ... تحسین ...

دیگران

در کتب خود ... کار ... که صحیح ... ملکه ... صحاح سته مشتمل است
بر احادیث ضعیف و صحیح با ضابطه که موجب امتیاز میان اقسام باشد ذکر
نیست و ... علمای اهل سنت است در بعضی تصانیف خود ...
... است ... صحیح ... صحیح بخاری مشتمل است ...
صحیح و ضعیف و این احادیث ضعیف قابلیت تأیید صحیح دارند طایفه
دوم ... صاحب ... که ... روافض که موجب
تعطیل احکام ... احادیث مصطفوی ... که ...
که حکم ... شریعت ... است ... نایب او ...
... نایب عام ... که ... خصوص ...
... نایب عام آنست که ... جهت ... حاصل ...
... نیست و ... علمای عصر خود ... تحصیل ... امام است
... احکام ... جایز نیست که ...
طایفه ... قول ... صحیح ...
... است ... اجماع است ...
... العاملی ... اجماع ... اجماع ... طایفه
... ذکر کرده ... طایفه ... تحقیق اجتهاد ...
... حدیث ... بیان حدیث صحیح

وصیف باشد در کتب رجال ایشان که مطول و معتبر است و تحقیق
ذکر مصنف الاحکام جمیع احوال و پس علم تحقیق و ذکر شرایط است در اجتهاد
تحقیق نحو بوده و شعار منسوخ چون موجب استفا منسوخ است اجتهاد
تتبع المحصول حواهر بر تسبب این جا بید وضع در هر طبقه ارباب
که فارس را و تصرف زبانی مبنیه در علوم حسنه مسلما بوده است
متشابهات سعی نمود و زحمات برتمیم الکراف در دیده نمود
سهولی کرد و قلت بدرست معتبر است که طریق [illegible] ایراد کی
با یک مجتهد و نزد اصحاب امامیه صور ایشان مذهب امام است پس
مطلق حکم بین امام نمود و لکن در عصر ما در خواهد آمد که در میان ایشان بر دو ما
مجتهد متعدد باشد اما هرگز تعارف نشده که بی لطف کرده باشد و دوری
حاصل شد اما آنچه ذکر کرده که مفتی امامیه آنست که مجتهد میباید اعلم اهل
زمان خود باشد بی محض افترا است چه در هیچ کتاب تحریر نموده که منسوب بود
در یک زمان غیر مجتهد که مساوی یا متفاوت باشند در مرتبه فضل منصف
باشند صحت معتبر موجود باشد و شیخ در جمهوریه ذکر کرده که طرق تحریر
احکام را تعصیل است اگر فقط مجتهد باشد اما اگر متعدد باشد با یک المجتهد
متعدد هر چه بواسطه باشد و اکثر شرط نموده اند که میباید مجتهد زنده باشد
و معتمد و مسلم که معتبر رجوع است که نموده باشد لکن آنچه مشروط است

درفهرست

در فهرست [illegible] وارد شده و بر وی تحقیق ننموده و قول امامیه که تحاق
بود دو اکرون بیست کا هست است و مقدم در مشایخ طاهر شده است از آنچه
از شیخ نقل نمودیم چه صریح است کلام او که این تحقیق علیه نیست لکن این مسئله از
جمله مسایل خلافیه است در نزد امامیه بلکه مختلف فیه علماء اصول اهل سنت است
چه خطیب رازی در مبحث اجتهاد کتاب محصول ذکر کرده و قاضی ارموی در تحصیل
و بیضاوی در منهاج نقل کرده اند و اشاره بخلاف نموده و عضد ایجی در مبحث
اجماع ذکر کرده و ملا سعد الدین نیز تصریح بخلاف نموده سیم آنکه ذکر کرده
که نیست در کتب رجال امامیه که دیده شده باشد الا قلیلی از رجال روات مسلم است
از نفی متعلق بروایت باشد چه آنچه متداول است میان اصحاب بصیرت و بینایی
کتب رجال بسیار است که از جمله خلاصه و کتاب ایضاح الاشتباه است که
مصنف این دو کتاب علامه حلی است رحمه الله و کتاب فهرست که از جمله
مصنفات شیخ ابو جعفر طوسی است تغمده الله بغفرانه و کتاب دیگر از مصنفات
وست و کتاب کشی و کتاب نجاشی و کتاب حسن بن داود و کتاب کشی
که دیده است بیدا که مطول است و مطول تعداد ذکر کتب رجال مختصر
حصر است و کشی لکن بسبب عموم من وجه است و احصار کتب رجال
غذا از جهت عدم ذکر رواست بل از جهت ذکر چیزی چند است که در کار نیست مثل ذکر
مرالبد و معاصرین ایشان و مثل مثال این امور در تصحیح حدیث مدخل ندارد

و آنچه مسلم است بتصحیح حدیث نقل کرده اند شان رجوع و معول علیه
مذکور است و در اصل صحیحت [illegible] شیعه نیست که کتب رجال اهل سنت
نقل ذهبی و [illegible] کتب [illegible] است [illegible]
بنهایت [illegible] کتب رجال [illegible] **چهارم در ذکر** [illegible] فارس
و خراسان و آذربایجان که خلاصه بلاد اسلام است از زمان حضرت آدم
علیه السلام تا حال محل علما و فضلا است [illegible] مشهور شده دعوی اجتهاد از آن
کسی [illegible] است [illegible] کلام [illegible]
اجتهاد [illegible] است [illegible]
[illegible] **مقصد سیزدهم** صاحب [illegible] از جمله
[illegible] که در مسائل شرعیه [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] در مقدمات صلوة [illegible]
شده [illegible] تسهیلات [illegible]
[illegible] طهارت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نجاست [illegible]

و از جهت این طایفه [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible] جنابت [illegible]
طاهر و مطهر میدانند [illegible] تیمم [illegible]
[illegible] خروج [illegible]
[illegible]
بدون عذر تجویز کرده اند و بعضی از علمای این طایفه این [illegible]
[illegible]
طایفه [illegible] است [illegible] واجب [illegible]
[illegible] شده [illegible]
مقدمه است [illegible] واجب [illegible] است [illegible] این طایفه
[illegible]
[illegible]
طایفه [illegible] اشهد ان لا اله الا الله [illegible]
[illegible] نجاست باشد [illegible]
[illegible] این طایفه [illegible]
[illegible] شرع [illegible] اصحاب [illegible] سنت

معون میسارد رسیبه ری شبیل بها سود دبه کرکس که دو منه مو کر حبس
رو نسعدین شما یز نا به جواب آن سلطنت لکن مجموع این مسهلات مکور رجوع
بیست الا دره سب شما و حتمه مدهب مکرر داد د و رسب
و ب کریم بجه طرق اول آنکه حکم طهارت تی و حرمت جراحت و جرک و دیم
در حمام است جماعت که حنفی بیر آبی نام است چه تاج کتاب ورید که جمله
الملا اهل سنت است حکم فرود که قیلی نی بجس است و مال یک هیچ فرق نیست
میان قیل و کثیر از ان جهت که نجس نباشد پس بطهارت قلیل ان کثیر موقوف است
نسبت کثیر موجب قلیل مسالیست در سوره شرعیه دیگر آنکه سایر کتب
و قایه حکم ور دیکر دم صریح مانس و صنوبیت و درسن ما به بکر رست که هرچه
العن یا صح نباشد حس نیست بین بین او متعدد مسالار می آید که دم حرمین نجس نیست
دوم آنکه حکم بطهارت منی و ودی معارض است با آنکه در حنیفه حکم بوده که
ان بس رطب و ست ابعد آن غیر نیست از غسل با یک نیاز بر نعاق
مود و ما بیدو یکی بی زحمه بکاست مجب آنکه تنقه این طریقه است
د ابل نیشو و نجاست کلی ست ما لیدن جنابچه قاضیخان که از علما حنفیه است
و تداوی جو و عمل مو وور که نجاست مکا ور جامه خشک شود عفو است و مدین دیگر
لیشو و از اهل دیگر ور احتیاج بغسل ور سیّم آنکه حکم بطهارت بول رما بیله
و ز جوانی که کالکول لحمها باشد مشترک است بین الفریقین چه ابو حنیفه نیز این قائلست چه

ثمیس و کالحمد حسن تبیانیست در کتاب بدیه ذکر کرده که بول سب و حرمت که
ذکر حرمت شده طاهر است و کحمد در کافی بر نقض نمو دو که طاهر است و بول ما کول لحم پاکست
و عجب است که ذکر در حرکی از تابعان ابو حنیفه است منقولست که بول بعض از حیوانات که
ماکول لحم است مثل کره بوده و مرتبس بر پاکست و بعضی مثل صعاد است که بول
حیوان ماکول لحم در نجاست مقرر است و جا ما صحیح نیست که در طهارت
اما بیه بول حیوان ماکول اللحم طاهر است و نزد ابو حنیفه و تابعین او طاهر و مطهر است
ملکه بحمد بن حسن مرتست که شرب بر حیوان ماکول لحم را حلال میداند که
ابو حنیفه باکل بول و طاهر است سیدا و غیر حیها ام آنکه طیب است و مجتهد در حنیفه
مذهب ما مید و رجه علی ابن عباس و حسن بصری بر نودی دو
بخلیت این از غایت جهل و عدم تتبع باحکام نماز و مقدمات او ذکر کرده و بجز آنکه
سافی مسسامانی ست به بن شخص در ورحایده ذکر کرده که آنچه کرده بود
اموریست که مخصوص است بانیکه از مقدمات صلوة باشد و از صاحب این مذهب
منقولست که علیه عالم حاد و نجیل او از مقدمات صلوة و داشته باشد که این حکم معاف
آنچه عالی منزوی داند فقها از بعد و طیب کل دو باد و خر گوش و موش ما و ماها
مرده اند نجس بود و متدا رمانی و نجس بصارحی است بخلیت علی حکم فعل و
شاه و حسین به حکم نجاست نمود و اند کلیم ما بیه مرتبه پنجم آنکه بچه دیگر
و و مذهب علما اما در بحر نجاست دعاوی الارحام نغیر و خبیه سیر مالیست

در متن وقایه این تصریح نموده اند و در صاحب جمعیت نمی ماند جمیع حسی که
طهارت مع الطهارت سنه بعلت [illegible] مثال این دلیل که [illegible] نیست
[illegible] در عدم نجاسات در این جز و جمیل مسایل ضروریه [illegible]
[illegible] عدم نجاست قاطبین [illegible] و ثانی است لکن [illegible]
علیهم در صورت قائلند بعدم نجس که [illegible] آب [illegible] شده اگر باشد
و [illegible] مثال این [illegible] مسایل [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] بین الطهر [illegible] مثال [illegible] در مسایل ضروریه [illegible]
[illegible] عدم [illegible] مسایل [illegible] است [illegible]
[illegible] که علما [illegible] باطن [illegible]
عین نجاست [illegible] طاهر است از جمله مسایل است که حنفی [illegible]
[illegible] کتاب وقایه تصریح نموده که خون جراحت [illegible] سیلان [illegible]
و جراحت عام است [illegible] جراحت [illegible] تصریح [illegible]
که [illegible] نجس نیست [illegible] است که خون [illegible]
عدم سیلان پاک است و موجب نجاست [illegible] میگویم که [illegible]
ذکر شده که علما قائلند بعدم وجوب شستن [illegible] موجب [illegible]
[illegible] غسل [illegible] مسح است [illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] باشد [illegible]

[illegible] و همچنین [illegible] آب مستعمل [illegible] باشد
و [illegible] مسح [illegible] غسل [illegible] مسح [illegible]
[illegible] مسح [illegible] صحیح
[illegible] فامسحوا برؤسکم [illegible] مسح [illegible]
در [illegible] مسح [illegible]
[illegible] علما [illegible]
[illegible] آب [illegible] در صورت [illegible]
[illegible] شرح وقایه [illegible]
در [illegible] آب [illegible]
[illegible] میگویم که آنچه ذکر کردی از علما امامیه رضوان الله علیهم [illegible]
بودن آب مستعمل [illegible] از جمله مسایل خلافیه است و اتفاقی نیست
[illegible] اتفاق [illegible] که [illegible]
[illegible] که آب جاری [illegible]
[illegible] نجاست [illegible] نجس [illegible] آب جاری [illegible] در کلام [illegible] صریح
نجاست [illegible] قوله تعالی انما المشرکون نجس [illegible] طاهر باشد و فرق
[illegible] قصد قربت موجب نجاست [illegible] قصد قربت
[illegible] آب مستعمل [illegible] پاک است [illegible]

دهم آنچه ذکر شد دیگر علما امامیه رضوان الله علیهم تجویز نموده‌اند که صاحب خالی از نیت که در صورت اضطرار است یا بعدم عذر و شق اول مشهور بین اصحاب
چه اول سبب وجوب مذکور نیست پس صورت تجویز است و شق ثانی متفرع است
چه علما امامیه هیچیک قایل باین نیستند با اینکه معارض است تجویز او وحیده [illegible]
[illegible] اول وقت [illegible] با اینکه [illegible] تحاشی نموده قایل
[illegible] شهادت [illegible] که صحیح مذکور [illegible] تیمم [illegible] ترتیب [illegible]
عرف [illegible] هیچیک [illegible] ترتیب میکویند یازدهم آنچه ذکر شد
که خروج نجاست [illegible] بول و غایط ناقض وضو نیست مسلم است [illegible]
[illegible] امامیه است [illegible]
[illegible] حق است [illegible] آنچه ذکر شد [illegible]
[illegible] بطلانست بجا [illegible] منقولست دوازدهم آنچه ذکر شد
دیگر علما امامیه رضوان الله علیهم تجویز تاخیر صلاة [illegible] وقت است [illegible]
پس چنانچه [illegible] اهل البیت علیهم السلام [illegible] شده [illegible]
وقت [illegible] است [illegible] اول وقت افضل است و معارض است آنچه
[illegible] مستحب است تاخیر [illegible]
[illegible] نجاست [illegible] ذکر شد که امامیه رضوان الله علیهم تجویز [illegible]
بر شهادتین و صلاة اند در تشهد معارض است با آنچه [illegible] چه [illegible]

حمد و سوره در صلاة قراة یک کلمه قرآن هرچند ترجمه آن بفارسی باشد تجویز است
[illegible] دو رکعت [illegible] حمد [illegible] صلاة [illegible] یک کلمه از قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible] سهل است [illegible] سلام صاحب
[illegible] لهذا [illegible] امام [illegible]
[illegible] چهاردهم آنچه ذکر شده [illegible]
[illegible] است [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] شده [illegible]
[illegible] پانزدهم [illegible] علما امامیه [illegible]
[illegible] حرام است [illegible]
[illegible] کراهت شدیده [illegible]
[illegible] شانزدهم [illegible]
[illegible] علیهم [illegible] است [illegible]
[illegible] حرام است [illegible]
[illegible] کراهت شدیده است [illegible]
[illegible] است که [illegible]

در وجه جواز مشابهت [illegible] جلال الدین [illegible]
این عمل سؤال نمود [illegible] مالک گفت [illegible]
نمود عبدالرحمن جامی در بهارستان [illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] شیخ [illegible] مالک [illegible]
گفت [illegible] مالک [illegible]
اباحت [illegible] شیخ عطار [illegible] اشاره [illegible]
[illegible]
چنین مالک [illegible] آنچه [illegible]
[illegible] احکام [illegible]
[illegible]
[illegible]
هفدهم یکی هم آنچه ذکر شده که جمیع [illegible] مخصوص [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مذهب ابی حنیفه [illegible] ابن همام که از متأخرین مذهب حنفی است [illegible]

در تسهیلات

در تسهیلات [illegible]
در اصل [illegible] این نوع از خرافات و تسهیلات [illegible]
[illegible] شافعی گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
حنبلی گفت [illegible]
[illegible] تمام = انتهی
چهاردهم صاحب [illegible] یکی دیگر از جمله خرافات [illegible]
[illegible] شیخ شهید [illegible]
[illegible]
[illegible] ضلالت و شقاوت [illegible]
[illegible] اگر کسی انکار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام است [illegible]
[illegible]

تما

[illegible] معاد و ست که [illegible] و [illegible] دوست [illegible] شیخ
[illegible] است و صفای باطن نیست بی حاصل میشود و چون [illegible] که مبین [illegible]
[illegible] حاظر نیست [illegible] مصالح [illegible] موقت [illegible]
[illegible] و وصول بعض مرتبه [illegible] ممکن نیست [illegible]
[illegible] مرتبه عالیه و صفای باطن [illegible] حاصل [illegible] جنابت [illegible]
اولیا متواتر است [illegible] باشد که در عقوبات مذکور شود [illegible]
جواب میگوییم که نسبت انکار اهل حال شیخ [illegible] ناشی از قلت تدبر
فهم مرام است چه شیخ جلیل [illegible] در کتاب [illegible]
[illegible] است [illegible] نسبت [illegible] استحقاق نداشته باشد و [illegible]
[illegible] گروه که همچنین حرام است تصفیه نفس و مراد از تزکیه نفس است [illegible]
[illegible] که [illegible] نفس [illegible] از عیوب و [illegible] تزکیه نفس [illegible]
[illegible] تصوف است و این [illegible] از کمال تعصب و عناد و تبدیل [illegible] نفس [illegible]
[illegible] است [illegible] و [illegible]
و [illegible] من العلم [illegible] انکار تصوف [illegible]
[illegible] کتب کلامیه مسطور است که [illegible]
[illegible] شمرده اند [illegible] صوفیه در باب [illegible]
[illegible] کتاب کشف [illegible] انکار

[illegible] روحانی [illegible] صوفیه [illegible] عارف چون [illegible] کامل [illegible] واجب [illegible]
متحد میشود [illegible] حکم کرده [illegible] واجب الوجود [illegible] است [illegible]
[illegible] است این سخن [illegible] کفر و الحاد است **تعالی عما یقول الظالمون**
علوا کبیرا و [illegible] از [illegible] حکم [illegible] تحریم [illegible]
[illegible] که [illegible] حکم [illegible] غزالی [illegible] تصوف [illegible]
[illegible] در کتاب جامع الاسرار و شرح فصوص [illegible] در رساله
[illegible] شیخ کامل [illegible] الدین [illegible] در شرح کتاب شیخ [illegible]
[illegible] در رساله [illegible] و در رساله [illegible] شیخ [illegible]
تکذیب آنچه از انکار صوفیه با ایشان نسبت داده اند اما آنچه ذکر کردی که [illegible]
[illegible] از اصحاب [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] بیان [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] جماعت [illegible]
[illegible] اعتقاد [illegible] ذکر [illegible]
ایشان [illegible] مذکور است [illegible]
جواب [illegible] [illegible] طایفه [illegible] ذکر [illegible]
[illegible] مستحکمات [illegible] باب [illegible] میدانند
[illegible] باب [illegible] صوفیه [illegible] چنانچه مذکور شد سلسله [illegible]

بحضرت [illegible] اینها [illegible] احداث نمود [illegible]

پانزدهم صاحب نواقض میگوید که از خرافات روافض [illegible]

[illegible] عال [illegible] مخلوق است [illegible]

[illegible] از جهت [illegible] و جلسه [illegible] سجده [illegible] روافض [illegible]

و هر [illegible] سجده [illegible] میکردند [illegible]

[illegible] سجده مخلوق [illegible]

[illegible] است [illegible] میگویم که سجده [illegible] تعظیم نیست [illegible]

[illegible] در شرایع سابقه [illegible] که مامور شدند بسجده آدم [illegible]

و [illegible] یوسف [illegible] و از این جهت [illegible]

[illegible] حکم [illegible] نسخ [illegible] نیست [illegible] حکم

[illegible] میگویم که سجده [illegible]

[illegible] تعظیم نیست [illegible] شکر [illegible]

حاصل میشد [illegible] ایشان [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] عثمان [illegible]

شک نیست که موجب مسرت میشود و سجده شکر در حین حصول مسرت [illegible]

و [illegible] است محصل کلام آنکه [illegible] سجده [illegible]

[illegible] تعظیم [illegible]

[illegible] بحث [illegible]

[illegible] میکرد که چون [illegible] بست [illegible]

[illegible] باشد [illegible] صاحب نواقض [illegible]

[illegible] سجده [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] آنچه [illegible] که موجب [illegible]

[illegible] امیرالمؤمنین علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت امیر علیه السلام [illegible] ایشان [illegible] طائفه

[illegible] صاحب [illegible] خرافات [illegible]

[illegible]

[illegible] اعتباری [illegible]

[illegible] علما [illegible] استحباب [illegible] تعظیم [illegible]

[illegible] علیهم السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بسبب [illegible]

[illegible]

[illegible] بسبب [illegible] اولاد [illegible]

[illegible] صورت [illegible]

[illegible]

محض موهبت [illegible] دلیل [illegible] از لطایف مشهور است که این امر در یکی از طوایف

اهل سنت واقع شد گفت اگر این حق باشد رافضیان از کجا حاصل شده اند

و از جمله اشیایی که مشاهده است [illegible] باشد است نسبت اهل سنت

[illegible] و متشابهات [illegible] صاحب بصیرت کامل پوشیده نیست که ترجیح [illegible]

از جمله [illegible] شهوت و [illegible] نفس است و همچنین از جمله [illegible]

[illegible] و [illegible] مرتب [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible]

[illegible] که [illegible] صحیح و تمام [illegible]

[illegible] امام [illegible] زمان غیبت [illegible] مدت [illegible] تمام

[illegible] که [illegible] حاصل شده باشد صحیح [illegible]

[illegible] این طایفه [illegible] [illegible] [illegible] مضمون [illegible]

صاحب مرقوم نموده که مالک امام است [illegible] مالست و همچنین این

[illegible] روایت [illegible] نقل نموده صاحب بصیرت کامل پوشیده نیست که

کسی که [illegible] اعتقاد [illegible] [illegible] این قول [illegible]

میشود چه [illegible] [illegible] تجویز [illegible] که [illegible]

[illegible] و تجویز [illegible] این قول موجب [illegible] که آنچه صفت کمال ائمه علیهم السلام باشد

این [illegible] از جناب ایشان نفی نمایند [illegible] آنست که سلب [illegible]

صدق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

این طایفه [illegible] که [illegible] [illegible] خود [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] یک [illegible] و [illegible] شود [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] این طایفه [illegible] ایشان [illegible]

علما [illegible] [illegible] [illegible] نسبت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] گفت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صاحب

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] تخصیص اهل بیت [illegible]
و آنگاه این [illegible] کرده [illegible]
[illegible] نکاح [illegible]
لازم نمیشود هرچند که آن عقد باطلست و هرگاه که کسی [illegible] خود [illegible]
ولی که [illegible] و همچنین [illegible] واجب [illegible] و مالک [illegible]
خود را جایز [illegible] و شافعی نیز تزویج دختر خود [illegible] حاصل شده باشد [illegible]
و نیز اگر کسی خواهر یا خواهرزاده خود را مالک شده [illegible] ولی باید شافعی و ابوحنیفه
[illegible] واجب [illegible] محمد بن الحسن [illegible] است [illegible] که کسی
[illegible]
[illegible] زوجیت [illegible] شهادت
[illegible] حلال میشود هرچند که [illegible]
[illegible] حرام [illegible] محمد بن شجاع [illegible] محمد بن الحسن است
[illegible]
[illegible] ابوحنیفه نیز میگوید که هرگاه زوج [illegible] شهادت
[illegible] داشته شوهری کند [illegible]
[illegible]
[illegible] میگوید که هرگاه [illegible]

[illegible]

[illegible] دختر [illegible] دختر و پسر [illegible]
[illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] نکاح از خصایص اصحاب [illegible] نیست بلکه [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] میگوید که هرگاه [illegible] است
[illegible]
[illegible] نکاح [illegible]
[illegible] شرط [illegible]
[illegible] ابوحنیفه [illegible] جایز نیست [illegible]
[illegible] نکاح [illegible]
[illegible] نکاح [illegible]
نکاح [illegible] فضیلت باشد [illegible] ابوحنیفه [illegible]
[illegible] فضیلت [illegible]
[illegible] [illegible] ابی حنیفه است [illegible]
[illegible] تزویج [illegible]
[illegible] نکاح [illegible]
[illegible] تزویج [illegible]

[illegible]

واجب [illegible] اسماعیل [illegible] و اما آنکه صحیح
است در عقد [illegible] است [illegible] اگر باکره باشد [illegible] و اگر ثیب
[illegible] است [illegible] از قرآن [illegible] چند [illegible]
حتی تنکح زوجا غیره که فاعل نکاح زن [illegible] و رضای او [illegible] است
[illegible]
[illegible] است [illegible]
آیات بسیار است و از جمله دلایل نیز حدیث ابن عباس است که [illegible] نقل کرده
بحضرت [illegible] که لیس للولی مع الثیب امر [illegible]
و استدلال [illegible] از آیات [illegible] واجب [illegible]
[illegible] باعتبار [illegible]
خصوصا [illegible] باعتبار [illegible]
[illegible]
[illegible] دلالت [illegible]
ایمان [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] اشکال است [illegible] خودش [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] است با آنکه [illegible]
[illegible] بسیار است با آنکه خود اعتراف کرده [illegible]
و حکایتی که در این مقام نقل کرده [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب لطائف از قول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] است [illegible]

[illegible] آنکه [illegible]

[illegible] ملک [illegible]

[illegible] است که [illegible] ملک [illegible] است [illegible]

[illegible] حاصل [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible] بیان [illegible]

[illegible] آنست که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اصل [illegible] است [illegible]

[illegible] مذهب [illegible] است [illegible]

[illegible] این مسئله [illegible] است [illegible]

[illegible] طلاق [illegible] ایشان آن [illegible]

[illegible] طلاق [illegible]

[illegible]

[illegible] این طلاق [illegible]

[illegible] و همچنین [illegible]

[illegible] این [illegible] است که [illegible]

[illegible]

[illegible] است که این مسئله [illegible]

[illegible] مذهب ابی حنیفه [illegible] است [illegible]

[illegible] موجب [illegible] هرچند که آن [illegible]

[illegible] باشد [illegible] هرچند [illegible] باشد [illegible] صاحب

[illegible] زوج [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] زوج [illegible]

سبب [illegible] بدان [illegible] حاصل شود
و این نهایت [illegible] هفتاد و دوم صاحب [illegible]
میکند [illegible] قول شیخ ابو جعفر طوسی است [illegible]
بآنکه ثواب زیارت امام حسین [illegible] برابر با ثواب صد هزار حج [illegible]
[illegible]
[illegible] این طایفه [illegible]
و مطلب [illegible] تحقیق [illegible] است [illegible]
[illegible] این طایفه [illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
این چون منافی کلام [illegible] دلالت میکند بر بغض و عداوت با اهل بیت حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله [illegible] حدیث لا یحبنا مخنث [illegible] ولد زنا
[illegible] مشتمل است [illegible]
میشود [illegible] ایمان [illegible]
[illegible] اگر مراد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] عدم [illegible] واجب است [illegible]
و اگر مراد عدم [illegible]

بطلایه

سلطان [illegible] اولی [illegible] باشد [illegible]
صاحب [illegible] علیه [illegible] از جمله [illegible] این طایفه قول [illegible] است
جمعه و جماعات است چنانکه علی بن عبد العالی در [illegible] دعوی اجماع
[illegible] بر تحریم نماز جمعه کرده [illegible] امام [illegible]
در باب نماز [illegible] علی [illegible]
[illegible] جمعه [illegible]
[illegible] نماز [illegible] علی بن عبد العال [illegible]
[illegible] آیت [illegible]
[illegible] این طایفه [illegible]
این آیت [illegible] نازل شده و نهایت [illegible] است [illegible]
قول [illegible] با وجود آنکه [illegible] علی بن عبد العال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آیه [illegible] علی [illegible]
[illegible] با وجود استقلال [illegible] نماز جمعه حرام [illegible]
چهارم [illegible] بمذهب [illegible] که تمام [illegible] اجماع [illegible] نماز جمعه
حرام [illegible] است [illegible]

[illegible] کسی که عدالت [illegible] معتقد [illegible] جایز نیست چون
[illegible] هست [illegible] پیدا شده [illegible]
[illegible] نیست [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] دولت اهل سنت و جماعت
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] این طایفه کثیر العدد [illegible]
صاحب [illegible] در رساله [illegible]
[illegible] امام علیه السلام [illegible]
[illegible] الشریعه
[illegible] شیخ علی [illegible]
[illegible] شده [illegible] این است قول
شیخ زین الدین [illegible] در این مسئله [illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible] مطلقه [illegible]
[illegible] است [illegible]

[illegible]

و آن [illegible] امام عادل [illegible] مستحب [illegible]
[illegible] زمان غیبت [illegible]
[illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تعالی [illegible] واجب کرده [illegible]
[illegible] زمان غیبت
[illegible] امام [illegible]
[illegible] آن [illegible]
[illegible]
[illegible] تعالی [illegible]
[illegible] حدیث [illegible] اشتراط [illegible] امام
عادل [illegible] در زمان غیبت [illegible]
نسبت تالیف [illegible] شیخ علی [illegible] است [illegible]
[illegible] حکم [illegible]
این باب تالیف [illegible] شیخ زین الدین [illegible]
[illegible] شیخ علی [illegible]
[illegible] شیخ زین الدین [illegible]
شیخ علی [illegible] شیخ زین الدین [illegible]

این حرام خدا و بطلان است چراکه در آنکه با دست مردم جهت این امر اصلاح
نشود و امامت آن بیکسه و اگر مراد آنست که جز در نیابت او [illegible]
گوییم این هیچ نیست چراکه شیخ زین‌الدین و اهل [illegible] اهل اجتهاد
واجب نیست بلکه اگر دیگر مجتهد نشد عمل باجتهاد خود و اگر مقلد مجتهد دیگر است
عمل بقول آن مجتهد بر خود و اما ثبت قول شیخ زین‌الدین واجب [illegible]
نزد او بوده و اما استشهاد از آیهٔ کریمه بر وجوب در زمان غیبت هیچ ممکن نیست
چراکه اکثر محققین اصولیین دانند که خطاب یا ایها الذین آمنوا و یا ایها الناس که
در قرآن واقع شده مخاطب بآن نیست مگر حاضران اهل عصر پیغمبر چراکه خطاب
شفاهی است [illegible] وجوب در زمان [illegible] باجماع ثابت یا [illegible] آیه
زمان غیبت چون نه اجماع و نه آیه هیچیک دلالت بر وجوب نمی‌دارد و با آنکه
اصل عدم وجوب است پس قول بوجوب ضعیف است و آنچه
بشیخ علی بن عبدالعالی [illegible] نسبت داده چنانکه مذکور شد
[illegible] است و [illegible] صاحب [illegible]
نسبت [illegible]
و استبعادی که در تحریم [illegible] مذکور شد
[illegible] حرمت [illegible] از عبادات که نماز جمعه باشد [illegible]
[illegible] است [illegible] گوییم [illegible] است [illegible]

۱۲۳

شرع از حرمت [illegible] ترک شده [illegible] رکعت [illegible] واجب
باشد و اشتراط شرط مذکور و اشتراط حضور چهل کس [illegible]
مستند مذهب ابی حنیفه [illegible] حاکم [illegible] چنانچه قاضی [illegible] در کتاب احکام
سلطانیه تصریح [illegible] است [illegible]
[illegible]
صاحب [illegible]
[illegible] است [illegible]
تنبیه [illegible] در مطلب [illegible] شرح [illegible] الاحکام [illegible]
[illegible] حلال [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] امام [illegible] نماز جمعه [illegible]
[illegible]
[illegible] نکاح [illegible] حلال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تصدیق [illegible] آیه [illegible]

تخصیص [illegible] که درین مناقضه است که [illegible] [illegible] خود کرده و [illegible]
[illegible] بسبب حماقت [illegible] کتاب طرایف [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] چه [illegible] [illegible] این مقالات مشتمل است
[illegible] تامل [illegible] اغماض [illegible] [illegible] آنجا [illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible] شنیده [illegible] میگفت که ایشان [illegible]
جماعات حاضر میشوند [illegible] اگر صاحب [illegible] [illegible]
ایشان [illegible] [illegible] که ایشان از خدا و رسول [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] اعتقاد [illegible] ملاحظه [illegible] اسلاف خود
[illegible] [illegible] روایت [illegible] روایت میکنند [illegible] کتب صحاح خود
[illegible] ایشان روایت میکنند [illegible] شود [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
البته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حق [illegible] کتاب [illegible] و لا ترکنوا الی الذین
ظلموا فتمسکم النار [illegible] [illegible] عذاب [illegible]
[illegible] اعتماد کردن بر کسی که [illegible] باشد نهایت میل است بجانب او [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] وجوب نماز جمعه و فضیلت آن روایت کرده [illegible] اهل سنت [illegible]
[illegible] روایت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ترک نماز جمعه و ترک جماعت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ترک نماز جمعه و جماعت
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] بعضی اوقات [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
نماز میکرد [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ترک مسجد [illegible] [illegible]

[illegible] نماز جمعه [illegible] و همین حیثیت ترک کردن مالک نماز جمعه و جماعت را
نقل نموده در کتاب احیاء العلوم در کتاب اسرار الصلوة در باب اول [illegible] از جمله [illegible]
دیگر آنست که [illegible] در کتاب مذکور در همین باب نقل نموده که سعید بن [illegible]
بن [illegible] در [illegible] که [illegible] از [illegible] جماعت [illegible]
جمعه و جماعت [illegible] خود [illegible] با مشکل [illegible] از [illegible] شیعه [illegible]
کرده [illegible] که امام [illegible] است [illegible]
[illegible] و از جمله [illegible] آنست که [illegible] در کتاب [illegible]
در باب [illegible] نقل نموده که [illegible] احمد بن حنبل [illegible]
[illegible] نماز [illegible] جواب [illegible] حسن [illegible]
[illegible] مسجدی [illegible] مشکل [illegible]
[illegible] محمد بن [illegible] اعتراض [illegible]
و [illegible] آنست که قاضی جهان [illegible] در کتاب [illegible] روایت کرده
[illegible] در مسجد در وقت خطبه [illegible]
[illegible] در وقت خطبه [illegible] جائز نیست [illegible] در جواب [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] که [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] حنفیه [illegible] دو [illegible] جواب [illegible]
[illegible] نبستند [illegible] است [illegible] دیگر [illegible]
جهة تقیه [illegible] نماز [illegible] ست [illegible]
سنت [illegible] تقیه را انکار میکنند [illegible] امام [illegible] در اعتقاد
[illegible] صاحب [illegible] که [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] است [illegible]
[illegible] است که [illegible] که [illegible] دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible] حضور [illegible]
[illegible] خراسان [illegible] که [illegible]
[illegible] است [illegible] غریب [illegible] است که [illegible]
ایشان روایت کرده‌اند که علامت قبله فلان موضع فلان است و از فلان موضع
فلان [illegible] حاصل است [illegible] کلام [illegible] که [illegible] قبله [illegible]
مختلف باشند در طول و عرض و بعات بسیار [illegible] که [illegible]
[illegible] روایت ایشان [illegible] باید که قبله [illegible] یکی باشد و هیچ [illegible]
[illegible] در طول و عرض [illegible] بسیار است [illegible]

مسعود و که قصبه هند است طول آن صد و پنج درجه است و عرض آن سی و هفت درجه
و چهل دقیقه جزیره سرندیب که از جمله جزایر هند است طول آن صد و سی درجه است
و عرض آن [illegible] بطریقی که در زیج جدید مذکور است یکصد و [illegible]
بیان نصیرالدین طوسی در رصد در آورده و پس با تعادل طول و عرض این دو بلد بیش
از دو درجه تفاوت است و همین تقاضا میکند که میان سمت قبله مسعود و قبله
سرندیب اندکی بسیار باشد و اگر کسی اعتراض کند که اختلاف طول و عرض بقول اهل
هیئت ثابت میشود و ذکر کرده اند از تجربیات معتبر نیست جواب گوییم
این سخن منافیست در بیان است زیرا که ما را علم قطعی حاصل است به آنکه در بیان
بلادی که در اول هند است از جانب مشرق و شمال و بلادی که در آخر هند است
در جانب مغرب و جنوب اختلاف بسیار حاصل است بی آنکه تحقیق [illegible]
زیج [illegible] از جمله غرایب است که در نص تمام فرق شیعه اتفاق [illegible] محراب
معصوم اجتهاد جایز نیست و محراب مسجد کوفه [illegible] است و تغییر آن
را [illegible] در زمان معصوم [illegible] محراب هرگاه روی بقبله [illegible]
در پس [illegible] است [illegible] و بحال [illegible] نیست [illegible]
جهل منزل [illegible] تمام [illegible] نقطه مشرق [illegible] بیان مشرق و شمال [illegible]
[illegible] که سمت قبله طوس بسیار بجانب مغرب مایل است از سمت قبله کوفه با آنکه [illegible]
عبدالعالی [illegible] قبله طوس [illegible] حقیقی [illegible] تغییر داده [illegible] نسبت بقبله

[illegible]

مسجد کوفه منزل شد پس تو ملاحظه کن این تفاوت را و ببین که این مرد چه مقدار
از علوم ریاضی بیگانه بوده که مشغول شده [illegible] اکثر علوم [illegible] است
و [illegible] ثابت جهل او [illegible] سلطان [illegible]
شک نیست در اینکه تو نیز [illegible] خواهی شد **اقول** یعنی میگویم [illegible]
در بیان طول و عرض بلاد [illegible] این حال که تمام این کلمات [illegible]
مصنفات بعضی از متأخرین اصحاب [illegible] و بعضی کلام مصنف [illegible]
[illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] در خراسان مختلف است
و حکم صحت جمیع ممکن نیست و بعضی [illegible] ترجیح [illegible]
حضرت امام [illegible] امام رضا علیه السلام در خراسان [illegible]
[illegible] حضرت امام محمد تقی علیه السلام [illegible]
آنحضرت [illegible] غیر معصوم [illegible] اعتماد [illegible]
[illegible]
[illegible] کلام مجید [illegible] شریعت [illegible]
[illegible] قبله [illegible]
[illegible]
[illegible]

یا نجد که از طرف عراق مراد است و دیگر از برای بعضی بلاد و جهات بحسب اعتبار راه
با آنکه حال آن تخلف است در وقت طلوع و غایت ارتفاع و غروب و جهت
زیاح بعضی مواضع وزیدن بادها از قبیل صبا و شمال و جنوب و دبور نیز اعتبار
کرده اند با آنکه مواضع آن مختلف میشود و قبور و محاریب بلاد مسلمانان اعتبار
کرده اند با آنکه بسیاری از بلاد و در قبر و محراب مخالف بلاد دیگر است هرچند
در یک سمت باشند خصوصا در بلاد حنفیه که ایشان مابین مشرق و مغرب را قبله میدانند
بلکه نزدیک است که در مسجد الحرام یک صف در روز در مقابل کعبه میایستند چنانکه
دو طرف صف زیاده است نماز در که درون زمره را صحیح میدانند با آنکه
قطعا متوجه قبله نیستند و این مسئله مادام فخر رازی در تفسیر کبیر نقل نموده و در فصل حنفیه
در شرح مختصر وقایه نقل نموده که حنفیه اختلاف کرده اند در قبله پس از عبدالله بن مبارک
منقولست که میگوید که اهل کوفه در وقت استقبال جدی را در پس سر خود میگذارند
و ما جدی را بر دوش راست میگذاریم و بعضی دیگر از مشایخ ایشان گفته اند که هرگاه بنات
نعش کوچک را بر گوش راست بگیری و اندک میلی بجانب شمال کنی پس او قبله است
و از عبدالله بن مبارک و ابن مطیع و ابی معاذ منقولست که ایشان گفته اند که قبله ما اهل
مرو مسیکه مغرب است تا جدی که غروب میکند و جهت نقل میکنند و دیگر ...
که گفته میگوید که معنی ماه که قبله مختلف میشود باختلاف فقها و ایمه مجتهدین که ...
بیان کرده و از صحیح نیست که سمت معینی باشد در قبله تحقیق میشود دیگر ... مسجد

وحساب طرفی که معلوم میشود و دوری که از جهت ... جایز است مراد
ایشان جهت او از جنوب باشد و مراد ... اول آن باشد که از معظم معموره واقعه
در آن مسکن ساخته و متوجه آن میشود یعنی آنست که اکثر علما هیئت سلک ... از اعتبار
بیرون کرده اند در بسیاری از احکام آن علم و گفته اند فلان حکم در معظم معموره معتبر است
و بحث چهارم آنست که اگر ما تسلیم کنیم که صاحب ... از اهل معرفت بر ...
بوده باشد میگوییم که بودن ... در نظر بهیئتی که چنان ... که در ...
... که قبله ... با وجود آنکه ... طول و عرض که ...
طرف شخص ... مقدار است و موجب مخالفت سمت قبله ...
با آنکه مرد خود معترف است با آنکه معرفت طول و عرض بلاد مبنی بر معرفت رصدات که اعتبار
... تفاوت طول و عرض بلاد در درجات ... مگر کسی که ... علم هیئت
... میگوید ... باشد به ... که حکیم ... در مثل که ... و ...
از معرفت آن در روزی پنج مرتبه ... که ... علم ماهر باشد متوجه شده است
و ... تکلیف معرفت قبله تکلیف ... باشد و بر شارع حکیم ممتنع باشد
... که آنچه نقل کرده شیخ علی عبدالعالی تبریزی ... طوسی در این قول ... اعتراض
بر اجتهاد کرده در مسجد جامع مشهد مقدس نماز کرد و قبله مسجد ...
میل بجانب دست راست نموده ... که ناقص میگوید که از سمت محراب کوفه
بجانب مشرق میل بود ... شیخ علی در علوم ریاضی ... در هیئت و هندسه

مشهور است اما اگر کسی در این عصر تواند نمود حصر مسائل کسی مثل قضیه باشد و دو باب [illegible]
و در علم عروض از کتاب تحریر اقلیدس با حکیم علامه مولانا شمس الدین محمد خفری [illegible]
تعلیم که مهارت او در این علوم زیاده از آن مشهور است [illegible]
صاحب نواقض گوید که از جمله اغلاط روافض آنست که میگویند که پادشاه حقیقی صاحب
مر امام معصوم است و احکام الهی مخصوص او است و دیگری را جایز نیست که [illegible]
میان مردم کند و حدود الهی و تعزیرات اقامت نماید و دیگری [illegible]
[illegible] و مردود باشد و اگر کسی بر ایشان اعتراض کند که مردم کجا بیابند امام معصوم را
گویند در جواب که ناچار است از وجود امام معصوم همیشه زیرا که وجود او لطف است
و لطف بر خدا واجب است [illegible] تعالی [illegible]
قرب او با طاعت و دوری او از معصیت شود و اگر دیگر کسی اعتراض کند بر ایشان که
این معصوم در این عصر کجاست در جواب گویند که از خوف [illegible] غایب است
و اگر اعتراض کنند دیگر بر ایشان که رعیت در این زمان در باب [illegible]
چه کار کنند جواب گویند که [illegible] مجتهد جامع الشرایط جایز است [illegible]
[illegible] معصوم [illegible] و اگر [illegible] دیگر اعتراض کسی کند که اگر مجتهد [illegible]
[illegible] و چه کند ایشان در جواب عاجز میشوند و [illegible]
بعضی میگویند جایز است که [illegible] باشد از مجتهد [illegible]
[illegible] لطف است [illegible]

موافق شرع تمامت شود و اگر نیست کسی که حاکم شرع باشد کافی باشد در تحقیق [illegible]
آنکه [illegible] صحیح [illegible] مجتهد [illegible] میگویند [illegible] وجود [illegible]
[illegible] این کلام [illegible] میان علما و در کتب کلامیه [illegible] ایشان در این باب
[illegible] جواب [illegible] ساکت [illegible]
[illegible] بعضی دیگر میگویند که [illegible]
[illegible] مجتهد [illegible] است که [illegible]
اما کسی مرتکب امر قضا و حکومت نتواند شد و احکام الهی [illegible]
و اگر کسی در این حال مرتکب قضا شود ملعون باشد [illegible]
[illegible] و بعضی دیگر میگویند که در چنین حالی جایز است که [illegible]
[illegible]
[illegible] احکام [illegible]
[illegible]
[illegible] و اگر [illegible]
[illegible]
[illegible] امام [illegible]
و اگر [illegible] مجتهد [illegible]
[illegible]

احکام شرع میکند و استحقاق ذم او فاسق است و تمام [illegible] جایز نیست [illegible]
واجب [illegible] جهت [illegible] سبب انکار [illegible]
در علم علما است پس [illegible] انکار [illegible] نهایت تعظیم [illegible]
[illegible] این حال [illegible]
که جهت [illegible] اگر [illegible] شیطان [illegible] **قوله** بیشتر این فصل [illegible]
[illegible] ترجیح [illegible] اصحاب [illegible] تعطیل احکام [illegible]
بر جواب اعتراضی که مخصوص این فصل است و میگوییم اینجا چند بحث است
اول آنکه میگفت که اگر در زمانی مجتهد نباشد و [illegible] از جواب [illegible]
[illegible] پریشان [illegible] جواب آنست که این اعتراض [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مجتهد [illegible]

بحث

[illegible] در این مسئله
عدم جواز عمل بقول میت مقلد او شده پس علاج این مقلد آنست که آن مجتهد میت
[illegible] این قول [illegible] و در باقی مسائل [illegible]
تقلید [illegible]
در حکم [illegible]
[illegible] مجتهدی نباشد [illegible] واجبست بر مکلف که [illegible] احوط و اولی [illegible]
میان علما و اکثر [illegible] فتاوی ایشان [illegible] اطلاع بر فتاوی ایشان
از کتب فقهیه تا وقتی که مجتهدی بهم رسد یا حضرت صاحب الامر علیه السلام
ظهور کند اما کسی که [illegible] سبب [illegible] فتاوی [illegible]
[illegible] پس بر ایشان متعین است که تقلید
یکی از مجتهدین [illegible] و جانب احتیاط از دست [illegible]
[illegible] در حاشیه شرایع فرموده که اگر [illegible] داشته باشد [illegible]
اما کسی که در اول عمر قدرت داشت بر تحصیل فقه و نکرد و بعد از عجز از تحصیل
مجتهد [illegible] تقلید او کند این قول از صواب دور [illegible]
و حال آنکه باعث فقدان مجتهد [illegible] حیرت مردم نیست که [illegible] از تحصیل
[illegible] از جهت اصلاح دین و تحصیل [illegible]
[illegible] اگر در عصر مجتهدی نماند و مردم [illegible]

مسئله دوره

و حکمت را از نظر در بیان [illegible] و هر گاه که [illegible] مکلفین
عبادت [illegible] مستحق ثواب اند و مستوجب سلطان [illegible] باشند
[illegible] حکمت [illegible] بعضی
در زمان غیبت امام [illegible] آنست
و حق [illegible] اصح ست زیرا که آنچه [illegible] و اصحاب [illegible]
و ارکان دولت ایشان و لشکریان ایشان [illegible] اکثر احکام
شرعیه [illegible] که اجرا آن کنند بر وفق شرع
[illegible] مجتهد [illegible] قاضی [illegible]
اما [illegible] که احکام شرع [illegible]
[illegible] زیرا [illegible]
حاکم [illegible] عادل [illegible]
[illegible]
و معاملات شرعیه [illegible] عادل نیست و دین [illegible]
[illegible]
[illegible] مستحق عقوبت باشند [illegible]
[illegible] و جهت [illegible]
[illegible] عقوبت [illegible]

[illegible] عقوبت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و قیاس [illegible]
[illegible] مرحوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
مخالفت [illegible] اهل بیت [illegible]
حضرت امام حسین علیه السلام [illegible]
مستحق [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] مستحق [illegible]
[illegible]

و فقها پرست [illegible] و غرض [illegible] و ساده [illegible] جهت [illegible]

و الهیهم کم کردن [illegible] میکنم که [illegible] قطع [illegible]

معهود [illegible] حکامی باشد که معطل شده تا ظهور صاحب الامر

علیه السلام و نیز حقوق ولاد و در اموال و فروع جزئیه منتشر است [illegible] اختلال با صول

دین و احوال شرع مبین و ترک [illegible] دیانت و دین متین [illegible] کرداب [illegible]

[illegible] شده [illegible] شیخ [illegible] دوست [illegible] حالی [illegible]

[illegible] إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ

و تخمیص کلام آنست که کلام صاحب نواقض درین مقام از جهت [illegible]

[illegible] باجهل [illegible] مستند [illegible]

ابواب [illegible] از جهت تحصیل [illegible] از ابرام طول شده [illegible]

[illegible] با دیگری در قضای [illegible] شیعه شریک کرده [illegible]

در احکام شرعیه [illegible]

تعلیقات قضاة و حکام و تصرفات در حال غیبت و ایتام در ملک شیعه [illegible]

لهذا [illegible] این مذهب قوم را در دل مستقیم [illegible] مستحکم کردانید [illegible]

[illegible] این کتاب نواقض [illegible]

[illegible] صاحب نواقض گوید که از سقطات کلام [illegible]

آنست که گوید هر زمینی که [illegible] معصوم شود افضل است از کعبه [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] افضل از کعبه [illegible]

[illegible] هزار [illegible] حضرت

و حضرت فاطمه [illegible] افضل [illegible]

[illegible] افضل [illegible]

[illegible] اجماع [illegible]

[illegible]

و درین کلام نظر است از چند وجه اول آنکه شیخ شهید [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] علیهم السلام [illegible]

[illegible] افضل [illegible]

ظاهر شد که آن [illegible] صاحب نواقض [illegible] معصوم حضرت

[illegible] کلام شیخ شهید [illegible] است

درین [illegible] عبد [illegible] متأخرین [illegible]

ذکر کرده که دلالت بر فضل تربت آن [illegible] زیارت آن [illegible]

چنانکه [illegible] مشهد حسین [illegible]

[illegible]

بن بن [illegible] تألیف [illegible] است اگر [illegible] چنانچه [illegible]
متواتر [illegible] آیا [illegible] اگر تفصیل [illegible] کم است [illegible]
مسائل تحقیق [illegible] بیان نمودیم که این تفصیل [illegible] در هر چیزی [illegible]
این تفصیل نکنیم که کافر است [illegible] اگر [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] مراتب [illegible] که [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] که خدای تعالی [illegible] ایشان [illegible] و [illegible] که
مراد از اجماع مرکب لازم می‌آید میگوییم که خرق اجماع ایشان آسان [illegible] است
[illegible] و آن دعوی که [illegible] که [illegible] ظهور
مذهب [illegible] که [illegible] این دعوی [illegible]
اینها مذهب را انداختند و چگونه چنین نباشد و حال آنکه [illegible] پیش [illegible] مذاهب
[illegible] تحقیق [illegible] لعنت [illegible]
[illegible] خلاف و شقاق [illegible] آن [illegible] است [illegible]
[illegible] از زمان حضرت [illegible]
و مراد از اجماع اتفاق [illegible] ایشان موافق بودند با ابطال
دین حضرت پیغمبر [illegible] **الطائفة الثانیة** [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] کلام شیعه است که در کتب حدیث [illegible]
روز عید غدیر افضل است از عید فطر و اضحی و غدیر عید اکبر است و این حدیث [illegible]

بنسبت بعید

نسبت عید [illegible] و این بهتان عظیم است بر ایشان و کفر صریح است
[illegible] که از ضروریات دین است که عید [illegible] و همچنین [illegible]
[illegible] که عید اکبر یا عید فطر است یا عید اضحی [illegible] است و [illegible]
یک ضروری دین [illegible] کافر است با تفاق و هر چند که اقرار بشهادتین داشته
و نماز کند و روزه دارد و حج کند و جهاد بجای آرد و اگر [illegible] بگوید که این
ضروری دین نیست [illegible] اگر [illegible] استعمال [illegible]
[illegible] که [illegible]
این شبهای [illegible] احتمالات فاسده [illegible] نیست بلی اگر کسی [illegible]
[illegible]
عید [illegible] از جمله ضروریات دین است اگر [illegible] که عیدی که [illegible]
بالضرورة [illegible] است [illegible] و اگر [illegible]
اسم عید [illegible] و [illegible] و این از ضروریات دین نیست [illegible]
[illegible] بلکه اسم عید اطلاق کرده [illegible]
[illegible] از برای [illegible] حاصل شده و [illegible] اطلاق شده در قول حق تعالی در سوره مائده
وَاِذْ قَالَ عِیْسَی ابْنُ مَرْیَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَآ اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ
تَکُوْنُ لَنَا عِیْدًا [illegible] [illegible]
[illegible] است [illegible] که تفصیل [illegible]

[illegible] که قبول [illegible] و دیگر [illegible] پس [illegible]

[illegible] این قبول [illegible]

[illegible] کار [illegible] و چون [illegible] اهل سنت [illegible] تعالی گفت

[illegible] و قول [illegible] الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

[illegible] اهل [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] حق تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اهل بیت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] جماعت [illegible]

[illegible]

[illegible] مبالغه [illegible]

بکلام [illegible]

[illegible]

[illegible] جماعت [illegible]

[illegible] مردم [illegible]

[illegible] سلطان زمان [illegible] اهل جماعت [illegible]

[illegible] خود [illegible] میگفته که [illegible]

[illegible] تا آنگه [illegible]

[illegible] بلا [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

تا آنگه حق تعالی بر بندگان خود رحم کرده بعضی از خواص عباد را توفیق داد که ایشان را

از دین و از اهل این [illegible] کرد خدای تعالی نور خود را اتمام میکند اگرچه [illegible]

[illegible]

[illegible] سالم [illegible]

که اسما ایشان در کتب حدیث ایشان مذکور است که روایات [illegible]

روایت [illegible] آنچه گفتیم صحیح است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در اول بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله به اسلام درآمده و اظهار ایمان کرده

بعد از آن در میان اصحاب پیغمبر [illegible] باعث آنکه حضرت [illegible]
حق تعالی حافظ رسول خود بود و او را از اسرار ایشان مطلع ساخت و حیث آنحضرت [illegible]
[illegible] شان [illegible] گذاشت [illegible] آگاه شد [illegible]
[illegible] جناب [illegible] وقت [illegible]
نهم زعم [illegible] دیگر [illegible] از اهل بیت و عترت او کشیدند و کمر [illegible]
چه بود که ابو بکر و عمر و عثمان [illegible] سعد [illegible] عبد الرحمن و غیر ایشان از حزب
شیطان که در سلک [illegible] بودند [illegible] کلام [illegible]
که آنچه گفتیم صحیح است   دهم [illegible] بعضی مسایل خود گفته اند که [illegible]
و ابتدای [illegible] اهل سنت [illegible] بعضی از [illegible] اعمال [illegible]
نسبت بخدا [illegible] و اعراض [illegible] که [illegible] ابو جعفر [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] که [illegible]
شیطان [illegible] بحث کرده [illegible] شیطان [illegible]
[illegible] مسامحه [illegible] است [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] صاحب کشاف و صاحب [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] نسبت [illegible]

مطاعن

از عادات [illegible] و درین چند روایت است الرایة الاولی صاحب [illegible] گفته که از
عادات این جماعت آنست که [illegible] صلوات [illegible]
[illegible]
[illegible] نماز [illegible] بسیار [illegible] است و اگر
[illegible] شود [illegible]
[illegible] صحابی [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] کلام [illegible] صاحب [illegible]
حضرت [illegible] گفته [illegible] است [illegible]
[illegible] نماز [illegible] است [illegible] و لیکن
[illegible] صحابه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نسبت [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] صاحب [illegible] آتش کشته [illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

ملا آتشی قاضی عسکر بود [illegible] تعصب [illegible]

مجلس او متصل بود [illegible] مجلس [illegible] ملا [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] گفت [illegible]

[illegible]

[illegible] ملا [illegible]

[illegible] پادشاه [illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

[illegible]

اهل مجلس شنیدن این سخن [illegible] ملا [illegible] ساکت شد [illegible]

[illegible] مجلس [illegible] ملا [illegible] قوله

آنچه ملا جان ذکر کرده [illegible] فتوای [illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible] الحکایة

[illegible] آنست که [illegible]

اهل سنت و جماعت الحکایة الثالثة صاحب نواقض گفته از عادات ایشان آنست که [illegible]

[illegible] صحابه [illegible]

که در تشیع [illegible] ایشان آنست که [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] جمله [illegible]

[illegible] صحابه [illegible]

[illegible] قیامت و اگر از من

طلب [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] تجاوز

[illegible] است [illegible]

میان [illegible] علیه السلم [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible] شیخ محی الدین عربی [illegible]

[illegible] شخصی بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم گفت

من ترا دوست میدارم عثمان را نیز دوست میدارم حضرت فرمود که تو [illegible]

[illegible] دوست

[illegible]

صاحب [illegible]

خدا اگر دیگری که تفضیل دشمنان او دیده باشد گفته شعر [illegible]
ان الرای [illegible] و آنچه ذکر کرده در تعظیم جبرئیل که قدم [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] صاحب قصد قتل او داشت و او گریخت و [illegible]
[illegible] که تعظیم [illegible] تعظیم میکرد [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
صاحب [illegible] شیوه سنت که تعظیم [illegible]
میان ایشان [illegible] تعظیم میکرد [illegible]
[illegible]
[illegible] علمای
[illegible] تعظیم [illegible] و اگر کسی [illegible]
[illegible] برای ایشان [illegible] علمای سنی از کتاب [illegible]
شد و اگر کسی [illegible]
[illegible]
[illegible] اقول [illegible] اهل جاهلیت [illegible] تعظیم [illegible]
از جهتی است و تعظیم اهل جاهلیت [illegible] تعظیم [illegible]
[illegible] قتل عثمان [illegible]

حضرت امیرالمؤمنین [illegible] حضرت صاحب [illegible]
[illegible] صریح کرده [illegible]
اجماع ایشان اعتبار ندارد [illegible] زیرا که شاید اجماع ایشان باطل شده که
هر کس تعظیم آن کند به تعظیم اهل جاهلیت کافر است [illegible]
[illegible] عثمان [illegible]
[illegible] است الرابع و الخامس صاحب [illegible] عادات [illegible]
ایشان است که [illegible] علما [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان شده [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اقول [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible] از علمای [illegible] صحابه [illegible]
ایشان [illegible]
[illegible]

تبع اهل سنت مسلمانان [illegible] روایت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] اطلاعات [illegible] است که [illegible]

[illegible] مساعت آن [illegible] است [illegible] اهل [illegible]

حقیقت [illegible] است که اهل کاشان [illegible] که سید است [illegible]

و کاشان [illegible] ایشان [illegible] کرده [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] است [illegible]

[illegible] اهل کاشان [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] اهل کاشان [illegible] حجت [illegible]

[illegible] صورت [illegible]

[illegible]

[illegible] اول [illegible] تا شب و چون [illegible]

[illegible] صورت [illegible] مردم [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] روایت [illegible] اهل کاشان [illegible]

[illegible] است [illegible]

علی‌بن [illegible] است در کاشان [illegible] آنچه اهل کاشان [illegible] چنین است که

[illegible] بلکه [illegible] است که [illegible]

جهت [illegible] اهل سنت با آنکه [illegible] شکم آن صورت اشاره روایت [illegible]

[illegible] دعای حضرت سیدة النساء فاطمة الزهرا [illegible] که در وقتی که آنحضرت [illegible]

[illegible] از دست آنحضرت بگرفت و پاره کرد [illegible]

[illegible] شکم [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] شده [illegible]

[illegible] اهل سنت [illegible]

[illegible] اهل سنت است در تاریخ خود ذکر کرده که اهل سنت [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] شده [illegible]

[illegible] آنجا [illegible]

[illegible] آنچه [illegible]

از تعصب اهل قم و کاشان و سبزوار [illegible] روایت [illegible]

تعصب اهل جرجان [illegible] سید شریف است که صاحب [illegible]

[illegible] است و کاشی [illegible] اهل جرجان در تعصب ذکر [illegible]

خصوص که ملاعبان بهشتی ساز فرح و سرور ... صاحب
و هفتی که یاد ازو باب شیعه بیشان آنست که ایشانند روز عید جمع میکنند
با شباب حاضر و ... قبهای طلا ... و عصاهای ... پسران امرد را جمع میکنند با ایشان
در شبها ... میکنند و مطلب ایشان ازین اجتماع آنست که
با پسران و زنان ... و این واقعه حسین نام نهاده و اشعار ... ایشان
مطلب ایشان ... که در تمام سال ... کرده
... ایشان ... باطن ایشان ... ایشان
... که درین ایام ... حاصل شود که ایشان
... ...
... که اهل ... ایشان میکردند ...
در اول ... ایشان اظهار ... دارد
... میکردند ... میکویند که ...
... ایشان ... حسین ... و ...
... ... سعادت ...
... روز عاشورا ... روز ...
این اعتقاد ... محروم شده ... ثواب ... روز ...
... بسبب ... میکویند که ...

بیکویند که سنت که ... روز ...
گفت تربت حسین ... بی مثل مطلق ... که شیطان حسین آنجا کرد
که ایشان را از ثواب روز ... محروم ساخته ... ایشان
تا جمعیت ایشان زیاد شود و هر کس از سنت حضرت پیغمبر ... گفت
تحقیق شیطان بر ... مسلط میشود ... که عدم تعظیم روز عاشورا
... از جمله دلایل کفر ایشان باشد که ایشان با امثال این ...
اکتفا میکردند ... حکم کفر ایشان ... قتل شان ... لیکن
حق تعالی فضیحت ایشان ... ... ایشان ... کرده
... از صدق و احسان ... از کفر و طغیان ... میکویند که
هر کس اندک دینی داشته باشد ... اندک علمی دارد و تکفیر ایشان میکند از انجمله میکویند که عمر
باعث قتل حسین بود و تفصیل آنرا در کتاب ... بیان کرده ایم ...
... جماعت که ... اگر چه ما ... رسیدیم ...
... بلا ... لیکن حق تعالی ... صحیح ...
... و در آخر کلام دل ما بسوخت از آتش ظلم و کفر ایشان ...
اصلاح ... دیگر ... که حق تعالی ...
... این ... صبر و خاموشی ...
... الهام ... بشارت ...

مطلع بر آن شده [illegible] که ملاحظ است از برای [illegible] و سرگردانی [illegible]
دولت قزلباش پر بشارت با شمار الظفر و خوشحال شوید ای مؤمنان [illegible]
شریعت که من [illegible] شده [illegible] سال پیش از این اگرچه در آن زمان [illegible] اول
جوانی بودم لیکن [illegible] و ریاضت کش بودم چند جلد [illegible] بودم و مطالعه
کتب [illegible] بودم [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] که [illegible]
[illegible] سال [illegible] از ربع اول [illegible] بودم [illegible] ملک شام [illegible]
[illegible] [illegible]
شکر [illegible] [illegible]
[illegible]
آن الهام ربانی بود [illegible] شیطانی [illegible]
شب [illegible] که حق تعالی [illegible] ملک دنیا [illegible]
و [illegible] پادشاهی کردند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در خواب [illegible]
[illegible] [illegible]
خبر داد که این ملک [illegible] پادشاهی [illegible] ایشان [illegible]
و این [illegible] و [illegible]
و از جمله [illegible] است که [illegible] اسلام و شریعت پیغمبر آخرالزمان شاه اسمعیل

الشیخ حیدر [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] از جمله [illegible] حق تعالی ایشان [illegible] و [illegible] جماعت [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] قریب الحمد [illegible] آخرالزمان پیغمبر [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] و شریعت [illegible] جماعت [illegible]
[illegible] پیغمبر [illegible] حاصل الهام آنست که [illegible] پیغمبر
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] سال [illegible]
[illegible] ابتدا سلطنت شاه اسمعیل [illegible]
[illegible] سال [illegible] ثلث [illegible] شد [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

ست که [illegible] ایام مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام و مرثیه [illegible] بسیار میکنند
و بسا باشد که موجب هلاک جمعی کثیر شود و در مجلس عاشورا حال [illegible] طریقی نیست که آن
اگر گروه [illegible] کسی [illegible] در مجلس عاشورا حاضر شده باشد اگر [illegible]
که [illegible] میگوییم [illegible] در مجلس حاضر شده [illegible] حاضر [illegible] که در
مصیبت آنحضرت گریه کنند و اگر در مجلس از بعضی اهل [illegible] اهل عباد [illegible] شود
[illegible] باشد [illegible] علما و صلحا [illegible] میگفت که روز
عاشورا سنت [illegible] میگوییم زیرا که از اهل بیت حدیثی [illegible] که دلالت بر
استحباب صوم عاشورا کند و بدون دلیل روزه داشتن بدعت است بلکه [illegible]
شده اگر روزه این روز از مبتدعات قاتلان حضرت امام حسین است که جهت
فرح و سرور قتل آن سرور روزه داشتند و آنرا عید [illegible] داشتند چنانکه صاحب
قاموس که [illegible] حدیث [illegible] است در کتاب سفر السعادة [illegible] این حدیث
[illegible] عاشورا [illegible] قاتلان امام حسین [illegible]
کرده [illegible] میگفت که شیطان [illegible] ایشان [illegible] محروم ساختن [illegible] ثواب [illegible]
آن [illegible] بلکه [illegible] خود [illegible] ایشان [illegible] کرده [illegible]
و [illegible] شیطان [illegible] و قبول [illegible]
[illegible] باعث قتل حضرت [illegible]
پس [illegible] ذکر کردیم [illegible]

[illegible] در این کتاب [illegible] نزول بلایا [illegible] که [illegible] معقول است و چون
هر کسی که در مقام [illegible] مذهب [illegible] ظاهری بود [illegible] شاید که [illegible]
[illegible] و جهت آنکه [illegible] به [illegible] کنند [illegible] است
[illegible] بگوید [illegible] عبارت [illegible] که شما [illegible]
[illegible] ذکر کردیم و اگر در میان اهل سنت [illegible] در میان باشد بگوید که [illegible]
از این عبارت آنست که در این [illegible] که [illegible] ذکر کردیم در این کتاب
[illegible] که بلایی نازل شود [illegible] رفع [illegible] کنند [illegible] از بشارت
[illegible] حق تعالی [illegible]
[illegible] اشعار [illegible] مصیبت [illegible]
[illegible]
[illegible] بسیاری [illegible] مصیبت [illegible]
[illegible] میگفت [illegible]
[illegible] شبهه [illegible] این کلام [illegible]
[illegible] است [illegible] آنکه [illegible] ظالم [illegible]
[illegible]
[illegible] این معنی [illegible]
[illegible] که کسی [illegible]

حضرت که [illegible] باطل نشود و اگر چه بهشت شیخ [illegible] که این مذهب [illegible] است
و بنای کلام او بر هر یکی ازین دو چیز باطل است [illegible] از اهل فارس خصوصا آنکه
مخصوص بوده بسلسله او شایع شده و اندر میان ایشان [illegible] بدین خیال [illegible] طبیعه او
آنکه میگفت در بهشت [illegible] بخدمت زاهدی از اهل مغرب رسیده بود مرا
بشارت داد بهمان چیزی که بآن ملهم شده بودم میگویم این بعید نیست که [illegible]
[illegible] خواب [illegible] اگر [illegible] باطل [illegible] بعید نیست [illegible]
[illegible] ظاهر [illegible] ظاهر [illegible]
چه [illegible] ظاهر آنست که آن زاهد از جماعت نفس بوده
در این هنگام ظاهر میشود که [illegible] دیگر [illegible]
بهتر ازین نتیجه [illegible] این مضمون [illegible]
[illegible] میگفت که [illegible] است که آنچه شاه اسمعیل [illegible]
بنی مروان [illegible] که دولت قزلباش بسیار کمتر باشد از
دولت بنی مروان با آنکه مدت [illegible] بسیار زیاد شده بدان چنانچه خود معترف است پس
معلوم شد که نتیجه که از مقدمات الهامی او حاصل شده بود فاسد است [illegible] دیگر گفته
[illegible] خدای [illegible] که اکثر اصحاب [illegible]
[illegible]
[illegible]

و این سخن باطل است که سبب جمع است [illegible] زیرا که [illegible]
راست بسیار [illegible] ازین گفته [illegible] و آنکه در
تاریخ دولت قزلباش گفته غلط است زیرا که اول دولت ایشان از
زمان خروج سلطان حیدر است بر والی شیروان و غالب شدن بر او
و گریختن او با آذربیجان و مدد طلبیدن از یعقوب سلطان والی آذربیجان و اجتماع
ایشان بر دفع سلطان حیدر و بعد از آن خروج کردن شاه اسمعیل انتقام
کشیدن از ایشان و هرگاه تمام زمان دولت ایشان اعتبار کنی زیاده
میشود بر آن مقدار که تو گفتی [illegible] در بیان
آنچه [illegible] بعضی [illegible] فقها اهل سنت خصوصا
[illegible] فقیه حجازی [illegible] فقیه عراقی [illegible]
اگر کسی [illegible] احکام
[illegible]
مناظره واقع میان فقیه اهل حجاز و فقیه اهل عراق حجازی گفت که من شنیده ام
که حق تعالی فرموده که آب [illegible] پاک [illegible] عراقی میگوید
[illegible] مخالفت با قول خدا و رسول و اجماع
مسلمین و عراقی گفت که من شنیده ام که حق تعالی [illegible]
از مردان و اگر دو مرد نباشد یک مرد و دو زن [illegible]

میگوید که کرده و مرده یا سیدیک دیگو و کیره و علی با یک کو دقیق ورو یا آنکه
حضرت پیغمبر فرموده که اگر بر هوای قومی چیزی بدیشان دهند هر آینه بر کسی که وی گفته
فرموده‌اند تمامی جماعتی پس حجازی مخالفت نمود قرآن و حدیث و اجماع را
انگاه حجازی گوید که میشنوم که عراقی میگوید که هرگاه موشی در چاهی بمیرد
بیست دلو آب از آن چاه بکشند بعد از آن چاه پاک شود و اگر آب
موشی در چاه افتد تمام آب چاه باید کشید پس این عجب قولیست که بعض
موش نجس کند چاه را و تمام او نجس نکند، عراقی گوید تو از این عجب‌تر شنو که
میگوید اگر موشی در چاهی افتد که دو سبو آب داشته باشد و موش را چهار
از هم جدا باشد آن چاه پاک است و اگر یک سبو آب از آن چاه بکشند و باز
از آن موش در آن باشد آن آب نجس خواهد بود پس تمام موش نجس کرد آب
چاه را و بعض پوست نجس کرد و آب تمام پاک است و بعض آن نجس، بعد از آن
حجازی گوید که میشنوم که عراقی میگوید که هرگاه موشی در چاه افتد بیست دلو
از آن بکشند پاک شود و هرگاه آدمی از اهل ایمان در چاه افتد تمام آب آن باید کشید
پس موش پاکتر باشد از اهل ایمان، عراقی گوید که من میشنوم که حجازی میگوید
که هر مومنی که دست بفرج خود کند وضو بر وی واجب میشود و اگر دست بفرج
سگ یا خوک کند وضو باطل نمیشود پس سگ و خوک پاکتر باشد از اهل ایمان
و حکایت کنند از کسی سابقی که او حسد گفته که اگر جنب دست در چاه کند بنیت وضو

آب چاه

آب چاه نجس میشود و اگر نیت دیگر کند نجس نشود و این عجیب است و از محمد
بن الحسن که از ابی حنیفه روایت کند که گفته اگر جنبی بنیت غسل کند در چاهی
آب چاه نجس میشود و بدن وی پاک نمیشود پس اگر از چاه بیرون آید و مرتبه دیگر
رود باز پاک نمیشود و پس اگر از چاه بیرون آید و سیم بار در چاه رود باز نجس خواهد بود
و اگر مرتبه چهارم در چاه رود بدن وی پاک میشود و یوسف گفته که اگر مردی جنب
در چاهی رود تا دلوی از آن چاه بیرون آورد آن شخص و آب چاه هر دو
نجس میشود و از غسل او مجزی نیست و محمد بن الحسن گفته که آب نجس نمیشود و غسل او مجزیست
و این اقوال از عجایب است، انگاه حجازی گفت که من میشنوم که عراقی این حدیث را منکر میکند
و دین ... که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که اعمال به نیت است و نیت از برای
شخص که او نیت کند و عراقی میگوید که وضو احتیاج به نیت ندارد و این برخلاف
قول پیغمبر پس عراقی گفت من میشنوم که حجازی بعضی امور را سنت میکند و اقدام
بر سنت بیشتر میکند زیرا که میگوید که کسی حج کرده باشد و از کسی حج اجاره بگیرد و حج کند
آن حج از او مجزیست از حج اسلام او، انگاه حجازی گفت که عراقی میگوید که اگر کسی
نماز کند که بول حیوان ماکول اللحم بر آن ریخته باشد نمازش درست است و آنکه آن ماکول نیست
باشد یعنی بر جامه یا بر بستر او ریخته باشد بعد از آن نقیض آن حکم میکند که اگر گوسفند
در چاهی بول کند که هزار خیک آب در آن چاه باشد آب چاه نجس میشود و این مناقضه
واضح است، پس عراقی گفت من حجازی ... مناقضه دیگر میگوید

و کسی [illegible] بجای کرده [illegible] شده باشد [illegible] با آب [illegible] آن
شده [illegible] و این مختصر [illegible] که نجاری گفت [illegible]
تعالی میفرماید که [illegible] بر خیزید روهای خود را بشوئید و دستهای خود تا مرفق
بشوئید و سر و پای [illegible] پس ترتیب در وضو واجب [illegible] حضرت پیغمبر [illegible]
[illegible] ابتدا [illegible] که ابتدا کنید به آنچه خدای تعالی بدان ابتدا کرده [illegible]
[illegible] میکند و [illegible] میکند [illegible] پس [illegible] گفت [illegible]
ای نجاری [illegible] بر [illegible]
[illegible] و [illegible] که عالم و غیر عالم مساوی نیستند پس حق تعالی
مجاهدین را بر قاعدین مقدم داشت از جهت تعظیم ایشان و نفی مساوات کرد میان
عالم و جاهل [illegible] اتفاق داریم که [illegible] فضل است [illegible]
و [illegible]
[illegible] سلامت [illegible]
تعالی [illegible] و ترتیب واجب [illegible]
پس [illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تطهیر [illegible] پس [illegible] گفت [illegible]

لازم

ی [illegible] زیرا که [illegible] و بعد [illegible]
نجس است و این [illegible] است زیرا که حضرت پیغمبر وقتی که سر [illegible]
میان اصحاب قسمت کرد [illegible] جهت تبرک نگاه [illegible] نجس [illegible] پیغمبر [illegible]
[illegible] امری [illegible] کاری کردی که [illegible] انسانی میکنند پس [illegible]
[illegible]
[illegible] گفت که حضرت پیغمبر [illegible]
[illegible] سلام [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت پیغمبر [illegible]
[illegible]
[illegible] این حال [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] مخالفت [illegible] پس [illegible]
[illegible]
نجاری [illegible] نماز [illegible] صحیح است [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] گفت [illegible]

حق تعالی میفرماید که تر تیب ادیم پیغمبر را بزبان قوم او و پیغمبر گوا عادتی [illegible]
نموده جای نگذارد [illegible] قرات فارسی که نزد حجازی مقرر و معلوم است که
در نماز تشهد و صلوة بر پیغمبر واجبست و اگر تشهد و صلوة را بفارسی بجای آورد
نزد او صحیح است و اگر عراقی بمخالفت قرآن کرد حجازی بمخالفت قرآن است که
باز حجازی گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر نماز که در او فاتحة
الکتاب نخواند آن نماز ناقص است و ما میگوئیم که عراقی جایز میداند که در نماز
یک آیه کوتاه [illegible] سجده هر رکعت مثل ثم نظر و مدهامتان و مثل [illegible]
مختصر درست برخواند عراقی گفت قاری بر نقص قرآن [illegible] و حکم [illegible] عمل
زیرا که میگوید هر کس در رکعتی یک آیه را از قرآن بخواند که مقصود فاتحه باشد نماز او جایز است
پس [illegible] این قول بر آنچه سبب میگردد و عدد که حدیث را که دلیل بود به
حجازی گفت عراقی را ما میگوئیم که بقیاس عمل میکنند با این حال در ترک روایت
از قیاس زیرا که میگوید هر کس در نماز حرف زند سهوا نماز او فاسد است و اگر
سلام گوید در میان نماز سهوا نماز او فاسد نیست پس که هر دو قضیه [illegible]
[illegible] عراقی گفت که [illegible] ترتیب [illegible] که ما [illegible] است اصحاب شافعی [illegible]
[illegible] میگوید که کسی [illegible] داشته باشد [illegible] در حال [illegible]
غیر قبله [illegible] او اگر تیمم کند [illegible] پس [illegible] نماز [illegible]
زوال [illegible] نماز [illegible] و این تناقض ظاهر است پس حجازی گفت که امام

عراقی [illegible] قرآن [illegible] مطلقا از حق تعالی [illegible]
[illegible] دیگر میگوید که کسی که سفر کند در جهت [illegible] حق تعالی [illegible] مسلمان
[illegible] است که [illegible] وقت [illegible] است که [illegible]
حق تعالی [illegible] قصر نماز را برای رحمت داده [illegible] از جهت فساد [illegible]
[illegible] پس عراقی گفت قول حجازی [illegible] قول است [illegible]
[illegible] جهت [illegible] و اگر [illegible] که حجازی [illegible]
[illegible] مختصر [illegible] معاملات [illegible]
[illegible] کسی که [illegible] باز حجازی گفت عراقی میگوید که [illegible]
[illegible] امام [illegible] نماز [illegible] و اگر امام [illegible]
[illegible] میگوید [illegible] یک [illegible] نیست [illegible]
[illegible] عراقی گفت که حجازی [illegible]
[illegible] میگوید [illegible] و [illegible]
[illegible] نیست و اگر [illegible] حکم [illegible] دلیل [illegible]
حضرت پیغمبر [illegible] میکرد [illegible] نیست [illegible]
[illegible] حضرت پیغمبر [illegible] بجا نمی آورد [illegible]
[illegible] خلاف [illegible] جمیع [illegible]
[illegible] جمله [illegible] پس [illegible] پیغمبر [illegible] میگویم [illegible]

بعد از آن حجازی گفت من میگویم که با آنکه در طهارت و صلوات این مسئله
دست دراز کرده بر مناقضه داد و نیز آنکه حضرت پیغمبر نگفته‌اند [illegible] و کدام
سید و اعرابی که گفته [illegible] تیمم [illegible] ❁ عراقی گفت من شنیده‌ام
که حضرت پیغمبر از پنج مشترک که منقذ ذکوة میداد و حجازی میگوید که از
پنج مشترک شتر باید داد و این در یعنی خبر است ❁ پس حجازی گفت
من شنیده‌ام که حضرت فرموده که در کمتر از دویست درهم زکوة نیست و ابو حنیفه
میگوید که اگر کسی را دو مثقال طلا و صد درهم [illegible] باشد زکوة در دو جست
بخلاف قول نبی صلی الله علیه و آله ❁ عراقی گفت من میبینم که حجازی همین قول
حضرت را رد کرده زیرا که میگوید که اگر چیزی کس از اسپهای خود را جمع کند و بیست
درهم [illegible] که زکوة بر ایشان واجبست و اگر عراقی صد هزار درهم دارد و دیگری
واجب نیست ❁ بعد از آن حجازی گفت که عراقی در باب صوم مناقضه دارد
زیرا که میگوید که اگر کسی را زخمی در جبین باشد که او را اندرون دارد و دوای آن زخم
کند در ماه رمضان روزه او باطل میشود و اگر پاره چوبی سیکی با انگشتری فرو برد روزه او
صحیح است ❁ عراقی گفت که حجازی نیز شریک منست درین مناقضه زیرا که میگوید
که [illegible] ماه رمضان [illegible]
دیگر بار بکند قضا و کفاره بر ایشان لازمست و با آنکه میگوید که اگر کسی در ماه
رمضان [illegible] قضا [illegible] مناقضه کرده

بجمع زر

بیست [illegible] بعد از آن حجازی گفت که عراقی مناقضه [illegible] میگوید که
اگر کسی در ماه رمضان [illegible] حاصل شود قضا [illegible] واجب نیست
و اگر در بعضی از روزه عاقل شود تمام را قضا کند و این مناقضه واضح است ❁
عراقی گفت که حجازی نیز همین مناقضه دارد زیرا که میگوید که اگر طفل در میان روز
ماه رمضان بالغ شود باقی روز چیزی نخورد روزه او صحیح است و اگر کافری
در میان روز مسلمان شود آن روزه را قضا کند ❁ بعد از آن حجازی گفت
که عراقی [illegible] در باب [illegible] کرده [illegible]
[illegible]
نیز [illegible] عراقی میگوید که باکی نیست که محرم از جهت خود و غیر عقد نکاح کند [illegible]
قول [illegible] عراقی گفت که [illegible] میگوید که حضرت
پیغمبر فرموده که محرم هرگاه [illegible] پشت پای [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
پس حجازی گفت که عراقی [illegible]
[illegible] که میگوید حضرت پیغمبر [illegible]
[illegible] خون روان شده [illegible] میگوید که [illegible] است ❁
عراقی میگوید که حجازی نیز ازین عیب خالی نیست زیرا که در [illegible]
[illegible] حضرت پیغمبر گفته [illegible] شام [illegible]

حرمت [illegible] مستوجب

گردد حجازی [illegible] که باکی نیست که نماز شام خفتن در عرفات بگذارد و این

تشنیع تر است از آنچه عراقی نسبت میداد ؛ انکار حجازی بعضی تشنیعات

بر عراقی [illegible] و حجازی گفت عراقی میگوید که شراب [illegible]

[illegible] است که [illegible] حلال [illegible] میگوید که مسلمان هرگاه

غلامی [illegible] بعد من شراب و غلام را آزاد کند این آدمی جایز است

و قیمت شراب [illegible] است [illegible] گفت حجازی [illegible] میگوید که

هرگاه کسی بغلام خود بگوید آزاد کردم ترا بشرط آنکه صد من شراب بمن دهی

هرگاه آن غلام صد من شراب بدهد آزاد میشود و این بعینه مانند [illegible]

عیب میکرد ؛ بعد از آن حجازی تشنیع کرد بر عراقی که او جایز میداند

فروختن شراب از جهت استخفاف بدین از جمله آنست که میگوید جایز است

[illegible]

باکی نیست که [illegible] فروختند [illegible]

قتل و ضرب و غیره [illegible] باکی سبب [illegible] اهل

اسلام میشود و این بدتر است از آنکه تو میگفتی ؛ پس حجازی گفت که

شنیده ام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] که قیمت سگ حرام است

و [illegible] سگها را بکشند و عراقی [illegible] جایز میداند خرید و فروش سگ

عراقی گفت که حجازی [illegible] قول [illegible] با آنحضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] که هر کس مالک شود کسی را که محرم او باشد آزاد میشود

[illegible] مالک میشود [illegible] مالک میشود

تشنیع تر است از آنچه عراقی میگوید نقل میکند ؛ بعد از آن تشنیع کرد حجازی بر عراقی

در کفارات پس گفت که [illegible] خدای تعالی در کفاره قسم [illegible] ده مسکین

اطعام کند و عراقی میگوید [illegible] مسکین [illegible] اطعام کند کافیست

عراقی گفت [illegible] مسکین [illegible] آنچه طعام

[illegible] حجازی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] گفت [illegible] عراقی تعطیل حدود خدای تعالی میکند زیرا که میگوید اگر

[illegible]

[illegible] عراقی گفت حجازی میگوید

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] پس از آن حجازی گفت [illegible]

با خون اهل اسلام برابر است یعنی اگر مومنی کافر ذمی را بکشد او را در عوض بکشند
وحق تعالی میفرماید که کافر برابر مومن در هیچ چیز نیست و نیز میگوید عراقی که اهل
میتوانند که مومن را بقصاص بکشند عراقی گفت که ای حجازی تو نیز با من
شریکی درین مناقض زیرا که میگویی که هر کار دار از مسلمان ذمی را بکشد
باید که او را بکشند از کار کشته و حلی از جانب تو میگوید که مسلمان هر کار
ذمی را بکشد بکرو فدیه او را در عوض بکشند پس کدام شناعت که متوجه
شما نیست بعد از آن مصنف کتاب گوید که این یک پاره ایست از آنچه
این دو مرد در آن مناقضه میکردند که من بطریق عجالت در نهایت
ایجاز و اختصار ذکر کردم و اگر جمیع آنچه با هم مکالمه کرده اند ذکر میکردم
هر آینه محتاج میشدم بتصنیف کتابی علیحده و از غرض این کتاب بیرون
میرفتم و در اینجا من ذکر کرده ام کفایت از برای اطلاع بر بطلان آنچه
اهل خلاف برانند انتهی کلامه اتفاق افتاد اتمام سواد این کتاب بر
مولف فقیر الی الله الغنی نور الدین شریف الحسینی در بلده سبزوار در ماه
رجب سنه نهصد و نود و پنج از هجرت والحمد لله
رب العالمین والصلاة والسلام علیه
و آله الطاهرین المعصومین
١٧٠
الی یوم البعث